

کتابی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زر کوب شیرازی

معراجنامه - شیخ رئیس ابوعلی سینا

نظام التواریخ - قاضی بیضاوی

جامع التواریخ - رشیدالدین فضل الله جلد دوم طبع بلوشه

نہرسالہ از ملامحسن فیض بفراسی و عربی

الف - ترجمہ الصلوٰۃ

ب - ترجمہ الشریعہ

ج - مفتاح الخیر

د - ترجمہ الزکوٰۃ

ه - ترجمہ العقاید

ز - شرایط الایمان

ط - زاد السالکین

ح - الفت نامہ

ل - آئینہ شاہی

- راہنمای آثار تاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راہهای باستانی و پایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة ہمدانی

ذیل ظفر نامہ شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع - کاترمر - بلوشہ - برزین - یان و سایر تواریخ دیگر

کہ جمع آوری شدہ)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور- امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در بوسا عکس برداری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته و نسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاضله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده و بکوه قافر رفته است با تحقیق و تتبع و مطالعه سه سال بزیور طبع آراسته گردیده و بدوستان و پاسداران علم تقدیم میشود امید است بر زلاتش قلم غفو و اغماض کشیده و از فوائدهش بهره‌مند گردند

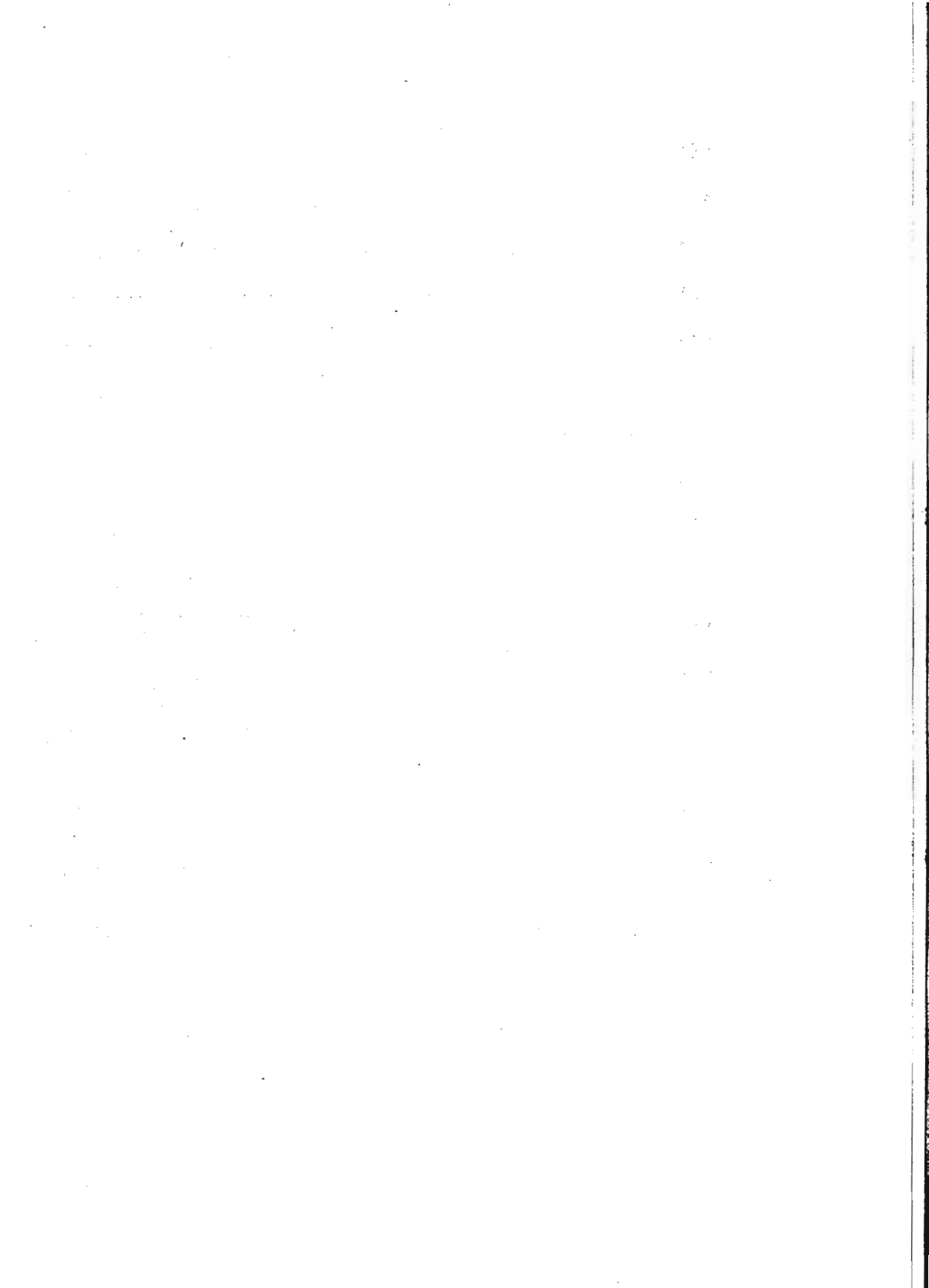
وبالله التوفیق

فهرست مطالب کتاب تاریخ نیشابور

صفحه	مطلب
۱	مقدمه
۳	ذکر مفاخر خراسان با اشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف
۴	الاحادیث
۵	آثار سلف عظام رضی عنهم
۷	ذکر صحابه کبار رضوان الله علیهم به نیشابور
	ذکر بزرگان کی بنیسا بور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین
۱۳	وساکن شده اند یا گذشته اند
۱۵	ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها
۲۷	اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه
۳۴	ذکر مصنفاته
۳۹	ذکر الطبقة الحامسه من علماء نيسابور و من دخل و نشر علمه
	ذکر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوریین و من سكنها و حدث فيها من علماء
۶۱	المسليين رضی الله عنهم
	قال الحاكم رضی الله عنه هذه اسامی المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من هذه
	الطبقة فشرع الان فی اسامی الذين ادرکهم و رزقت السماع منهم بنسابة من هذه
۷۵	الطبقة ايضاً على الترتيب المذكور

- قال الحالم الامام ابو عبدالله الحافظ النيسابوری وقع لفراغ بعون الله و حسن تقدیره
شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه
۱۱۳
- ذکر بناء قهندزر و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محولات
نيسابور و آنچه تعلق بامثال این امور دارد
۱۱۷
- ذکر حفر خندق قهندز
۱۱۸
- ذکر بناء شهر قدیم
۱۱۸
- ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم
۱۱۹
- ذکر ارتفاع زمین نيسابور نسبت بابلاد دیگر
۱۲۰
- ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود بازدياد عمارت در شهر و سور داخل
شد و باغات و بساتین محلات شهر کشت
۱۲۱
- ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن
۱۲۲
- ذکر فتح نيسابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله عليهم
روایة اخرى
۱۲۵
- ذکر وادیهای نيسابور
۱۲۶
- اما ارباع نيسابور جارست
۱۳۷
- ذکر ولایات کی از نواحی و اقطار خراسان بنيسابور نسبة دادندی اشرف و اکابر
آنرا نسابوری خواندندی
۱۳۸
- اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ
۱۳۹
- ذکر دو منار جامع
۱۴۱
- ذکر مسجدهاء متبرک شهر قدیمی که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی
۱۴۳
- ذکر میادین نيسابور
۱۴۴
- ذکر مقابر و قبور کی مزارات نيسابور بود
۱۴۴

۱۴۶	فایده
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	اسامی سادات کبار
۱۴۹	اسامی صحابه رضی الله عنهم
۱۴۹	اسامی مشایخ طبقات
۱۵۰	اسامی علماء بزرگ
	اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی غیر ایشان
۱۵۰	اسامی بزرگانی که در شهر نساپور مدفون اند نقل از خط جواجه قطب الدین
۱۵۱	رحمة الله
۱۵۳	مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵۴	الطبقة الاولى منهم
۱۵۵	الطبقة الثانية
۱۵۷	الطبقة الثالثة
۱۵۸	الطبقة الرابعة
۱۶۰	الطبقة الخامسة



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمة المصحح

الحمد لله الموفق من شاء من عباده لخدمة العلم والدين ،
 و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة تشهد لصاحبها
 بحسن اليقين ؛ و اشهد ان سيدنا محمداً عبده ورسوله الى الناس
 اجمعين ، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وصحبه و التابعين باحسان
 الى يوم الدين .

سألهاست که گنجینه‌ها و خزائن کتب قدیمی ، مورد توجه و تدقیق علمای
 بزرگ دنیا و متتبعین با ذوق قرار گرفته و تشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه
 و قریحه برای سیراب ساختن روان و ارضای غوغای درونی خود باین گنجینه‌ها روی
 آورده‌اند و هر کس بحد امکان مادی و معنوی خویش از آن دریای بیکران بهره‌ای بر
 گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی فارسی و عربی را تشکیل میدهد دست
 قهار طبیعت آنها را از سرزمین خود دور انداخته و در نقاطی غیر مانوس بر روی هم
 انباشته و از این جهت است که محققین برای تتبع و بحث درباره کتابی مجبورند یکی
 از آن نقاط سفر کرده و از منابع کتب آنجا استفاده نمایند، یا الاقل فهرست کتابخانه‌های
 مختلف را بررسی کامل نموده تا از وجود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع
 کافی بدست آورند .

یکی از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این درر گرانبها را در اعماق خود

پنهان داشته و از آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول می‌باشد .

در هر يك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی و فارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده و یا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت که جز مستشرقین معدود، دیگران و بخصوص محققین ما، یا از وجود آنها بیخبرند و یادستری بدانها نداشتند و از این جهت در مقدمه هیچیک از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح و طبع شده و اقدم و اصح آن در استانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده و حتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، و همین امر سبب شده که باهمه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید و باید تامین نشده است .

این کتب پر بها، یاد زمان مولف و یا اندکی بعد از آن تحریر یافته و اغلب حاوی تاریخ تحریر و نام کاتب است .

از این لحاظ نگارنده با سرمایه مزاجه در مدت اقامت در استانبول بکمک دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و مكاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی از یکصد جلد کتب فارسی و عربی که همگی اقدام و اصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست . عکس برداری نموده و برای استفاده علمای متمتعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تا بآبدست آوردن فرصت یکی را پس از دیگری بزیور طبع بیارایم :

کتاب تاریخ نیشابور امام؛ الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله نیشابوری:

که مولف آن در سال ۵۰۴ هجری قمری در نیشابور وفات یافته و یکی از مهم‌ترین و نفیس‌ترین کتاب در تاریخ نیشابور است: از همان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلو جامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده و اکنون پس از مدت سه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم .

دکتر دیپلاد فرای استاد دانشگاه هاوارد (آمریکا) (۱) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است.

نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاوارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهیم رسانید زیر ابمفاد: *وفي التاخیر آفات*: ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همینطور هم شد چه: چندی قبل بدبختانه شنیده شد که بورس طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یامانده است.

امام حاکم (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز بعربی در دوازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علما و اسامی محلات و قراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که با احتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲).

کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاوارد در شهر واشنگتن (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از تمام دنیا محصل میپذیرد. این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه است.

دانشگاه دیگری درستن بنام هاوارد میباشد این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دوست سال و کسری قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را مردی وارد و مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما با اوضاع و احوال ایران وارد بود.

برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده

(۲) امام الحاکم تالیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشیات - تراجم الشیوخ - علوم الحدیث - کتاب

العلل - کتاب الامالی و غیر ذلک

شخصی بنام احد بن محمد بن حسن بن احمد معروف بغلیقه نیشابوری
 یایک قسمت از آن کتاب بزرگ را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده
 است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیک از تذکره‌ها نام او را نیافتیم.
 تاریخ نیشابور حاضر دو قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین -
 علما - فضلاء - ادبا و سایر کسانی که به نیشابور آمده و رفته و زیسته و مرده‌اند.
 و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار
 سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیشابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار
 نیشابور را شرح میدهد و یکایک را بنام صحابی اول و صحابی دیگر و غیره توضیح تشریح
 می نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علما و اشراف و
 تابعین قلم فرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود
 بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است بعبارت آخری
 فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه نشد چه در هر یک از طبقات خود مولف این سبک
 را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است
 مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند اگر
 سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یاد آور شود و
 حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب (۱)

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و وادیها - بناء شهر قدیم - حفر خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیسابور - مفاخر نیسابور قدیم - مقام خدام نیسابور - روایات دیگری از این قبیل برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال و اماکن تهیه شد ناگفته نماند که در حدامکان ظرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد: ولی چون نسخه منحصراً بفرمانهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز اغلاطی در طبع پیدا شد.

در خاتمه باید از زحمات آقای رضائی مدیر کتابخانه ابن سینا که سالهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده و رنج بسیار برده و این کتاب هم يك نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم.

والله المستعان و علیه التکلان

تهران - دکتر بهمن کریمی

هفتم مهر ماه ۱۳۳۹

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ خورشیدی کتابی بنام شیراز نامه تألیف ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی بهمن سبک و بهمن روش تصحیح نمودم و با مقدمه مفصلی در شرح شیراز و بناهای قدیمی و آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم.

مختصری از اوضاع جغرافیائی خراسان

در باب اینکه مهاجرت ارین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ و بچه منوال بوده ما اطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیهاذ کرمی شود در سال (۸۳۵ قبل از میلاد) در کتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشور است و ضمناً معلوم نشده که آیا مدیها از نژاد آریین بوده اند و یا اینکه فاتحین آریائی اسم سا کفین سابق مملکت را اختیار کرده اند اسمی خاص آریائی فقط در کتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق- م) دیده میشود و نیز هانمیدانیم که آیا مهاجرت آریین‌ها فقط از راه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یا اینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان و از آنجا بفارس میرفت صورت گرفته است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هردوت گوید: هدروس‌ها (در اصل متن-، ده روسیایوی) و کرمان‌ها (در اصل متن- کرمانی اوی) در جزو ایرانیانی بشمار میروند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را یک شاخه از ایرانیان که خود را پارسه مینامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعرصه تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کفی هیروود که مهاجرت از راه شمالی زودتر بوقوع پیوسته است

حرکت آریین‌ها از قسمت شمالی ایران از همان راهی که در قدیم شاهراه عمده از آسیای غربی بشرقی بود یعنی از طول دامنه جنوبی جبالی بوده که سرحد شمالی فلات ایران را تشکیل می‌دهند بعضی از خطوط سیر ممکن است مولد این حدس باشند که قسمتی ازین راه در زمان قدیم شمالی‌تر بوده است

ایزیدور خاراکسی گویند: راه از ولایت قومیسنه (اعراب قوس گویند) که دامغان و سمنان از بلاد آن بودند رو بشمال به هیرکانیا یعنی سواحل رود گرگان که بحر خزر میریزد میرفت، و از آنجا متوجه ولایت پارتها میشد که قدیمترین پایتخت های آنان یعنی استاکا و یارساکا که در محل خوبشان دوره اعراب یا قوچان کنونی واقع بود و نسیایا که اعراب نسیا گویند و خرابه‌های آن امروز در نزدیکی عشق آباد نمایان است در سمت شمالی شاهراهی که بعددائر شده قرار گرفته بودند.

احتمال دارد که مهاجرت آریین‌ها با سواحل گرگان هم تماس داشته است کلمه هیرکانیا (در اصل ورکانا یعنی مملکت کرک‌ها) خالصاً یک کلمه اریائی است از آنجا آریین‌ها مهاجرت خود را از دامنه جنوبی جبال دنبال کرده‌اند زیرا سواحل جنوبی بحر خزر در زمان حکومت ایرانیان هم هنوز در تحت اشغال ملت غیر اریائی بود.

در ردیف راه هیرکانیا از شاهراه امروزی هم اسم میبرند چنانکه آریان مینویسد که هیرکانیا در سمت یسار راهی که از مدی پارت میرفت واقع بود.

هر دو ت چنانکه معلوم است پارت‌ها، و خوارزمیان و سغدی‌ها و آریین‌ها را در یک ساتراپی قرار میدهند در تمام کتیبه‌های میخی در جائیکه اسامی ولایات ذکر میشود مملکت پارت از خوارزم سوا و علیحده نام برده شده و ربطی به خوارزم و سغدیانا و آریانا نداشته است

در اوائل سلطنت داریوش ساتراپ ولایت پارت کشتاسب پدر داریوش بود که در سال (۵۱۸ ق - م) مجبور شد شورش پارت‌ها و هیرکانیا را

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استرابن گوید: سلاطین ایران در مواقع سیاحت و گردش در ممالک خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر از پارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پر جمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر و لزوم دفع حملات کوچ نشینان مات پارت نسبت بطرز زندگی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مترقی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند، جبال بلخان بزرگ و کوچک و کوه کورن داغ و کیت داغ و جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل می دهند .

گرزن گوید: هیچ چیز نمی تواند با منظره تیره و تار این کوه های بی ثمر که جز گیاه هرزه در آنها نروید و فقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود .

در عهد قدیم و هکذا در قرون وسطی سکنه واحه های واقعه در امتداد دامنه های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و بتصرف آنان در آید از همین تاریخ است که این سرزمین با اسم ترکی (اتک) و یا بطور واضح (ایتاگ) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد .

از جمله بلاد این سرزمین در قرون وسطی از نسا و ایورد بیش از سایر بلاد اسم می برند .

شهر نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و ایورود در این زمان هم بشکل
قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست.

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر در قرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب
از سه قلعه متصل بهم بود در ناحیه نسا با فاصله چهار روز راه از شهر نسا واقع بود از این
رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گور گنج (در نزدیکی شهر قدیمی اور گنج
کنونی) می رفت.

درفوق گفته شد که (اتکب) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز
کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوک آسیای وسطی یعنی
ملوک خوارزم که نزدیک ترین همسایه آتک بودند همواره برای تصرف این ولایت
میکوشیدند.

هرودوت می نویسد: ما خبری میخوانیم که هنوز بطور رضایت بخش توضیح
نشده است این خبر راجع است به وادی که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته
و رود اکسس از وسط آن جاری بوده و بین ممالک خوارزمیان و هیرکانیا و پارتها
و سرنکان و تمانیها واقعه شده و در ابتدا تعاقب بخوارزمیان داشت

خبر فوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا
ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

در قرن دهم میلادی نوح بن منصور سامانی نسا را به مامون حکمرانای قسمت
شمالی خوارزم و ایورود را به عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید
لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیر خراسان بود اکتفا به این عطیه
نائل نگردید.

پس از آنکه در قرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید و نسا و فراوه در تصرف خوارزمیان (۱) بود تا زمانی که سلطان محمد غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را به سبخر ساخت بعد که در سال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه در تحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نسا و فراوه را با آنها واگذار نماید.

در قرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل از سایر بلاد خراسان در جزو قلمرو آنان درآمد در تاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر می شود که در سر راه خوارزم بنسا و فاصله يك فرسنگ از نسا و کنار ریگزار واقع بود.

یاقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کند در حوالی شهرستان بواسطه قرب ریگزار باغاتی وجود نداشت و مزارع در مسافت بعیدی دور از شهر واقع بودند ولایت خوارزم بعد از قتل و غارت مغول اگر دوره کوچکی را در قرن چهاردهم بحساب نیافزیم تا زمان استیلای ازبک ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

در قرن شانزدهم و هفدهم بلاد (اتک) معمولاً در زیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می دهد در آن زمان برای تشخیص اتک کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطاح بوده و این کلمه در مقابل سو بویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم در معنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

در عین حال خوانین خیره همواره سعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند و طوایف مزبور که در قرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

(۲) این خوارزمشاهیان با سلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتیز خوارزمشاه و آخرین ایشان سلطان محمد و سلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیز خان منقرض شده اند فرق دارند و دو سلسله مجزی هستند، ایشان خوارزمیان و مأمونیان اند.

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران و خوانین خیمه‌ز و بضعف گذاشتند
تدریجاً سلطه خود را رو بطرف شرق تا مرز بوسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنا بر روایت ایت : در واقع از اتک صرف نظر
کرد هر چند که جانشینانش ملوک ازبک را اسماً باج گزار و مطیع خود نمودند.
شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز ترا که از بکان تصمیم بدان گرفت
که اگر اد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و بر اثر این تصمیم پنج
ولایت کرد نشین در امتداد سرحد از (استرآباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات
پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان و درگز پابرجا است و
ضمناً حکومت درگز نه با سلسله کردی بل با خاندان ترک است. مقتدرترین حکام
مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلیخانی ملقب شد.

قوچان در قرون وسطی با اسم خبوشان (هر چند که در کتاب مقدسی بشکل
خوجان دیده میشود) معروف بوده است.

ایزیدور خاراکسی ذکر میکند که : در قرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین
بلاد ناحیه استوا بود و استوا مطابق آستانه و یا آستانه است.

در قرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی از مهمترین نقاطی
بود که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در کسب اهمیت
خود علاوه بر موقعیت جغرافیائیش مرهون حاصلخیزی برجسته حومه
خود بود.

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران در حاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر
از قوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اگر اد از تاخت و تاز ترا که جلو گیری نکرد این
در حریف لایق هم بودند و هیچ یک از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

کردها فقط می توانستند مزارع اتک راتار و مار کرده انتقام تراکمه را از این راه بکشند

شهر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایلیخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدمه های فراوان دیده است

گرزن نقل میکنند: جمعیت شهر به ۱۲۰۰ نفر نمی رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خراب کرد و قوچان جدید در دو فرسنگی شهر قدیم بنا شده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام نادرشاه توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب الوصولی بنا کرده است محوطه ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲۰ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض و از هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه ها و صخره های تیز و عریان با ارتفاع ۲۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

این دیوار فقط دارای دو معبر تنگ میباشد ولی علاوه بر آن راه باریکی از کمرکش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدر بند ارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره های صاف نقش کرده و از بنای خود ذکر میکنند معروف میباشد.

گرزن و دیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-۱۲۹۱ میلادی) میدانند درباره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بسلطنت از عموی خود احمد شکست خورده و در کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب بود و همین که عساکر احمد نزدیک قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت با احمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

محلّی و پدر علی بیگ بود که با تیمور محاربه کرده است.

شرف الدین گویند: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغونشاه است. علی بیگ اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل کلات قلعه قهقهه را بین کلات و ایبورد و ظاهر آ درجایی که امر و زبایستگاه راه آهن با اسم قهقهه واقع است بنانهاد.

نادر از موقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود و از زمان وی قلعه با اسم کنونی کلات نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید.

گورن می نویسد. که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و خزائن امنی برای گنجینه‌هایی که از هندوستان آورده بود دایر سازد شرح و تعریف قلعه کلات در کتاب واسیل و اتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است. بنا بقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواهند بدون احتیاج باجناس وارده از خارج در خود شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکار رفت صخره‌ها را از خارج و داخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تجدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی ایبورد و اتک در جزو خانی مزبور بودند.

گورن قسمت کوهستانی غرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی در سمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق و تنگی که در قعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جدا کرده و در سمت جنوب جای دره‌ها را وادی‌هایی گرفته که رودهای کوهستانی از وسط آنها جاری و قراء و دهات در آنها واقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع و پر ثروتی دیده میشود مانند جلگه قوچان در شمال و جلگه نیشابور در جنوب بینالود کوه

سلسله‌های جبال را دره‌هایی در طول کوه قطع میکنند و همین دره‌ها راه ارتباط بین نواحی میباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبایی تشکیل داده و صورت يك سلسله مواضع صعب الوصولی را دارند. مشکل است در جایی از دنیا جبال باشد که بخط برف دائمی رسیده و تا این درجه پرده‌های زیبایی از طبیعت و وحشی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثار مسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت دیده میشود زراعت فقط در قعر وادیها مقدور است و منوط بوجود چشمه‌سارهای قلیلی است که آب آنها را برای شرب اراضی قابل زرع آورده‌اند هر دهی گومی واحه ایست که در زمینه خاکی رنگ کویر واقع شده است

اراضی مزروع در دامنه جبال هم دیده میشود و از دامنه‌های جبال چشمه‌هایی بوادی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع‌ترین نقاط هم زراعت میکنند اراضی مزروعه که در دامنه‌های کوه واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده و عده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

در اینجا هم مثل سایر نقاط ایران سبزه زار برگسره دیده نمیشود قطعات آباد بغاصله‌های مختصری از یکدیگر واقع شده‌اند رودی که از پهلو نیشابور میگذرد بمناسبت مزه

شور و تلخ آبش بشوره رود معروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم از حیث وسعت و فضا و عده نفوس بقدری با پایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق و تشخیص نقشه آن بامشکلات بزرگی توأم است .

مختصری از تاریخچه نیشابور

(بنای این شهر ظاهراً در زمان ساسانیان بدست شاپور اول یاشاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده اند. این شهر در سال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابرشهر بوده و یزدگرد دوم این شهر را محل اقامت خود قرار داده و **بورجین** مهر که یکی از سه آتشکده معروف ساسانیان باشد در نزدیکی این شهر قرار داشته است **K** شهر مزبور در سال (۳۱ هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده و در سال (۳۲ هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو و بلخ و غیره جزو آن بوده) بدست غیث بن الحسام که یکی از اشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده و این خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تا قبل از قرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را از طرف مشرق دازا بوده و مرو و هرات و بلخ نیز جزو این قسمت بشمار میرفته ولی فعلاً نیشابور تنها شهری است که جزو ناحیه خراسان محسوب می شود و تقریباً تا چند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

(در اوائل قرن هشتم میلادی ابو مسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی امیه ایجاد کرد و در سال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نیشابور شد و حاکم آن شهر گردید و در مدت حکومت خود مسجدی در نیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغداد بتحریر منصور خلیفه مقتول ساختند

پس از این قضیه خراسان در اوایل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین در آمد)

(طاهر حاکمی بود که از طرف مامون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد و در زمان او و اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت و عبد الله بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرار داد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد و ساختمان جدید و دهات زیاد در اطراف آن شهر بنا گردید)

در اوایل قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند و در سال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده دار شد و او نیز نیشابور را پایتخت خود قرار داد)

اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عمارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

(بعد از مرگ ویلیت خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بود و تنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت) از شهرستان نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصلی توسط ابن حوقل و استخری نقل شده است و این اشخاص چنین می نویسند:

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل یک فرسنگ) و بیچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه‌های آن صاف و تقریباً عده آنها به پنجاه میرسیده و این کوچه‌ها یکدیگر را طوری قطع میکردند که چهارراه‌های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب از مستشرقین که کوچه‌های قدیمی بعضی از شهرها همیشه کوتاه و دارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه‌ها بسیار مستقیم و مطابق اسلوب

کج

معماری ساخته شده بود خود شهر نیشابور بسه قسمت تقسیم میشده است

۱- شهر خاص

۲- نواحی خارج شهر

۳- پاسدارخانه ها

۱- شهر خاص: دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنها نیز دارای دروازهها بودند و خرابه آنها باغلب احتمال همان تپه البارسلان است

قسمت خاص شهر عبارت بود از تمام نواحی خارج که دارای دیوارها بوده است و اینجاست، که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود: و عمر و بن لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته و آنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون هایی از مرمر سیاه و سفید بوده و تمام آنها بانضمام طاق مسجد نقاشی و مجسمه کاری شده بوده است و نزدیک آن محوطه بازار و خانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمر و بن لیث صفار مرمت گردیده است.

نزدیک بازار بزرگ شهر بازار کوچک دیگری بوده که محبس ها در آن قرار داشته است و اهمیت این بازارها از نظر تجارت بسیار مهم بوده و اینکه شهر مزبور و نواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل بر این بوده است که مردم احتیاج بامنیت و حفاظت داشته اند

چون در شهر نیشابور خاص بنای قابل ذکری ساخته نشده است میتوان آنرا دلیل بر این دانست که با وجودیکه شهر مزبور بتوسط ساسانیان بنا شده ولسی کم کم

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر هتار که گردیده و بنای مهمی در آن بنا نشده است. و آنچه بعد از اسلام در این ناحیه بنا گردیده در خارج شهر خاص بوده است ولی این تنها يك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری از جهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایگس را نمیتوان معتمد شمرد (پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از يك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بيك (۳۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و پایتخت خود قرار داد و الب اسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد)

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

در زمان خواجه نظام الملک وزیر الب اسلان و ملک شاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است .

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

(در سال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور در سال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت و در همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بودند بنا نمودند)

یاقوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکند و این واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

(۱۲۱۶ میلاد) می‌داند .

(این شهر بعداً بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در

شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۷۳۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و این بطوطه طنجی در سال

(۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت -

ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل

میکنند)

عقاید مورخین و علما و مستشرقین در خصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولد که گوید:

راجع به نیشابور قدیم قبل از اسلام همینقدر معلوم است که ابرشهر نام داشته و نام کنونی رایکی از سلاطین ساسانی یعنی شاپور اول (قرن سوم میلادی) و یاشابوردوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده است.

مطلب اخیر عقیده ای را که غالباً اظهار میشد راجع باینکه نیشابور همان شهر نسیای پارت است تردیدی کند در زمان ساسانیان و هم در دوره امرای اول عرب شهر عمده خراسان مروبوده نیشابور فقط در زمان سلسله طاهریان در قرن نهم میلادی اهمیت یک پایتخت را کسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله بن طاهر (۸۳۰-۸۴۲ میلادی)

برابراست

بنابر قول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری در خراسان حکومت کرده که قبل از وی کسی نکرده بود چه وی بتأمین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است بامر وی مجموعه قواعدی برای استفاده از شرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد.
بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع باهمیت علم از عصر خود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

لب

وسیه بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خود علم واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را در سال (۸۷۳ میلادی) از سلطنت خلع کردند پایتخت خود را نیشابور انتقال دادند .

عمر ولایت صفاری بسال (۹۰۰ میلادی) از اسمعیل بن احمد سامانی شکست خورد و از آن پس خراسان در جزو مملکت سامانیان درآمد و چنان که معلوم است پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) در تحت سلطه امیر مخصوص بود که لقب سپهسالار داشت و در نیشابور مقیم بود . (استاد بار تولد) جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی را مفصل تعریف کرده اند : شهر در جلگه ولی بلا واسطه در قرب کوه واقع شده بود .

ابن رسته

جنب شهر از یک طرف کوه بلندی سر کشیده بود محوطه شهر طولاً و عرضاً یک فرسنگ و خود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز یعنی ارك - و شهرستان یعنی شهر - و ربض یعنی خارج شهر .

ارك جز و شهرستان نبود ولی بین آن و شهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی تجارت و صنعت به ربض که در قسمت جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

در ضمن توصیف بازارهای نیشابور مینویسد که بازار در سمت شمالی شهر تاراس القنطره میرسید و پیش از آن در جز و دروازه های شهرستان که مانند شهرهای بزرگ چهار باب بود از دروازه راس القنطره اسم میبرد عدّه دروازه های ربض بسیار زیاد بود .

مقدمه سی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم بمربعه الکبیره بود که از آنجا به هر چهار سمت ردیف دکاکین و کاروانسراها ممتد میشد بدین طریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع - بسوی شمال تاشهرستان - بطرف غرب تاپشت میدان چهارگوش کوچک «مربعه الصغیره» - وجنوب تامقابر اولاد حسین؛ بازار امتداد داشت .

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچک قصری بود که عمرولیت میدان الحسينین بنا کرده بود وهم در جنب قصر زندان واقع شده بود
مسجد جامع رامینویسند که در اردو گاه قشونی واقع شده بود

مقدمه سی

شرحی در توصیف این بنا نوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بود عمارت عمده مسجد که منبر امام در آنجا بود قسمتی از آنرا در اواسط قرن هشتم ابومسلم خراسانی مسبب سلطنت عباسیان ساخت و قسمت دیگرش را در اواخر قرن نهم عمرولیت صفاری بنا کرد بنای ابومسلم به تیرهای چوبی و بنای عمرولیت بستونهای مدور آجری متکی بود .
در اطراف این قسمت سه رواق و در وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها دارای یازده درب و ستونهای از مرمر رنگارنگ .

قنواتی را که بشهر آب میدادند غالباً زیر زمین میکشیدند. عده پله هائی که برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسید در خارج شهر آب در سطح زمین جاری و برای شرب اراضی بکار میرفت . شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی معروف بود

و بطوریکه اصطخری میگوید این پارچه ها را بماوراء ممالک اسلامی هم حمل

میکردند

ابن حوقل

دکاکین و مهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره و فیروزه و معادن دیگر استخراج میکردند معادن فیروزه که در کوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا با امروز در اهمیت خود باقی و در دنیا یگانه معادن فیروزه است .

نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان هم با وجودیکه بعضی از سلاطین اخیر مروراتر جیح میدادند معینا مهمترین شهر خراسان بود .

در سال (۱۱۵۳ میلادی) نیشابور معرض قتل و غارت عشایر غز گردید که بر علیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهر نیشابور را غارت کرده و خراب نمودند خاقانی شاعر معروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خود را بیابند .

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادباخ آباد شده است .

محل شادباخ در زمان سابق هم دایر بود و آنرا عبدالله بن طاهر بنا کرده بود .

یعقوبی

در شادباخ تپه بزرگی بود که بر روی آن ارگی ساخته بودند در همان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادت مند خود بسر منزل رونق و تعالی رسید و ابنیه و عمارات تمام محوطه را از تپه تا خط قدیم اشغال کرد .

یاقوت :

نیشابور دوباره اعر بلا الله گردید و پر ثروت ترین و پر جمعیت ترین بلاد شد .

مقدسی

نیشابور انبار گاه مال التجاره فارس و کرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری و جرجان و خوارزم بود

یاقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند
نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و
وارد شهر نشوند.

قتل عام چنگیز خان (۱۲۲۱ میلادی) به مراتب بدتر از حمله غز بودش ماه قبل از
این واقعه داماد چنگیز خان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تولوی پسر چنگیز شهر
را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح و التماس عفو کردند نداشت و در شد
شهر به یورش متصرف گردید و تمام سکنه آن با استثنای چهارصد نفر صنعتگر که با سیری
بروند بقتل رسیدند

ابنیه و عمارات شهر را از بیخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه
های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند در موقع
قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیز خان در خراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیز خان
مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که
جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد
ماورالنهر بحال خرابی ماندند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که
ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین
میکرد ولی نمایندگان و جوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند.

در اواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی در ایران تشکیل
دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

حمدهاله قزوینی مستوفی:

اداره کشوری و مالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد .
 بعد از سقوط سلسله مغول ایران نیشابور (در حدود عشر سوم قرن چهاردهم میلادی) در جزو قلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد در سال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن نهاده و بدین جهت نیشابور بی رحمی های این جهانگشا را نچشید رونق هرات در دوره تیموریان و اهمیت مذهبی شهر در زمان صفویه می بایستی که نیشابور تحت الشعاع قرار داده باشد لیکن تا اواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست احمد شاه افغان خراب و ویران گردید .

استاد بارتولد گوید :

بعد از این قتل و غارت یک منزل قابل سکونت در شهر مانده بود احمد شاه شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر و تجدید عمارت آن اقدامی کرد .
 در اواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلیخان و گسار دیگر اهمیت سابق شهر را عودت ندادند .

فریزر :

در سال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر / ۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب بود ایرانیان خانه های مسکون شهر را قریب بدو هزار باب می دانستند لیکن فریزر از روی تاثیراتی که شهر دراو بخشیده بود تصور می کند که عده نفوس از پنجهزار نفر تجاوز نمی کند .

استاد بارتولد گوید:

بارچه هائی که در شهر می یافتند فقط برای حوائج محلی تهیه می شد یگانه جنس صادره فیروزه بود.

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی و خراب و بد بود خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حدود بازارها و مسجد جامع وسعتی نداشت. در زمان سیاحت گرز ن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرز ن احتمال می دهد که در زمان وی جمعیت شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات و مفصلی در دست نیست. در این باب فریزر و در زمان اخیر هم ایت بعضی اطلاعاتی می نویسند از اطلاعات تاریخی و وضع کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می شود که شهر مانند مرو و بلخ از سمت شرقی بفریبی متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بارتولد

ارک شهر سابق در این مکان بوده

فریزر نمینویسد:

که بلندی هم در این مکان بوده یا نه

بطوریکه ایت تعریف میکنند:

خرابه های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بفاصله یک میل انگلیسی

در سمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می شود در زاویه جنوب غربی خرابه های

مذکور ارك بر روی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارك نیشابور قدیم که در دوره سامانیان بنا شده بود در این مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد .
 مقبره فریدالدین عطار صوفی معروف که در موقع تصرف شهر بدست مقلوها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارك واقع است سنگی از مرمر سیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند در وسط دیوار آجری واقع شده .
 این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی در نیشابور باقی مانده و ممکن است تاریخ بنای آن بصحیح معلوم شود این مقبره را در زمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی و امیر علی شاعر و وزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصاً ترکی معروف و مشهور است بنا نهاده و نیز مقبره یکی از آل علی که در قرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته در همان نزدیکی است .

استاد بار تولد گوید :

امامزاده محمد محروق برادر علی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه است در این مکان مدفون است .

پهلوی این مکان مقدس در وسط باغی که درختانش بهم پیچیده و علفهای هرزه در آن روئیده . مقبره عمر خیام منجم و شاعر فکر آزاد او ایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است .

اینک بطور مختصر ترجمه‌ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متر و پوئین
آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر
در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در
اطراف نیشابور نموده‌اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت
مزبور میخواستند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یاشاپور
دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی در ضمن کاوش اشیائی بدست آمد که
ابتداً مربوط به دوره قبل از اسلام نبود و اثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست
نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ - شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ - شرح ظروف سفالین و کتیبه‌های پیدا شده در این ناحیه

۳ - مختصری از نوع و تاریخ سکه‌های مکشوفه و خلاصه هر يك

از آنها

۱ - هیئت نامبرده در شش موضع نزدیک نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله
مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده‌اند) شروع بحفاریات نموده و کاسه و
کوزه و کتیبه‌هایی بدست آورده‌اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در
موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورک ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هایی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری در این ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود.

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هایی که از این سرزمین بدست آمده است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمک کرده ذکر بشود.

کاسه‌هایی که از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازک و ته‌های محکم‌اند و در ساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته و اغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و در بعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف و حاشیه سیاه است دیده میشود و از هر حیث بی شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده و شبیه بکاسه‌های ساوه و سامره و حیره‌اند دیده میشود و این کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد و نیز کاسه‌های بسیار قشنگ و ظریفی بدست آمده که از هر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان در این ناحیه بعد از اسلام بوده است و کاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهند بدست آمده است و البته نباید تعجب کرد زیرا که نفوذ چینی در این سرزمین و آن زمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی و صنایع دیگر چینی در عراق و ایران و مصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که در زمان سلطنت این پادشاه و سعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیه با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینی‌ها با اعراب مواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیک ناشکند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته ثعالبی این چینی‌ها بساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته این فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خود را باهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه‌سازی در ایران دیده میشود ولی رویهمرفته ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق بهمین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومک فوق العاده ای بتاریخ اشیاء پیدا شده نموده است مثلاً در یک ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۷۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی در حدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است و دو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری) (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می‌توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خسارتی وارد آمده و آنهم در مواقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دوباره دیوار محراب بدو تقسیم شده و محراب را دوباره کرده بطوریکه یک گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه‌ها و نقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میزفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیک (۳۲۹ هجری) (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد و در سال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد و در حوالی این محل تپه ایست که با اسم تپه‌ی الب ارسالان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون یقین و پس از دقت و مطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان تپه سبز پوشان ابداً شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد و اگر نظری بقبر جلال‌الدین در اوزکنند ترکستان شود (۵۳۲ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) و با مقایسه از حیدریه قزوین بعمل آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد و تا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به سبز پوشان داشته باشد مگر چند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی ممیزات مخصوص این ناحیه مثلاً اگر حروف گنبد مسجد نائین را که با خط کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم یک رابطه و شباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم‌الدین) دال آنها با هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری) تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد و او حدسش از روی شباهت خطاطی این ناحیه با سامره و ابن‌تولون در قاهره است و بعلاوه در سبز پوشان سکه یا علائم دیگری به دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه‌های بدست آمده را میتوان بسه دوره تقسیم نمود

اول - قرن دوم و سوم هجری - قرن هشتم و نهم میلادی

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی

سوم - قرن ششم بیعد - دوازدهم بیعد

و چون دوره اول مهمند و مطابقت با سایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم از دست رعایا که در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس از غارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت و تنها سکه‌های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول و نوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است .

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات (۳۰۵-۳۲۱ هجری) (۹۶۱-۹۷۱ میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸ سکه پیدا شده در سبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم و سوم هجری - (هشتم و نهم میلادی) را دارد و دو سکه آن متعلق با اواخر سامانی است و چهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تیه الب ارسلان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم و نهم و بقیه بدون اهمیت اند .

خلاصه از روی سکه هائیکه توسط ابو مسلم با اسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱ هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) و از سکه ضرب شده در بخارا (۱۶۰ هجری) (۶۲۶ میلادی) توسط عبدالملک بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده و دیگر از موحد بن

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیدا شده است میتوان ثابت کرد که ساختمان
وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط
با کتشافات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رب یر و تمم

حمد و سپاس لایق بعد دانفس و انفس خالایق مرخالق قدیم راکه جوهر روحانی و عناصر جسمانی از مگامن عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع ابداع کرد. و بسایط فسطاط خضرا، و بساط بسیطه غیر ارامحتوی برغرایب حکم بحکمة منیع اختراع فرمود. و باختلاف احوال سال بشتا و مصیف، و اتفاق ایام و لیال بریغ و خریف صحاری و براری و جبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار، و انتشار انواع انوار ساخت. و باینات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن بطیب هوای تطیب غذا برصنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً درخراسان، خورآسان کرد، و قطر نسابورصینت عن الفتور باعتدال هوا و فسحت فضا و نزهة اماکن و خلقة معادن براماکن و مساکن اقطار هر دیار فضیلت بخشید، و طینت طیبه و تربت طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام و علماء هداة و ادباء نقاة داشت.

درود بیغایت و سلام و تحية بی نهایت کی آن خلص کرام باوقات و لیالی و ایام باد فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین و خاتم النبیین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند

سبب رفعت مقام، و قربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحياته علی المصطفی حبیب الله محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.

غرض از عرض این تقریب آنکه در سالف زمان، و سابق اوان و قرون ماضیه،

سنه ثمان و ثمانین و نلثمائه. شیخ اسلم واسوة اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابو عبدالله النیسابوری رضی الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابه ذکر اسامی کرام صحابه و عظام تابعین و اولیاء و اصفیاء امت است که بآن بلدة نفیسه وارد و صادر شده اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته و بذکر وقت ولاده، وصف نشأة، و بیان نسبت، و ارادة و سلوک و ریاضة، و کیفیة صحبت و خلوة، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هر یک از آن ارباب الباب، آن کتاب با جاده مجلد اطناب یافته و برسیل مذیل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهر و بانی و بنا و بنیان و تقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد و مساجد و بعضی مفاخر و آثار آن بیان فرموده، و با اشاره آیه و حدیث نفیس و آثار ائمه کبار موشح گردانیده، بعدها بعضی از اجله کرام و ائمه اسلام رضی الله عنه و عنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تازی مشتمل بر اسامی گرام اولیا و اعلام اصفیا و بعضی از آن مزیلات انتخابی فرموده بعد الاستجازات آن اختصار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احادیث نبیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابه یافت و رمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکته که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط و فهم مراد بآن مربوط است، آنست که بعرف فصحان عرب و سکنان غرب، خراسان عبارت از طرف شرق است تا غایت که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنک هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است چنانچ سلمان رضی الله عنه با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده‌اند و کلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بوجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی از جانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق
ذکر مفاخر خراسان باشارت آیات و احادیث

و اخبار کبار سلف

عن ابی هریره رضی الله عنه فلما نزلت هذه الآية « و آخرین منهم لما یلحقوا بهم » کلهم فیها الناس فا قبل رسول الله صلی الله علیه وسلم الی سلمان فقال هم قوم هذا « لو کان الدین بالثر یا لنا وله رجال هو الاء »

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی الله عنه مذکور است مفهوم آیه و ما قبل آن والعلم عند الله : اوست آن خدائی که بعث فرمود در عرب رسولی از ایشان که میخواند بریشان آیات او ، و پاک میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنة ، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالی آشکار و در کسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و در کسان دگر آن رسول را و آن کسان دگر قولی است که همه مؤمنان اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت . و قولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنک چون این آیه نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یاسه بار از حضرة صلوة الله علیه و سلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی الله عنه حاضر بود حضرة صلوة الله علیه و سلم دست مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند این قوم او ، و در حدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند . اگر ایمان معلق بودی پیروین هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او

و جهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان را قرآن

وسنت و تعلیم میدهد آن کسانرا قرآن و شریعت و سنة و تحقیق آیه چنان مینماید که هر پاك و عالم بكتاب و سنة که بود و باشد تاقیامت پاك کننده و تعلیم فرمایند همه نور مقدس حضرت مصطفی اند صلوة الله و سلامه علیهم بسلمان فارسی و یاد کردن ایشان قوم او را اشارت است بهمه کسانى که بفارسی سخن میگویند تا اقصی بلاد خراسان این آیه در شان این جماعت نازل است. و ایضا در حدیث است که . چون حضرت صلوة الله و سلامه علیهم این آیت خواندند که : ان تتولوا یتبدل قوم غیر کم ثم لا یكونوا امثالکم مفهوم آیه و العلم عند الله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان و طاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما . پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی از ایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یا رسول الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند و نباشد امثال ما حضرت صلوة الله و سلامه دست مبارک بران سلمان زدند پس فرمودند هذا قومہ این وقوم او. لو كان الدين عند الشريانا لوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیک پرورین هر آینه فرا گزفتی آنرا مردانی از فرس یعنی فارسیان

عن ابن عباس. قال ذكرت فارس عند النبي صلوة الله و سلامه

الاحاديث

عليه قال فارس عصبتنا اهل البيت قلنا ولم يارسول الله قال لان

اسماعيل عم ولد اسحق - واسحق عم ولد اسمعيل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت نبی صلوة الله و سلامه علیه فرمودند که فارس عصبه ما اند اهل البيت ، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنک اسمعيل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان اسمعيل. عصبه اقربارا گویند که از طرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری و پدری و پسران ایشان و عم همچنین و پسران ایشان گویند که این طایفه از اولاد اسحق اند علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه علیه اعظم الناس نصیبافی الاسلام اهل فارس
مفهوم حدیث والعلم عندالله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار صاف عظام رضی عنهم

حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عندالله ترجمه
این است بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا مرو گویند اساس آن
ذوالقرنین کرد و عزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جویهای آب روان نهاده
وزمین آن گشاده بر هر دری از درهای آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر
بلار اتار و زقیام ساعت. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست آنرا طالقان گویند چه
گنجها است در آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان در مصلی
بطاعت قائم و خلق در بستر نائم. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا شاش
گویند قایم او در حجرات و نائم در جامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در
راه خدای بطلب ثواب. و بدرستی که خدایا بخراسان شهریست که آنرا بخارا گویند
و چه مردانند ببخارا ایمن از فریاد هنگام فتور، ساعة اندوه خندان از سرور، خوش
باد بخارا را اطلاع فرماید: خدایتعالی برایشان هر روز اطلاعی پس بیا هر زده کس
را که خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و بدرستی که
خدایتعالی را بخراسان شهریست آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمر بن برعش در
گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند
بایشان هر شب منادی خوش باد شما را و خوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده
باد سمرقند را، و هر که را در حوالی اوست ایمن آید از عذاب خدای تعالی در روز
قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج و هرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست یک میل و کم نیست یک میل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستی که خدای تعالی را بخراسان. شهر است آنرا طوس گویند و چه مردانند بطوس مؤمنان در میان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او و احیا کنند سنت نبی او صلوة الله و سلامه علیه. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا جرجان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیر است آبهای او، وسیع است بر خوردن گان مایه های او، او امر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا قومس گویند وجه کوهها است برجوانب قومس. و بدرستی که در قومس اعتبار و منزلت است از باب الباب را.

و امام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه از خراسان آن هار است اهل البیت.

و روایة است از شریک بن عبدالله که او گفت خراسان کنانه خدای است عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدای تعالی بر قومی تیرزند ایشان را بکنانه خویش و عبدالله مبارک گفت که بیرون نیامد از خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستی که مرید ما ابراهیم را علیه السلام

نشانهها بود در کوهها خراسان، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنا نهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی از کدام شهری گفت از اهل خراسانم گفت از کدام شهری گفت از هراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرا ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس از درختی که نزدیک مسجد بودی برسد فوشنجی گفت درخت بر حال خودست. فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.

ذکر فضائل نیشابور
شیخ ابن جریر از کبار تابعین فرمودند که بهترین

خراسان نیشابور است پرسیدند که برای خود فرمودید

گفت بل که شنیده ام در حدیث، امام حاکم فرمود این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عن النبی صلوٰة الله وسلامه علیه: قال خیر خراسان نسابور و روایت است از شیخ ابراهیم بن طهمان و ایشان نیز از کبار تابعین اند که خیر خراسان نسابور است و شیخ عبدالله مؤذن نسابوری رحمه الله گفت حضرت خواجه را صلوٰة الله وسلامه علیه بخواب دیدم که فرمودند که من این انت از کجائی تو، گفتم از نسابور فرمودند صلی الله علیه و سلم نعم البلد نسابور. نیک شهر است نیشابور

رسیده اند یا گذشته اند یا ساکن شده و روضه‌ها
ذکر صحابه کبار رضوا الله علیهم
مبارک ایشان آنجا است: قال صلوٰة الله وسلامه علیه

مامن احد من اصحابی يموت بارض الابعث
به نیشابور

قائداً او نورالهم يوم القيامة: العلم عند الله فرمودند که نیست هیچ یکی از اصحاب ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین یا نور ایشان روز قیامت. راوی را شک است که قاید فرمودند یا نور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمر و یاهرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند فرود آمده‌اند به نیشابور آمده‌اند در رفتن و آمدن و یارفتن یا آمدن .

اول ابو الفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف عم حضرت خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه و حاصل قصه ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت می‌کردند و از دیار مکه بخراسان می‌آمدند و اجناس بزازی از خراسان می‌بردند و تردد ایشان به راه و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر درخت خواب چاشتگاه می‌کرد عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت از کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (۴) است میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه کرده‌ام و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه می‌برد ابن مخلد می‌گوید که شیخ من بمکه مرا گفت کسی را دید جامه‌های عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از ایشان پرسیدم که این جامه از کجاست فرمود که به راه بودم از آنجا آوردم این جامه‌ها را

صحابی دیگر: بریده بن حصیب بن عبدالله اسلامی چون حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از غزاء بدر مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک حصارک مرو دفن کردند پسرش عبدالله می‌گوید که پدرم بریده گفت من حضرة مصطفی صلوٰة الله و سلامه علیه فرمود یا بریده: انه سيعث بعدى يعوث فاذا بعثت تلك البعوث فكن فى بعث المشرق ثم كن فى بعث خراسان ثم كن فى بعث ارض يقال له مرو فاذا اتيتها فنزل مدینها فانها بناها ذا القرنین و صلی فیها عزیزانها تجرى بالبركة على كل باب منها ملك شاهرها سيفه يدفع السوء عن اهلها الى يوم القيامة . مفهوم حدیث و العلم عند الله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشگر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشگر زمینی که گفته میشود مر آنرا مرو پس چون بیائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیز جو بهای آن میرود بمرکت. بر هر دری از آن ملک است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله و سلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عند الله بریده چاریک اسلام است و مؤید این حدیث است آنج روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از مکه هجرت فرمودند با امیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریده آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما جو بر نبی آمد و پی روی کرد باین بی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بروی تافت و اسلام آورد و چون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله و سلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر با علم و جامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مر کب حضرة خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریده بود رضی الله عنه و ارضاء و بریده و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسان را

و روایت است که خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مرا او را یا بریده لایکل بصرک ولا یذهب سمعک انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث والعلم عند الله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نور تو سمع تو و تو نوری اهل مشرق را وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنند و لحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد در هم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه

صحابی دیگر - عبدالله بن حصیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما صحابی دیگر: الحکم عمر و الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن ابی سفیان. حکم را بر مال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و غنیمتهای بسیار گرفت بمعایه نامه نوشت که غنیمتهای بسیار بسیار گرفتم معاویه باو نوشت که نیک بنگر هرچ از صفراو بیضا یعنی زرو نقره یایی همه را با امیر المؤمنین بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهاد دست مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حقی نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعایه نامه نوشت که نامه توباکتاب خدای عرض کردم موافق نبود متابعه کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر قسمت کردم معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیه کرد که او را با سلاسل و بند دفن کنند تا مخاصمه کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده دفن کردند چنانکه میان ایشان یک ذراع بیش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیه بن عمر و الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست

بمر و نزدیک برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته اند عبدالله و ساکن مدینه می بود از آنجا ببصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او اولاد او بمر و اند بدرستی که روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

خواجه ماصلوٰة الله و سلامه عليه بود و بنیساپور فوت شد نبیره او عمرویه گفت که وفات کرد جدمن عامر بن سلیم در نساپور و دفن شد در ملقباد.

صحابی دیگر: عثمان بن ابی العاص الثقفی و او از کبار صحابه بود رضی الله عنهم صحابی دیگر: مهلب بن ابی صفوه

صحابی دیگر: فیش بن ابی ودیعة الانصاری از آن جماعت بودند که با عبدالله عامر آمدند و خراسان بسعی ایشان فتح شد و قصه آن مشروح بیامد

صحابی دیگر: ابورفاعه تیم بن اسدالعدوی.

صحابی دیگر: عثمان بن حبیب از صحابه بود با عبدالله عامر به نساپور آمد و ساکن شد و اینجا متوفی شد.

صحابی دیگر: همان بن زید از صحابه بود با عبدالله عامر به نساپور آمد و ساکن شد و اینجا متوفی شد و این دو صحابی را در نساپور اولاد و اعقاب بود

صحابی دیگر: ابورشه بن رفاعه و پسر او فریط هرد و بخراسان آمدند و ساکن شدند و ایشانرا آنجا اولاد و اعقاب بود

صحابی: غالب بن عبدالله بن فضالة بن عبدالله صحابی بودی فوت شد و حکومت خراسان ویرا بود

صحابی: عبدالرحمن سره بن حبیب ساکن بصره بود برای غزای سجستان نساپور آمد و در ابرشهر یعنی نساپور ساکن شد و بعدها بمر و نقل کرد و آنجا وفات کرد و او را آنجا اولاد بودند.

صحابی: سعید بن خریث بغزالبشگر اسلام بخراسان آمد و اینجا فوت شد صحابی ابوبکر انصاری بمر و بود و آنجات فوت شد و اولاد داشت بقریه نساپور تره صحابی. الخضام از قوت بن ابی الاشود بود و ابوالاسود از ملازمان امیر المؤمنین علی

بود کرم‌الله و جبهه سه مقدمه علم نحو از ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت و اقوام دیگر بس این علم منتشر ، خنخام را بمر و اولاد و آثار است .

صحابی : العباس بن مر اس السلمی الشاعر باحضرت صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و او را درمر و فرزندان بودند

صحابی : اقرع و ورقه پسران حابس تمیمی .

صحابی : محقر بن اوس باحضرة صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت .

صحابی : قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشکر اسلام بغزا بخراسان آمد و با امیر المؤمنین حسن کرم‌الله و جبهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسر عم بود .

صحابی دیگر : اس بن ثعلبة التمیمی باسعید بن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر : کعب بن عتیه او را بمر و اولاد بود

صحابی : عبدالله بن خازم سلمی والی نسا بوز بود از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم قوی بودند دهاقین .

صحابی : ابوعمر و انصاری درمر و درقریه بایشان ساکن شد و او را اولاد بودند علماء و فقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرة خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه و از مرو

بود تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما

شنود صلوة الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد صلوة الله و سلامه علیه

او را محمد نام نهادند و مولی حضرة شد صلوة الله و سلامه علیه و سلمان بمر و مراجعه

کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود

امام حاکم فرمود که آنچه بجا رسید از صحابه که این دیار بقدم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد .

ذکر بزرگان کی بنسابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم
اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

فایده - هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه مصلوة الله و سلامه علیه را دید او صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را در یافتند اما خواجه ما را صلوة الله و سلامه علیه ندیدند یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعه را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوة الله و سلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشانرا اتباع گویند تابعین قرن دوم اند از صحابه - تبع تابعین قرن سیم اند از صحابه - اتباع قرن چهارم اند از صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی . امیه بن اسعد خزاعی . اسلم بن ذرعه . اس بن ودیعه . ارقم بن ارقم . در زلزله نسابور بر حمت خدای منتقل شد . بسر بن جلال عدوی . بکر بن با عر کوفی . بشیر بن یحیی . از علما تابعین بود . و از نسابور بود بمرو ساکن شد ، ثمانه بن عبدالله بن انس بن مالک رضی الله عنه . جعدة بن هیره مخزومی حضرة امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت جاریة بن بدر بنسابور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست ، خراج بن عبدالله الحلمی ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیه ابوسعید و کنیه ایبه ابوالحسن از تلامذه و تربیه یافته حضرة امیر المؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم الله و جهه. الخرش بن عمرو الکیدی، الحکم بن کثیر الحارث المازنی
 حضیر بن المبذر، حجاج بن الثقفی، خلد بن عبدالله خلد بن الاسلامی داود بن عمان بن
 حبیب. ابوسلیمان النیشابوری علم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد. الربیع بن
 انس بن مالک بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید بن الحواری البصری
 قاضی هراة، زیاد بن، ابی عمر و التابعی، سعید بن امیر المؤمنین عثمان بمدینه متولد شد
 و بالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسب ابور آمد
 و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن
 السلیمن البصری، سلیمان از اولاد حصیب الاسلامی، سالم الخراسانی و او از
 نیشابور بود، سلیمان بن ربیع - شهر بن حوشب، صلت بن ایاس، سفرة بن حمید
 ضحاک بن مزاحم، طلحة بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، بالشکر سعید بن عثمان
 بود رضی الله عنه بنسب ابور آمد عبدالله بن بریده بن خضیب الاسلامی، عبدالله صامت
 و ابن صامت پسر برادر ابی ذرغفاری بود رضی الله عنه، عامر بن شراحیل الشعبی
 همدانی، علقمة بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حضرة امیر المؤمنین علی کرم
 الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطاء بن ابی السایت المکی، عمرو بن عبدالله
 الهمدانی، عمرو بن سالم الانصاری، عمرو بن مسلم عمرو بن عبدالله عکرمه، مولی
 عبدالله عباس مدتی در نیشابور فتوی او داد، عباد البصری، علی بن احمر، غیاث
 بن عبدالله از کبار الصحاب امیر المؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة بن دنیا
 و قتیبة بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد بن واسع البصری
 الزاهد مهلب الاردی، مغیره بن عبدالملک، مشعث بن طریف، مروان بن عبیدالله
 النیشابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیمان البلخی، منصور بن
 عبدالحمید الخراسانی، نصر بن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهار العبدی ، وهب بن منیة ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیة از هراة بودند کسری ایشانرا جلا کرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن عامر ، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمر فقیه ادیب از کبار تابعین بود ، ابن حمید البصری ، یحیی بن عقیل البصری ، یزید بن المهلب و الی بود هریک از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده اند

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردھا اوسکنھا او حدث بها

من علماء الاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعید الفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت و میجاورد شد آنجا برحمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه ، ابراهیم بن مرآء بن بصر بن انس بن مالک انصاری، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان البلخی ، اسمعیل بن ابراهیم النیسابوری ، اسحق بن بشر الکاهلی ، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا، احمد بن ابی طیبه الجرجانی، اصم بن حوشب الخراسانی ، اصم بن غیاث النیسابوری مسجده فی محلة الزمجار اسد بن عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس بن عیاض المدنی، بسار بن قیراط النیسابوری، بکر بن معروف النیسابوری؛ سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت، جعفر بن الحارث جارد النیسابوری ، حسن بن محمد القاصی، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مائتین برحمت حق پیوست، حسین بن داود البلخی حماد بن سلیمان الفقیه النیسابوری مسکنه بمحلہ قز، حفص بن عبدالرحمن النیسابوری ، حفص بن سالم السمرقندی ، حجاج بن ارطاة الکوفی ، حبیب بن مهران النیسابوری، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی ، داود بن سلیمان الجرجانی داود القشیری ، زافر بن سلیمان القمستانی زهیر بن محمد

نسابوری سکن مکه والمدينه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان نسابور رسید وقت رفتن ببخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمان بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد والی نسابور بود ، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید النیسا بوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن عبد الرحمن النیسا بوری ، عبدالله بن و افدالهروی ، عبدالله بن عبد الرحمن عیدالله بن محمد النیسا بوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبد الرحمن بن مسلم ابوقتیبه ، ابو مسلم عبد الرحمن حاجب الدوله عبد الرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نسابور ، عبد الرحمن عماد النیسا بوری ، عبد العزیز بن ابی رواد ، عبد العزیز المروزی ، عبد الملك الاصمعی

اما اهل اللغه عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابو عبدالله عمر القاضی اصل او از بلخ بود اما عبدالله نيسابوری است ، عمر بن قیراط النیسا بوری ، عیسی بن موسی البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصر الله السرخسی ، ابو عامر النیسا بوری ، عامر خد اش النیسا بوری ، عینة بن عبد الرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی المروزی ، قتیبة بن سعید البغلانی در نيسابور مقيم شد عینة فحده بن سلیمان البصری ورد نيسابور ، کتانه بن حليلة الهروی و گویند بیوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی بیغداد ، محمد عبد الرحمن المقری ، معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمر والبصری اقام نيسابور ابو سهل نصر النیسا بوری ، نصر بن عبد الکریم النیسا بوری مکى بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدم در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء نسابور بود ، مسکن او در کوچه صرامین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسی القاضی و او از خراسان بود در اصل بسی شکمی و گویند که از نسابور بود و لید بن سلمه الازدی از اهل طبرستان بود، هباج بن بسطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفن مذکور نیست اما یحیی بن صیحح النیسابوری معلم قرآن اول معلمی که در نسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای عرب که رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیته ابو زکریا معلم قرآن بود بنیساپور متولد شد اولاد در نسابور مدفون اند در معیره، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه

ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن بیغداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیساپور و توفی بها، ابراهیم بن محمد الکبیر، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و يقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری، ابراهیم بن سالم ابو خالد النیسابوری، ابراهیم بن زید الاسلامی النیسابوری، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و يقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسمه هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نسابور و توفی بها، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه و در بنیساپور و استوطنها و توفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری، ابراهیم بن منصور ابواسحق، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن مهدالبزاز البصری امام بنیساپور، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملحشمش النيسابورى ، ابراهيم بن عمار الانصارى ، ابراهيم بن الايوب النيسابورى ، ابراهيم بن عثمان النيسابورى ، ابراهيم بن سليمان الخياط النيسابورى ، ابراهيم عبدالرحمن البصرى نزيل نيسابور ، ابراهيم بن الفضل ابواسحق النيسابورى ، ابراهيم ابن الفضل يحيى النيسابورى ، ابراهيم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقيه ، ابراهيم بن الحسين بشر النيسابورى ابراهيم بن حرب ابواسحق النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن الوليد الاسفراينى ، اسمعيل بن الفضل ابو ابراهيم قاضى جرجان يعرف بالشالجي ، اسمعيل بن الحجاج ، اسمعيل بن حميد النيسابورى ، اسحق بن محلد بن مطر الحنظلى ابو يعقوب راهومه سكن بنسبور و توفى بها و قيل اصله مروزي و قيل هروزي و لكن مات بنسبور قاله عبدالله طاهر لم قيل لك راهويه و مامعناه قال انا ولدت فى طريق مكة فقالت المراوزه راهويه لانه ولد فى الطريق و كان ابى يكره هذا ولكن انا ما كرهه ، اسحق بن منصور بن بهرام الكرخ مولده بمرو ومنشأؤه بنسبور و توفى بها ، اسحق بن ابراهيم بن يحيى العفصى ، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرير السلمى المعروف بالحشل النيسابورى اسحق بن حكيم بن ابى خديجه المهار النيسابورى ، اسحق بن ابراهيم السمى النيسابورى اسحق بن نعيم النيسابورى ، اسحق بن موسى عبدالله بن يزيد الانصارى وارد بنسبور ، اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النيسابورى ، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النيسابورى احمد بن عمرو بن سعيد الحرش النيسابورى ، احمد بن ازهر بن بنيع العبدى ابو الازهر النيسابورى احمد بن احجم الخزاعى ابو الحسن المروزي سكن بنسبور و توفى بها ، احمد بن ايوب ابو ذر العطار النيسابورى من المدينه الداخلة ، احمد بن ابراهيم البرمقى ، احمد بن ابراهيم حرب بن يزيد ابو عبدالله القرشى ، احمد بن بكر النيسابورى ، احمد بن جواد بن قطي الكثيرى النيسابورى ، احمد بن حواس ابو جعفر الاستواي ، احمد بن حفص بن عبدالله بن راشد السلمى النيسابورى ، احمد بن الحكم بن سان السلمى النيسابورى احمد بن

حريس ابو محمد القاضي بنسابور و هراة ، احمد بن حرب وهو سهل بن فيروز وفيروز هو
عبدالله الزاهد النسابوري قال يحيى بن زكريا بن حرب ، سمعت ان تقول توفي ابي
حرب بن عبدالله الاصفهاني بنسابور سنة ثمانين ومائه وخلف محمدا والسه لتسع واحمد
لاربع سنين وولدت اها بعد وفاته ، احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذي صاحب امام
احمد بن حنبل ، احمد بن حمزة النسابوري احمد بن حاج بن القاسم العامري وله مسجد في
نيسابور ، احمد بن الخليل ابو علي البغدادي التاجر سكن بنسابور وتوفي بها ، احمد بن
حواس بن محراق السمي النسابوري ، احمد بن خلد بن حماد الدينلي توفي بنسابور ، احمد بن
خلد بن عبدالله ابو بكر النسابوري ، احمد بن سنان القشيري ابو عبدالله الخرقني وخرقن
قرية على باب مدينة نيسابور ، احمد بن سعيد بن صخر ابو جعفر الدارمي ولد بسر خس و نشاة
نيسابور وتوفي بها ، احمد بن سليمان القرني النسابوري شيخ قديم من محلقة قز ، احمد بن
ستار ابو الحسن الفقيه المروزي ، احمد بن عبدالله الحميري النيسابوري وكنيته ابو جعفر ،
احمد بن عاصم ابو بكر صاحب ابي عبيد نيسابوري ، احمد بن عبدالله بن وافد ابو اليد الهروي ،
احمد بن علي بن حمومه النحوي النيسابوري ، احمد بن عمر وابو سعيد القهندزي النيسابوري
احمد بن عبد الرحيم الازدي النسابوري ، احمد بن عمر بن عبدالله الفراري ، ابو بكر المروزي
ولي قضا بنسابور ، احمد بن عمر بن ربيعة الحرسي النسابوري ، احمد بن عبد الوهاب بن
حبيب بن مهران العبدي ، ابو محمد النسابوري ، احمد بن علي بن سعيد السرخسي
النسابوري ، احمد بن عبيد النسابوري ، احمد بن العباس بن منصور النسابوري ، احمد بن معاذ بن
عبدالله السلمى النسابوري احمد بن منصور بن راشد الحنظلي ابو صالح المروزي و اقام
بنسابور ، احمد بن منصور النسابوري ، احمد بن محمد بن يوسف البلخي كتب عنه بنسابور
احمد بن مسلم الزاهد النسابوري كنيته ابو مسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف
بالمعاذ النسابوري ، احمد بن مخلد ابو شجاع العيدلاني النسابوري ، احمد بن محمد بن

سعيد الفرادي النيسابوري، احمد بن محمد بن المهلب بن همام النسابوري، احمد بن نصر بن زياد القرشي ابو عبدالله المقرئ، احمد بن يوسف ابو الحسن السلمي النسابوري، احمد بن يحيى بن الصباح بن اخي سعيد بن الصباح النسابوري، ايوب بن الحسن ابو الحسن الفقيه الزاهد مسجده ومسكنه بنصر آباد ولمجده كرامات مروته محترمه قبره في رأس ميدان زياد، ايوب بن منصور النسابوري، اسلم بن سليمان النسابوري، اشرف بن محمد القاضي ابو سعيد قاضي نيسابوري من اصحاب ابو يوسف القاضي، اسد بن عماد بن عبدالله العتكي اسد بن عبدالله المرابطي النسابوري، اسد بن موسى الفقيه النسابوري، ازهر بن حبيب النسابوري، اسد بن نوح صاحب خراسان، اسود بن ابي الاسود النسابوري، بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدي ابو عبد الرحمن النسابوري، بشر بن ابي الازهر القاضي النسابوري و ابو الازهر نزيل بنسبور وهو من اعيان علماء كوفه، بشر بن القسم بن حماد النسابوري بسر بن سهل بن موسى النسابوري ابو سهل العباد، بشر بن يحيى السكري ابو احمد المروزي، بشر بن حفص بن يحيى الفقيه النسابوري، بشر بن محمد العاري المطوعي النسابوري، بشر بن هاشم ابو سهل السجستاني، بشر بن عيسى النسابوري، بكر بن جذاش اخو عامر بن جذاش النسابوري، بديل بن محمد الاسفرايني، جعفر بن محمد عروة النسابوري جعفر بن عبيد الله الفزري النيسابوري، حسن بن عيسى سرخسي، ابو علي مولي عبدالله المبارك وكان نصرانيا ثم صار امام المسلمين، الحسن بن ابي عيسى و ابو عيسى موسى بن ميسرة الهلالي النسابوري الحسن بن عبدا لصمد بن عبدالله بن رزين السلمي ابو سعيد النسابوري، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبد رب السلمي النسابوري، ابو علي قاضي نيسابور، الحسن بن هارون بن المعيره بن فرقد التميمي النسابوري، الحسن بن سهل اخو جعفر بن سهل المذكر، الحسن بن شجاع بن رجا ابو علي البلنخي الحافظ، الحسن بن عمرو بن عبدالله بن معاذ

ابو علي النسابوري، الحسن بن يعقوب بن موسى البخاري ابو يوسف نزيل بنشابور، الحسن بن محمد بن جعفر المدني الزاهد ابو جعفر المدفون مقبرة هولقباد الذي يزار ويرجا اجابت دعا، الحسن بن ماهان ابو الزبير النسابوري نزيل بغداد، الحسن بن ايوب ابو علي الرفخاري النسابوري، الحسن بن عبدش النسابوري الزاهد، الحسن بن عبدالرحمن ابو علي المستملي النسابوري، الحسن بن نصر ابو شد ادا الخزاعي النسابوري الحسن بن مهاجر ابو الحسن المقرئ النسابوري، الحسن بن علي النسابوري الحسن بن مسلم ابو علي البغدادي نزيل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابو علي الزجاجي النسابوري، الحسن بن قتيبة البشتي، الحسين بن منصور السلمي ابو علي النسابوري الحسين بن جريث بن ابوعمار المرزوي الخزاعي، الحسين بن عمارة المقرئ النسابوري، الحسين بن فضل بن عمير بن القاسم بن كيسان الحلبي ابو علي الكوفي امام عصره قدم مع عبدالله طاهر الى نيسابور وسكنها وتوفي بها ودفن في مقبرة الحسين بن معاذ، الحسين بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمي، الحسين بن علي النسابوري المشهور بابي علي المرتفع، الحسين بن ضحاك بن عبدالرحمن ابو علي القريني النسابوري الحسين بن عيسى بن حمران ابو علي البسطامي كان من كبار المحدثين سكن نيسابور وتوفي بها، الحسين بن عبدالله بن محمد ابو نصر النسابوري، الحسين بن حرب، الفقيه النسابوري، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسين بن سلم ابو علي القرنين النسابوري، الحسين بن عمرو بن ابو علي الصانع النسابوري، الحسين بن منصور بن ابراهيم بن عبدالله ابو محمد النسابوري، الحسين بن معاذ بن مسلم النسابوري، حفص بن عبدالله بن راشد ابو عمر والسلمي النسابوري، حفص بن عمر والقصير النسابوري، حفص بن يحيى بن حفص التميمي ابو الاشعث السرخسي، حماد بن سليمان النسابوري، استاد احمد بن حرب، حماد بن موسى النسابوري، اخو مسرور بن موسى القرا،

حماد بن هرون النسابورى ، الحكم بن المبارك النسابورى ، الحكم بن حبيب بن
 مهران العبدي النسابورى ، الحكم بن عبدالله الحنجرودى النسابورى ابوالفضل
 حامد بن ابى حامد المقرئ النسابورى ، حامد بن عبدالوهاب الاسفراينى ، حمدان
 بن خالد ابوالعباس الفرسى النسابورى ، حمدان بن محمد بن عبدالعزيز بن سلام النسابورى
 حجاج بن مهاجر ابو يوسف البصرى نزيل بنسابور حجاج بن مسلم القشيرى ، ابو مسلم
 الام النسابورى وتوفى ومسلم كان صغيراً ، حاتم بن يونس الجرجانى اقام نيسابور
 برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطيب الكشى حدث بنشابور ، حميد بن رنجويه
 النسوى ، ابو احمد محدث كثير الحديث ، حسويه بن كيسان اخو محمد بن كيسان
 النيشابورى ، حسين بن حشام الحرسى النيشابورى ، حسوبه بن عبدالله النيشابورى
 ابو على اخو حسين المرتفع ، حسن بن عبدالرحيم الرتكى الزاهد ، ابو عبدالله المطوعى
 النيشابورى صاحب الصومعه والمسجد اللذين يتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن عفن
 النيشابورى ، خاشد بن اسمعيل البخارى ، حرى بن محمد بن يوسف البلخى ، خلد بن
 حماد بن عمرو بن مخلد بن مالك وهو الخنخام روى عنه احمد واحمد عندنا مدفون بنسابور
 خلد بن يزيد بن الخلد البلخى النيشابورى ، خشنام بن الصديق النيشابورى ومسكنه
 رأس مکه عماد فى سكه معتيا باد ، خشنام بن عبدالرحمن النيشابورى المعنابادى ،
 خشنام بن عبدالله بن ابى زياد النسابورى ، خضر بن عبدالله بن منان بن الحكم النسابورى
 ابو سعيد السلمى ، خليل بن محمد بن عبدالرحمن النحوى ابو محمد النسابورى ، خلف
 بن عبدالله العنبرى الهروى حدث بنشابور ، خلف بن ايوب العامرى ابو سعيد البلخى فقيه
 اهل بلخ ، حدائش بن عمرو ابو عامر النسابورى ، داود بن محراق الفاريايى ، داود بن مجد بن
 مخدم ابو سليمان قيل ولد بنسابور ومات ببغداد ، داود بن ابراهيم النسابورى ،
 داود بن على بن خلف الفقيه الاصبهانى اقام بنسابور مدة ، داود بن سعيد ابو سليمان

النسابورى ، داود بن عدى الطوسى ، رجا بن السندى النسابورى ، ابو محمد الاسفراينى
 ركن من اركان الحديث ، رجا بن عبدالرحيم ابوالمصا القرشى الهروى ، رجا بن
 اسدالنيسابورى ، رجا بن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبدالرحمن ابومحمد المنسوب
 اليه ميدان زياد ، زكريا بن حرب النسابورى ، ابو يحيى اخو احمد حرب زكريا بن
 يحيى بن يحيى النسابورى ، ابو محمد التميمى ، زاهر بن بجر النسابورى ، زنجويه بن
 عبدالرحمن العابد النسابورى و يقال له زنجويه الحيرى من محلة الحيره ، زيد بن ابى
 موسى النسابورى ، سليم بن ابى مطر المطوعى النسابورى ، سليم بن مطر النسابورى
 اخو قتاده ، سليم بن بحر بن معاذ النسابورى الزهلى ، سليم بن داود بن بكر ابوداود
 النسابورى الحفاف ، سليم بن داود بن شعيب كيسان النسابورى ، سليم بن محمد بن
 ابى داود النسابورى المستملى ، سليم بن عمر بن الحسى النيسابورى ، سليم بن
 خلد بن يونس الكاتب ابوداود النيسابورى ، سليم بن الاشعث ابو داود السجستانى
 امام اهل عصره بلامدافعه و كان مقيماً بهراة و توفى ببصره ، سليم بن عبدالله البكرى
 النيسابورى ، من محله قز ، سليم بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابورى ، سليم
 بن عبدالله العامرى النسابورى ، سليم بن سعد القرشى النسابورى ، سعد بن يزيد
 للفرا النيسابورى اختلفوا فى كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزى ، سعيد بن
 عبدالرحمن موالى ال الجرود النسابورى و يقال سعد الحيرى من محلة حيره ،
 سهل بن مهران ابوبشر البغدادى نزىل بنسبور ، سهل بن بشر بن القسم الفقيه النسابورى
 ابوالقاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبدالله العتكى النسابورى ، سهل بن عمان
 النسابورى المعروف بالسخرى ، سهل بن اسلم النسابورى ، سهل بن عبدالعزيز بن هوره
 الصنانى ، سعيد بن الصباح اخو يحيى النسابورى المنسوب اليه الخان والمحلة :
 سعيد بن محمود ابوالطوسى نزىل نيسابور ، سعيد بن ابى سعيد البلخى قوم بنسبور

جاجا ، سعيد بن اشكاب الساسي حدث بنسابور ، سعيد بن مروان البغدادي ابو عثمان
ويقال الرهاوي سكن بنسابور و بهامات ، سعيد بن سلم بن قتيبه بن مسلم والى نيسابور ،
سعيد بن صالح النسابوري ، سعيد بن عبد الرحمن الجارودي النسابوري ، سعيد بن يحيى
الكريزي البصري ، سعيد بن منصور ابو عثمان النسابوري و يقال الخراساني و يقال
الجورجاني و يقال البلخي ، سعيد بن النصر ابو النصر النسابوري ، سلمه بن شعب النسابوري
ابو عبد الرحمن المستملي ، سلم بن الحرود بن يزيد النسابوري ، سلمه بن بشير
النبابوري ، السري بن عطية التيمي النسابوري ، السري بن نصر ابو سهل النسابوري ،
السري بن خزيمة بن معويه ابو محمد الايبوردي و توفي ببيورد ، ساسان بن الحسين
ابو كسري الخراساني ، سختويه بن مازيار النسابوري ، سختويه بن الجنيد ابو عبدالله
الجرجاني ، شبل بن عبد الرحمن الاديب النحوي النسابوري . شداد بن حكيم البلخي
حدث بنشابور شريك بن عبدالله النخعي القاضي ولد بخراسان و قيل بنشابور ، شريح
بن عقيل بن رجا ابو عقيل الميهقي ، شوكر بن عبدالله الاسفرايني ، شقم بن اصيل ابو احمد
العجلي النسابوري وهو من رستاق ارغيان ، صالح بن يونس ابو حاتم النسابوري ، صالح
بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشك ، صالح بن محمد بن حبيب بن ابي الاشرنين الحافظ
ابو علي البغدادي و توفي ببخارا ، طاهر بن الحسين بن مصعب بن دريق بن شادان الخزاعي
ابو طلحه ذواليمينى والى خراسان ، طاهر بن سعيد المقرئ النيسابوري ، ابو القاسم
طاهر بن عبدالله بن عطاء الامير و توفي بنشابور يوم الاثنين من رجب سنة ثمان و اربعين
وماتين و دفن من العذ ، طيفور بن عبدالله النسابوري ابو الطيب المؤذن ، عبدالله بن حسان
ابو عبد الرحمن الطوسي ولد بهاو بنشابور نشر علمه ، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
جعفر اليمان المسندي ابو جعفر البخاري ، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابي داود العتكي
المروزي ، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشيد الرشيد امير المؤمنين ، عبدالله بن مهران

الطبيسي ابو محمد عبدالله بن الجراح القهستاني ابو محمد سكن بنسا بور و بها انتشر علمه
عبدالله بن يوسف بن خرشيد الدويري النسا بورى و دوير قرية على باب نيشابور، عبدالله
بن محمد عبدالرحمن المقرئ النسا بورى ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام
السمرقندى، عبدالله بن عبدالوهاب تميمي ابو محمد الخوارزمي اقام نيسابور، عبدالله بن محلد
التميمي النسا بورى ابو محمد النحوى ، عبدالله بن يونس ابو محمد النسا بورى الفقيه ،
عبدالله بن محمد الدقيقي النسا بورى ، عبدالله بن عمر بن الرهاج القاضى النسا بورى،
عبدالله بن محمد برهاني ، ابو عبدالرحمن النحوى النسا بورى، عبدالله بن محمد بن عبدالله
النسا بورى ، عبدالله بن ابراهيم المرزى حدث بنشا بور، عبدالله بن مهدي العامري
ابو محمد النسا بورى، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعي ، ابو العباس
الامير العادل ووفاته بنسا بور قدهم اربع تسعة بنين له من سبعة عشر : عبدالله بن ابراهيم
الشنفاضى النسا بورى : عبدالله بن يونس النسا بورى، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفي
البخارى حدث بنسا بور، عبدالله بن محمد ابو الطيب المكفون الفقيه النسا بورى، عبدالله بن
خالد بن فارس الدنبلى النسا بورى، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الماللى النسا بورى
عبدالله بن سنان الهروى صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابو حامد القهندرى
النسا بورى. عبدالله بن محمد بن رباب النيسابورى ، عبدالله بن ابي نجيه النيسابورى ،
عبدالله بن ابراهيم ابو محمد الخشاب المعروف بالبصرى وهو نيشابورى عبدالله بن عرامه
الساسى حدث بنشا بور، عبدالله بن الحارث ابو محمد الصنعانى طرطرى على رساتيق بنسا بور
مثل جوينى واسفراينى ويهقى وبشتى ، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن ابيشكرى السرخسى
الانرواية واصحابه بنيشابور ومسكنه بنيشابور الى ان توفى : عبدالله بن محمد بن سليمان
الهاشمى حدث بنسا بور، عبيدالله بن عبدالله بن ابي الهيثم عم ابي جعفر الترك وكان يسكن
دارالترك فى سكه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدي

النيسابورى ، عبدالرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدى المروزى ، عبدالرحمن بن عمار النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى سكه عمار ، عبدالرحمن بن مسعود الجورجاني حدث بنشابور : عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هانى ابوهانى ابوهانى النيسابورى عبدالوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبدالله النيسابورى الترك ، عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى النيسابورى ، عبدالوهاب بن الضحاک النيسابورى ، عبدالعزيز بن يحيى ابو عبدالرحمن المدينى ، عبدالعزيز بن مسلب المروزى ابوالدردا ، عبدالعزيز بن سليمان بن يحيى بن معاد بن مسلم النيسابورى عبدالجبار بن امان القرشى النيسابورى عبدالرحيم النيسابورى ، عبدالصمد بن حسان ابو يحيى المروزى ، عبدالصمد بن مسعود بن عبدالله بن زرین السلمى النيسابورى ، عبدالصمد بن ابى مطر ابى بكر البلخى ، عبدالسلم بن صلح بن سليمان بن ميسره ابوالصلى خادم على بن موسى الرضا ، عبدالسلم بن نهشل بن سعيد النيسابورى ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النيسابورى عبيد بن سعد النيسابورى ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزين النيسابورى ، عمر بن عبدالعزيز بن سلام بن عبدالعزيز بن حبيب فيروز التميمى السعدى ، عمر بن عصام بن سلم بن زياد النيسابورى ، ابو حفص المقرئ وكل القرارى سمونه عمرو او هو عمر عمرو بن عقبه الاستوائى النيسابورى من رستاق استوا ، عمر بن سعيد بن دردان التشيرى النيسابورى ، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشى سكن بنشابور و بها حدث الى ان توفى ، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمى ، امير المؤمنين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابيطالب رضى الله عنهم الرضا ابوالحسين الامام الشهيد ورد بنشابور ، سنه مائتين فلما وافى الرضا بنشابور و اقام بهامدة و المامون بمرالى ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك ما كان و استشهد بسناباد من طوس لتسع بقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنه ثلث

و ماتين و هوا بن تسع واربعين سنه و تسعة اشهر و قال الرضا رضی الله عنه من زارني على بعد داری اتيته يوم القيمة في ثلث مواطن حتى اخلصه من اهلها اذا تطايرت الكتب يمينيا و شمالا و عند الصراط و عند الميزان ، على بن ابراهيم البناتى المروزى ؛ على بن اسحق المروزى صاحباً عبدالله المبارك ، على بن اسحق الحنطلى ابوالحسن السمرقندى من كبار شيوخهم ، على بن بشر النعانخدى النيسابورى ، ابوالحسن على بن بكر البرنوذى الكبير على بن جرير ابوالحسن الايبوردى حدث بنشابور ، على بن الجرود بن يزيد النيسابورى ابوالحسن ، على بن جمعه بن هانى بن قنبر مولى امير المومنين على رضی الله عنه و هو ممن ولد بنشابور فان هانى سكنها عند وروده مع جعدة بن هبيرة و آل قنبر عندنا بنشابور بيت كبير و خطبهم باب الرى ، على بن الحسين بن سفيق العبدى المروزى ، على بن الحسين بن عبدالرحمن بن يزيد ابوالحسن الذهلى النيسابورى شيخ عصره ، على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى وهو ابوالحسن الدرايجردى والدرايجرد محلة متصله بالصخر آتى على البلد ، على بن الحسن الترمزى ابوالحسن ، على بن الحسين بن وافد المروزى ، على بن الحسين بن عبدويه البيهقى النيسابورى ، على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى ، على بن حنجر بن اياس المروزى ، على بن الحكم المروزى و يقال له الملحكانى ابوالحسن على بن سلمه عقبة القرشى ، ابوالحسن الليقى النيسابورى ، على بن سعيد بن جرير ابوالحسن النسوى ، على بن عثمان بن على العامرى ، ابوالحسن الكوفى ساكن نيسابور على بن عيسى بن حرب البيهقى النيسابورى ، على بن قدامه بن سلمه النشابورى ، على بن مخلد بن شيبان النيسابورى ابوالحسن خطته مشهوره فى المربعه الصغيره سكه زنهونه ، على بن محمد بن آدم الذهلى النيشابورى ، على بن محمد بن معاويه النيشابورى على بن موسى بن خاقان النيسابورى ، على بن محمد الزباد ابادى النيشابورى و زياد

اباد قريه بيهقي ، علي بن نصر الوراق النيشابوري ، علي بن يعقوب بن صباح القس
 النيشابوري ، علي بن يونس البلخي حدث بنشابور ، عيسى بن جعفر ابو موسى قاضي
 الري ، عيسى بن ابي عيسى الدراجردي النيشابوري ، عيسى بن حنان النيشابوري ،
 عمرو بن زرارة بن وafd ابو محمد الكلاتي النيشابوري ، عمرو بن هشام بن زبير النيشابوري
 عمرو بن معمر العمركي النيشابوري ابو عثمان ، عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعيد الذهلي
 النيشابوري ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النيشابوري ، عمرو بن صالح المروزي حدث
 نيشابور ، عمرو بن عصام الاستوايي ، عمار بن عبد الجبار ابو الحسن النيشابوري ، عاصم
 بن عصام بن منيع بن نعلبه الشيرى النيشابوري ، عاصم البخارزي النيشابوري ، عصمة
 بن الفضل الميرى النيشابوري سكن بغداد ، عصمه بن ابراهيم الزاهد النيشابوري :
 عصمه بن ابان النيشابوري ، عامر بن شعيب النيشابوري يقال له الاسفنجي من قريه بارغيان
 من رستاق نيشابور ، عباس بن سهل ابو الفضل الميداني النيشابوري من ميدان زياد ، عباس
 بن الضحاک البلخي ، عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد رشد صاحب رسول الله النشابوري
 عقيل بن عمر بن بكر والى نيشابوري ، عقيل بن الهلال النشابوري ، عقيل بن يحيى النشابوري
 عمران سوار البغدادى نزيل نيشابور ، عمران بن سهل ابو سعيد النيشابوري ، عمران
 بن علي الخزاعي النيشابوري ، عتيق بن محمد بن سعيد الحرسى ابو بكر النيشابوري ،
 عبدان بن يوسف السلمى النيشابوري ، عبدان بن محمد بن الفضل النيشابوري
 غسان بن سليمان الهروى ، غسان بن محمد بن عبدالله بن سالم النيسابوري ، غسان بن
 عبدالله السلمى الصبرى حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسيب بن موسى ابو محمد
 السران البيهقي النيسابوري ، فضل بن عماد التميمي النيسابوري و ملقب ببندش او
 ابن بندس ، فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيسابوري ابو العباس التاجر ،
 فتح ابن الحجاج ابو نوح الفقيه النيسابوري فتح ابن محمد بن عبد الرزاق التميمي

النيشابورى ، فتح بن نوح بن سنان راشد بن عبدالله العامرى ابو نصر الشاهنبرى محله فى اعلى البلد ، فتح بن محمد السمرقندى حدث بنشابور ، فضيل بن اسحق بن النصر بن اسحق النيشابورى ، فضالة بن ابى زيد التشيرى عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك القرشى ، القسم بن حيوبه النيسابورى و هو من رستاق نيشابور باستوا ، القسم بن دهيم البهيقى النيشابورى ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغانى ابو عبد الرحمن المذكور توفى فى اسفر اين ، قره بن حبيب العتوى اصله من نيشابور ، قتادة بن مطر النيشابورى ؛ قطن بن ابراهيم التشيرى ابو سعيد النشابورى محمد بن الازهر بن حريث بن ماهان ابو جعفر السحرى نزل بنشابور فى عنفوان شبابه و بهاولد ابنه ابو العباس و بهاتوفيا جميعاً ، محمد بن احمد حفص النيشابورى ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن زيد الكندى ابو الحسن الطوسى توفى بنشابور و دفن فى جنب اسحق بن راهويه فى مقبره شادياخ وهذا من انشاده :

ان الطيب لطبه و دوايه	لايستطيع دفاع مقدوراتى
مالطيب لموت بالداء الذى	قد كان سوى مثله فيما مضى
هلك والمداوى والذى	حلب الدواء و باعه و من اشترى

محمد بن ابان ابو بكر البلخى المستملى ، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم بن المغيرة البخارى ابو عبدالله الجعفى ورد بنشابور على كبر سنه و اقام به خمس سنين الا ان وقعت الفترة بينه وبين شيخ عصره محمد بن يحيى الذهلى رضى الله عنه ولولا ذلك لما خرج من نيشابور فقد كان سكنها قال ابو حسان مهلب بن سليم الكرمينى مات محمد بن اسمعيل رحمة الله عندنا ليلة الفطر اول ليلة من شوال سنة ست وخمسين ومائتين وكان بلغ عمره اثنين وستين الا عشر ليله و كان مولده فى شهر شوال من سنة اربع وتسعين ومائة وكان فى بيت وحده فوجدنا لما اصبحوا هوميت و هذا كان فى

فترة اخرجوه فيها من بخارا و سببه جريب ابن ابى الورقا و تمسك محمد بن يحيى
الذهلى النشابورى و قال انه اخرجته من نيشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخراجه
خالد بن احمد الذهلى الامير خليفه الطاهريه ببخارا لان اباع عبدالله محمد بن اسمعيل
ابى تعليم اولاده رحمة الله عليه رحمة واسعة ؛ محمد بن اسد ابو عبدالله النيشابورى الخوشى
والخوش قرية من قرى اسفراين ؛ محمد بن ابراهيم بن طهمن ، محمد بن احمد بن محمد
النيشابورى ، محمد بن احمد بن غالب النيشابورى الانصارى ، محمد بن اسكاف بن
خلد النيشابورى ، ابو عبدالله الجورى ، محمد بن اشرس بن موسى السلمى ابو عبدالله
النيشابورى ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن عبدالرحمن العبدى ابو عبدالله الفقيه اللاديب
نزل بنشابور و توفي بها ؛ محمد بن احمد بن انس القرشى النشابورى ؛ محمد بن اسحق
بن ابراهيم بن يونس النيشابورى ابو عبدالله محمد بن احمد بن الجراح ابو عبدالرحيم
الجوزجاني حدث بنشابور و اقام بها ، محمد بن اسمعيل الرمانى النيشابورى ؛ محمد بن
ايوب بن الحسن الزاهد النيشابورى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن ازهر ابو حفص النيشابورى
محمد بن اسمعيل بن على الهاشمى ابو عبدالله البغدادى حدث بنشابور ، محمد بن
احمد بن اسلمه السلمى ابو عبدالله النيشابورى ، محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود ؛
محمد بن ابراهيم الصابغ النيشابور ، محمد بن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النيشابورى
كنيته ابو عبدالرحمن ختن يحيى بن يحيى على ابنته ، محمد بن احمد بن حفص ابو عون
النيشابورى ، محمد بن احمد بن الحليل بن سواد بن عبدالله القرشى النيشابورى ،
محمد بن بنداد ابو عبدالله النيشابورى ؛ محمد بن بشر بن النجم الحرشى النيشابورى ،
ابو عبدالله محمد بن بكر بن خالد ابو جعفر النيشابورى ساكن بغداد ، محمد بن بحر
ابو عبدالله الاسفراينى ، محمد بن الحنيد الزاهد ابو عبدالله الاسفراينى ، محمد بن جعفر بن
محمد بن على ابن حسين بن على بن ابيطالب رضى عنهم ابو جعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشابور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضی الله عنه ،
محمد بن حجاج بن عیسی السلمی النیشابوری ابو جعفر الوراق محمد بن الحسن بن
الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمد بن الحجاج
النیشابوری اخو اسمعیل بن الحجاج ، محمد الحسن بن شهریار النیشابوری ابو عبدالله
محمد بن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابو عبدالله السعمرانی الصواف و المنسوب
الیهم سکه طرخان ، محمد بن حفص ابونابت الجرشی النیشابوری ، محمد بن حماد
ابو عبدالله الایوردی الزاهد ، محمد بن حمدویه بن عبده بن شیبہ الانصاری ، محمد بن
الحسین الکابلی النیشابوری ، محمد بن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه
ورد بنسابور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمد بن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری
محمد بن الشامی حدث بنشابور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری
ابو عبدالله القشیری و يعرف بحمدان بن خلف ، محمد بن خالد بن بشر النیشابوری ابوبکر
المعروف بالفاق ، محمد بن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه
خمس و ستین و مائین و دفن فی مقبره حیره ، محمد بن رافع بن ابی زید القشیری
النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابو عبدالله خطة السکه الادلی ؛ من باغ الزاراس ،
محمد بن رحابن السندی ابو عبدالله النشابوری ، محمد بن زیاد بن سنان القشیری
النیشابوری ؛ محمد بن زید بن عبدالله الثعلبی الشامی ابو الحسن البزاز سکن بنشابور
و بهامات ، محمد بن سعید الحلاف النیشابوری ابو عبدالله اخو خشنام ، محمد بن سعید
القاضی نزیل بنشابور و بهامات ، محمد بن سعید بن هناد ابو عالم العوسخی نزیل
بنشابور بهامات محمد بن سهل بن ابرهیم بن حماد ابو عبدالله النیشابوری ، محمد بن
سعید ابولقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمد بن سعید الهروری محمد بن سلیمان بن
عبدربه المرزوی ، محمد بن شعیب ابو عبدالله الاسدی النیشابوری ، محمد بن شعیب

ابوبكر النيشابورى الحيرى ، محمد بن سادان ابوسعيد النيشابورى المعروف بالصبرى
محمد بن طاهر ابوبكر النيشابورى من رستاق جوين ، محمد بن عبدالله بن حبيب
ابويحيى النيشابورى ، محمد بن عبدالله بن عمار العتكى النيشابورى ، محمد بن عبدالله
الخوى النيشابورى محمد بن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمد بن عبدالرحمن
ابوعبدالسرعان النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيشابورى المحتسب
محمد بن عبدالرحمن بن موسى ابوعبدالله النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن ابوجعفر
النيشابورى من رستاق استوا ، محمد بن عبدالرحيم بن سعود بن عبدالله بن رزين
النيشابورى و يعرف بجمش ، محمد بن عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى ابو-
احمد الاديب الفقيه الفراوكان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و
الشرف فى بلادنا خصوصاً بنشابور يلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم عليهم فيقولون
لمحمد حمد وحمش او غير ذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدى ابو مسافر النيشابور
وروى ان الاصمعى لماورد بنشابور نزيل بالاده فى القصر و يعرف اليوم بقصر جند
بسكه شكش وقال الاصمعى سمعت اعرابيا يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك
بحسنها و اكثر عشاقها ثم انشأ

ولن تصادف مرعى مرعاً الا وجدت به آثار ما كؤل

محمد بن عبدالعزيز ابو عمر المروزى ، محمد بن عبدالسلم المؤذن النيشابورى ،
محمد بن على بن الحسين بن شقيق المروزى ابوعبدالله المطوعى ، محمد بن على بن
حمزه ابوعبدالله الحافظ المروزى ، محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمح
النيشابورى ، محمد بن عثمان القيسى النيشابورى ، محمد بن عيسى يزيد الطرطوسى
ابوبكر التميمى وتوفى ببلخ و من نال بنشابور و هم محمد بن عميره ابوعبدالله الجرجانى
بهرآة ، محمد بن عيسى بن عبدالرحمن ابوعلى النيشابورى ، الوزير بن الوزير ذوالتمينى

محمد بن عمرو به الهروي ابو عبدالله ، محمد بن عمرو القرشي النيسابوري ، محمد بن عمرو ابو عبدالله القهндزي ، محمد بن عمرو بن النصر النيشابوري ابو علي الجوشي ، محمد بن عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد الخزاعي ، ابو عبدالله النيشابوري ، من اعيان العلماء الصالحين المنسوب اليه المسجد و المناره على رأس سكه حرب ، محمد بن عبدك ابو عمرو الزوزني النيشابوري ، محمد بن عثمان الحرشي النيشابوري ، محمد بن كاشه بن محسن ابو عبدالله الكرماني ، محمد بن عثمان الاطروش ابو الحسن الخزار الكوفي نزيل نيشابور و مات بها و دفن في مقبرة باب معمر ؛ محمد بن الفضل المعبري ابو عبدالله الوري الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابوري ؛ محمد بن القسم بن مجمع الطالق النيشابوري ؛ محمد بن كيسان النيشابوري ، ابو عبدالله التميمي و يعرف بابي عبدالله المحاملي ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن ابو عبدالله النيشابوري ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمره القرشي النيشابوري ؛ محمد بن معويه بن اعين النيشابوري ، ابو عبد الله الهاللي و يقال ابو علي نزيل مكه ، محمد بن موسى العال النيشابوري ، ابو عبدالله المطوعى الفقيه ؛ محمد بن مكى ابو عبدالله المروزى ، محمد بن موسى ابو عبدالله السلمى النيشابوري محمد بن موسى البلخى ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازى ؛ محمد بن مسلم النيشابوري ؛ محمد بن مروان الاسدى النيشابوري ؛ محمد بن المهلب السرخسى ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابوري ، ابو عبد سكن بيت المقدس و بهامات ؛ محمد بن نوح السعدى النيشابوري محمد بن نصر الله النيشابوري ؛ محمد ابن الوجيه النيشابوري ، محمد بن هانى بن عبدالله السلمى ابو عبد الله النيشابوري من ميدان زياد ، محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس النيشابوري ، ابو عبدالله الذهلي امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبدالله ابو

سعيد النيشابورى و يعرف بالجوسقى ؛ محمد بن يحيى بن عمار ابو مسلم القهستاني
 رضى الله عنها محدث كبير المحل وقيل توفى بنشابور ، محمد بن يونس ابو عبد الرحمن
 السرخسى ، محمد بن يحيى بن موسى النيشابورى ، ابو عبدالله الاسفراينسى و يحيى
 ملقب يحيوية ، محمد بن يزيد بن عبدالله النيشابورى ، ابو عبدالله السلمى شيخ
 اهل الراى ، محمد بن يحيى ، محمد بن يوسف ابوبكر المقرئ النيشابورى ، محمد بن
 يحيى ابو ابراهيم الصفار النيشابورى ، محمد بن يحيى بن سعيد ابوبكر النيشابورى
 و هو ولد ابراهيم بن محمد الصيدلانى ، محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيشابورى
 والد ابي حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسين القشيري النيشابورى المقدم و الحجة
 فى التمييز بين الصحيح و السقيم و كان مسكنه اعلى الزمجار و منجزه
 خان محمش و معاشه من ضياعه باستواو توفى رحمة الله عشية يوم الاحد و دفن
 يوم الاثنين لخمسة سبعين من رجب سنة احدى وستين و مأتين و مقبرته فى راس ميدان زياد
 قال الحاكيم رضى الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابي جعفر يقول سمعت
 ابا العباس بن سعيد بن عقده و سألته عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن
 الحجاج النيشابورى ايهما اعلم فقال كان محمد عالماً و مسلم عالماً فكررت عليه
 مراراً و هو يجيبني بمثل هذا الجواب ثم قال لى يا عمرو قد يقع لمحمد بن اسمعيل
 الغلط فى اهل الشام و ذاك انه اخذ كقيمهم فنظر فيها مرىما ذكر الواحد منهم بكنيته
 و يذكرو فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان فامام مسلم قفل ما يقع له
 الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد ولم يكتب المقاطيع والمراسيل

ذكر مصنفاته كتاب المسند الكبير على الرجال ، كتاب الجامع الكبير على الابواب
 كتاب الاسامى و الكنى كتاب المسند الصحيح ، كتاب التمييز ،

كتب العلل، كتاب الواحدان ، كتاب الافراد ، كتاب الاقران ، كتاب سؤالات احمد ابن خليل ، كتاب الانتفاع باهب السباع ، كتاب عمرو بن شعيب مذكر من لم تحييج بحديثه و ما اخطأ فيه ، كتاب مشايخ مالك بن انس ، كتاب مشايخ الثوري ، كتاب مشايخ سعبه ، كتاب ذكر من ليس له الاراو واحد من رواة الحديث ، كتاب المخفرين كتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثين ، كتاب ذكر اوهام المحدثين ، كتاب تفصيل السنين ، كتاب طبقات التابعين ، كتاب افراد الشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم ، كتاب المعمر فيه ذكر ما اخطأ معمر

مسلم بن الحسين الذهلي النيشابورى و يقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابورى، مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيشابورى راي سفيان بن سعيد الثورى ؛ موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجي النيشابورى واسفنج من رستاق ارعنان ، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزني النيشابورى، موسى بن يزيد العمى النيشابورى، موسى بن سليمان عبد الرحمن ابو عمران النيشابورى ؛ مسعود بن عبدالله بن زرين بن محمد بن برد ابو عبدالله السلمى النيشابورى القهندزى اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيشابورى ، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبدالله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنيشابور بالشاد ياخ فى محلة محمد آباد و من اشعاره فى الحية الكثيفة الطويلة ليس للحية الطويلة معنى غير قبح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنبيه قام ينادى و قال لمدح الخليفة الوائق بالله

ان الذى بعث النبى محمدا	و هب الخلافة للإمام المهتدى
قمران اجدى و ناران سطا	لا يعدلان عن الطريق الاقصد
اشرب على وجه السرور مدامة	خمراً كالعيوق او لفرقد
من لون اعيد قد تضرع كفه	من لونها اوخده المشورد

قال ابو تمام فى حق عبدالله طاهر و لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة
صاح الزمان بآل برمك صيحة
وثنى باخرى مثلها فارادهم
و غدا يصيح بآل طاهر صيحة
لاتأمنن حوادث الازمان
خسروا لشدتها على الأذقان
واتى الزمان على بنى ماهان
غضب يحل بهم من الرحمن
منصور بن جعفر بن عبدالله بن زرير السلمى النيشابورى ابو العباس ، منصور بن
الحارث الزمجارى ابو عبد الرحمن النيشابورى مبشر بن عبدالله بن رزين بن محمد
ابن سرو السلمى ابوبكر النيشابورى اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم
النيشابورى اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادى نزيل بنشابور
و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، مسرور بن نوح بن خزيمة ابو
بشر الذهلى النيسابورى ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان
السامى النيسابورى ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابورى
معاذ بن خلد النيشابورى مسكن عستلان ، معاذ بن اسدالمروزي حدث بنشابور ،
مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامرى البلخى القلاص ، مخلد بن مالك ابو جعفر
الحمال الرازى سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لييد
ابو موسى البلخى حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن
عبدالله التميمى النشابورى ابو عبدالله ، محمود بن خداس الطالقانى ، محمود بن غيلان
ابو احمد المروزي ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابورى ، محمود بن هشام بن
محمد بن ميمون بن ابراهيم ابو يحيى النيشابورى ، محمود بن احرب ابو حامد المقرئ
النيشابورى ، محمود بن يزيد النيشابورى ، مهدي بن حرث النيشابورى من رستاق
استوا من قرية يقال لها الفرعرى ، محمش بن عصام النيشابورى ابو عمرو المعدل
مهر جان الزاهد النيشابورى ، محمش بن عبد الرحمن السالمى ، مطرف بن عبدالله

اليشابورى نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النيشابورى، نصر بن خلف بن ابو محمد النيشابورى، نصر بن زياد بن نهبك بن حسل القاضى النيشابورى ابو محمد وكان كوفى المذهب واعقابه عواخر هم كوفيون وولى قضا بنشابور سنه ثلث عشر ومأتين و توفى لسبع بقين من سفر سنه ست وثلثين ومأتين هو ابن سته و تسعين، نصر بن جناح ابو الليث القهستاني، نصر بن ابراهيم ابو احمد النيشابورى الحقاف، نصر بن خلف الفراء ابو محمد النيشابورى. نصر بن الحسين المعروف بفروية التاجر النيشابورى نصر بن جميل القشيرى النيشابورى، نصر بن عبدالله بن مروان النيشابورى ابو القاسم المؤدب نزيل بغداد، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسى حدث بنشابور، نوح بن صالح ابو القاسم الفراء النيشابورى، نوح بن عبد الرحمن الصيرفى النيشابورى، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النيشابورى البيشكى و هى قصبة الرخ و بقره الان بيشكى مشهد يزار قال يحيى بن منصور القاضى ان سعيد بن عثمان ابن عفان لما توجه الى خراسان ورد على طريق اصبهان الى بيشك ومنها الى طريق الرخ فل نزل بيشك مرض بها فتزوج و خرج و قد ولدت له بنتاً فسمها هاعين نساء و كانت بيشك الى ان تزوج بها محمد بن نصر البيشكى وكان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر و هو النصر بن محمد البيشكى جد والد ابى الحسن المحمى النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعيد النيشابورى، النصر بن سلمه المؤدب النيشابورى، النصر ابن منصور ابو غياث الحارثى النيشابورى، نعيم بن زياد بن ابا زياد النيشابورى، نعيم بن مرتع ابو الفضل النيشابورى نعيم بن زر بن بهلول ابو منصور النيشابورى، وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمى البصرى وكان هلقب بالحجام حدث بنشابور هرون بن المهدي بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين و هومات بسنا باد طوس و هى قرية و هو ابن ستة و اربعين سنه وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثه عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نيشابور ، هرون بن يزيد بن اخت ابى جعفر مهملد بن مالك النيشابورى ، هاشم بن الوليد ابوطالب المهروى سكن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابورى ؛ هشام بن الزبير الشيبانى النيسابورى همام بن على النسابورى ، ابو الحسين البشكرى و يعرف بالسورسى ، همام بن زكريا ابو محمد النيسابورى ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلى حيكمان امام نيشابور فى الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار شهيداً ، يحيى بن معاذ الرازى ابو زكريا الواعظ سكن به نيشابور و توفى بها و قبره فى مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر بن عبد الله السلمى ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابورى الزاهد ، يحيى بن المسى ابو زكريا النيسابورى يحيى بن اسحق بن حكيم بن ابى خديجه النيسابورى يحيى بن صالح النيسابورى ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى يحيى بن بكر بن مسلم النيسابورى يحيى بن الياس النشابورى يحيى بن الحسن بن غافم النيسابورى ، يحيى ابن اكرم بن محمد التميمى ، ابو محمد القاضى المروزى ، يحيى بن عاصم البخارى حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زكريا الاسفراينى النيسابورى و يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نيشابور ، يحيى بن عامر بن خدش النيسابورى يحيى بن الجنيد ابو زكريا النيسابورى ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله طاهر و هو نيشابورى ، يحيى بن منصور الزوزنى من رستاق نيشابور ، يزيد بن صالح ابو خالد الفراء النيسابورى ، يزيد بن مهملد ابو خالد المهروى حدث بنشابور يعقوب ابن سفيان ابو يوسف القسوى امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابورى يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابورى ، يعقوب بن اشرش ابو يوسف ، يوسف بن عيسى البخارى ابو يعقوب ساكن نيشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلي اخوالامام محمد بن يحيى ، ياسين بن النصر بن يونس بن سليمان بن سلمن الباهلي ابو سعيد القاضي النيسابورى و خطة سليمان بنشابور مشهوره ؛ يعمر بن بسر المرورى من كبار اصحاب عبدالله مبارك يونس بن آدم ابو محمد النيسابورى ، يونس بن افلح ابو محمد الملقب بأكثر النيسابورى ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هى محله فى اعلى البلد بنشابور على طريق الجبل تدعى باب ابى الاسود ؛ ابو نصر الدهان النيشابورى ، ابوبكر بن ابى طالب ابراهيم بن ابى طالب

ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

ابراهيم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى النيسابورى سكن بغداد الى ان توفى بها وكان احمد بن حنبل يحضره و يبسط فى مجلسه و يفطر عنده و هو اكبر الاخوة ، ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروى ، ابراهيم بن اسحق بن يوسف الانماطى ابو اسحق النيشابورى ابراهيم بن اسمعيل الغيرى ابو اسحق الطوسى محدث عصره بها ، ابراهيم بن اسمعيل النيشابورى ، ابراهيم بن اسمعيل ابو اسحق المعلى النيسابورى القران ، ابراهيم بن بلال ابو اسحق الاسفراينى و هو نيسابورى ؛ ابراهيم بن جعفر بن الوليد ابو اسحق المعدل النيسابورى من باغ الرازمين ، ابراهيم بن ابو اسحق الكرامينى النيشابورى من محلة الجورى ، ابراهيم بن الحسن النيسابورى الميدانى من ميدان زياد ، ابراهيم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النيشابورى ابراهيم بن الحصين بن بشر النيشابورى ، ابراهيم بن خلد الزوزنى ابو اسحق ، ابراهيم بن زيادة العابد النيشابورى ، ابراهيم بن سعيد ابو اسحق النيشابورى المعروف ماكزمكى ، ابراهيم بن سلمة بن زياد النيشابورى ، ابراهيم بن على بن محمد بن آدم الذهلي ابو اسحق النيشابورى ، ابراهيم بن على المرورودى حدث بنشابور ؛

ابراهيم بن علي بن الحسين ابو اسحق الترمذى نزىل بنشابور ، ابراهيم بن عمر بن عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابراهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق النيشابورى ، ابراهيم بن عبدالرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ، ابراهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى والفضل ملقب بفضلويه ؛ ابراهيم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى ابوطالب ، عبدالله بن سعيد يقول ما رأيت مثل ابراهيم بن ابى طالب ولا رأى مثل نفسه و توفى يوم الاحد الثانى من رجب سنة خمس و تسعين و مائتين و دفن فى مقبرة الحسين ابن معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابراهيم بن ابى طالب رحمهم الله و له تصانيف فى علم الحديث ، ابراهيم بن محمود بن حمزة الفقيه ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان ديهيه ولم يكن بعده للمالكيه بنيسابور مدرس ؛ ابراهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى ابراهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابراهيم بن عبدالله بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابيطالب رضى الله عنهم المعروف بابى اسحق الاسبح المدنى حدث بنشابور سنة خمس و ثمانين و مائتين ؛ ابراهيم بن محمد بن عبدالله الابيوردى نزىل بنشابور ، ابراهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابراهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن بنشابور ، ابراهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناتخدى النيشابورى ، ابراهيم بن محمد بن سفيان ابو اسحق النسابورى الفقيه ، ابراهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابورى ابراهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبدالرحمن السلمى ابو يعقوب الزاهد البتقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد و كان اكبر

ما يحدث ببستقان وله منزل في البلد في محلة زميجار ، اسمعيل بن اسحق بن ابراهيم بن مهران النيسابوري الثقفى ابو محمد السراج نزيل بغداد و هو من كبار اصحاب احمد بن خليل المحييين ، اسمعيل بن يحيى بن خادام السلمى النيسابوري ابو يعقوب الاغور ، اسمعيل بن ابراهيم بن الجراث القطان ابو ابراهيم النيسابوري ، اسمعيل بن احمد بن اسد بن نوح بن سامان خدای ابو ابراهيم الامير الماضى و الى خراسان الامام العدل الزكى الدين و توفى ببخارا للنصف من صفر سنة خمسين وتسعين ومأتين وكان ولايته على خراسان سبع سنين ، اسمعيل بن زكريا المباد النيسابوري اسمعيل بن عبدوس بن احمد بن حفص الحرسى النيسابوري ، اسمعيل بن عبدالله ابو يعقوب النيسابوري ، اسمعيل بن يحيى بن ابى منصور التاجر النيسابوري ، اسحق ابن ابراهيم بن عماره من اولاد سعد بن عباده الخزر جى الانصارى ، ابو يعقوب النيسابوري من اشرف بيت الانصار و من اوجه مشايخ نيسابور فى الثروة والعدالة والورع و القبول الاتقان فى الرواية و مات سنة سبع عشرة و ثمانمائة و صلى عليه يحيى بن منصور القاضى فى ميدان زياد ، اسحق بن ابراهيم بن نصر ابو يعقوب النيسابوري من رستاق بشت ، اسحق بن ابى عمران الشافعى ابو يعقوب النيسابوري وهو اسحق بن موسى بن عمران الاسفراينى من رستاقه و توفى باسفر اين فى رمضان سنة اربع و ثمانين ومأتين ، اسحق بن حمدان ابو العباس النيسابوري سكن بلخ و بهامات ، اسحق ابن ابراهيم التاجر المروزي ابو يعقوب ، اسحق بن يعقوب السمسار ابو يعقوب ، النيسابوري ، اسحق بن محمد بن الحسن النيشابوري ، اسحق بن احمد بن اسد ابن نوح السامانى ابو يعقوب و كان اكبر من الامير الماضى ، اسحق بن ايوب بن يزيد الصبغى ابو يعقوب النيسابوري ، اسحق بن حنيفه الفقيه ابو يعقوب النيسابوري المطوعى ، احمد بن ابراهيم بن عبدالله ابو محمد بن ائبة نصر بن زياد القاضى و كان

من وجوه نيشابور توفي سنة خمس وثلثمائة بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و
قبورهم ، احمد بن ابراهيم بن ابي صلح المروزي ابو صلح نزيل نيشابور ، احمد
ابن اسحق بن ابراهيم الطوسي نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو على
البيهقي من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو
حامد الاعمش النيسابوري ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابوري ابو
جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملى النيسابوري ، احمد بن
حفص الزاهد النيشابوري ، احمد بن حديفه ابو الحسن النيسابوري البشتي ، احمد
ابن خلد ابو الحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفي بها
احمد بن خلد بن احمد الذهلى ابو محمد و لم يكن فى اولاد خلد بن احمد الامير
افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيرى ، احمد بن الخليل بن محمد البشتي
احمد بن زرعة بن قيس الذهلى النيسابوري ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابوري
ابو الفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابو العباس النيسابوري ، احمد بن سهل
بن مالك ابو بكر الاسفراينى النيسابوري ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس
المروزي قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس فى الرأى والعقل
والدها ، احمد بن سليمان العبدى النيسابوري ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد
الرحمن الفقيه ، احمد بن صلح بن عبدالله ابو بكر الجوهرى النيسابوري ، احمد
ابن عماد بن كوكب ابو الحسن العامرى ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهرى
المروزي والد عمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو
حامد النيسابوري ، احمد بن على بن عبدالله المعروف بابى على الانصارى ، احمد
ابن على بن عبدالله بن سنان النيسابوري ، احمد بن عبدالله ابو حامد المتاشلى النيسابوري
من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخى ، احمد بن عثمان بن عبد الرحمن

النسوى ابو عبد الرحمن ، احمد بن على العدنان النيسابورى ، احمد بن عبدوس بن حمدويه ابو العباس النيسابورى ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النيسابورى ، احمد بن على بن اسد البردعى ، احمد بن الفضل بن منصور ابو حامد السامانى ، احمد بن محمد بن عمار النيسابورى ابو حامد المستملى ، احمد بن محمد بن سعيد الصيدلانى ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النيسابورى ، احمد بن محمد بن الازهر بن السحرى ابو العباس الازهرى ، احمد بن محمد بن يزيد البراز ابو حامد النيسابورى ، احمد بن عبيده بن زياد النيسابورى ابوبكر الوبرى ، احمد بن محمد بن موسى الدهقان النيسابورى ، احمد بن محمد بن بكر النيسابورى ابو العباس نزىل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بكر الذهبى من مامله بلخ وعداده فى نيشابور بين و بها مسكنه و اعقابه ، احمد بن محمد بن ابى خلد ابو جعفر الاصهبانى نزىل بنشابور قديما و توفي جمادى الاخر سنة ثلث و ثلثمائه و دفن فى مقبره باب معمر احمد بن محمد بن عمر ابوبكر المكندرى مولده المدينة و منشائه الحرميين و ورد بنشابور و اقام بها و ولد له بها ابو عمر المكندرى ، احمد بن محمد بن نصر ابو جعفر الترمذى ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابوبكر المروزى و المراوزه بها يسمونه البسطامى ، احمد بن محمد بن آدم الشاشى ابوبكر احمد بن محمد بن عمر ابو الحسن النيسابورى ؛ احمد بن محمد بن حفص بن يزيد بن مسلم بن على الحرسى ابو عمرو و الحيرى شيخ نيشابور فى عصره فى الرياسه و العداله و الثروة و التحديث و وفات الشيخ الجليل الزكى بن الزكى العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه رحمه الله و صلى عليه فى مصلى حيره ، احمد بن محمد بن هاشم المعدل ابو حامد الطوسى سكن بنشابور السى ان مات بها ، احمد بن محمد بن جعفر ابو حامد النيسابورى ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخى ، احمد بن عبد الكريم

الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابوري ، احمد بن محمد ابن عمار المستملى النيسابوري ، احمد بن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملى و ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة و راهب اهل عصره دعا يوم الجمعة وقال اللهم اقبضنى اليك فمات ليلة الخميس الحادى عشر من جماد الاخره من سنه اربع و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعة فى مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة واسعة ، احمد بن محمد بن سعيد ابو حامد الصيدلانى النيسابوري ، احمد بن محمد ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري ، احمد بن نصر بن ابراهيم ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون من شعبان سنه تسع و تسعين ومأتين و دفن يوم الاثنين تحب الحوض الذى لصدق به رحمه الله رحمة واسعة ، احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري ، احمد بن نصر البوزجاني الشهيد و بوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرون البودنجي ابوبكر البرزعي الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابوبكر البسطامي المقيم بنشابور الياس بن رجا النيسابوري ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن اسد الحوشى الاسفراينى ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النيسابوري ، تميم ابن محمد بن طمغاج ابو عبد الرحمن الطوسى ، جعفر بن محمد بن الحسن ابو الفضل النيسابوري شيخ عشيرته فى عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن سنان ابو محمد النيسابوري من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري ، جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيرى ركن من اركان الحديث بنشابور فى الحفظ والاتقان و توفى سنه ثلث و ثلثمائة و دفن بشاهنبر ، جعفر بن سهل ابو الفضل المذكر النيسابوري ، جعفر بن محمد بن موسى الحافظ ابو محمد النيشابوري ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف فى بغداد و بنشابور مسكنه و

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محمد الشاشي ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمى
ابو محمد النيسابورى ، جعفر بن ولويه النيسابورى ابو محمد الدقايق ، جعفر بن
محمد بن الفضل بن زياد التميمي ابو الفضل النيسابورى السعدى الملقب بصعومه
جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابو محمد النيسابورى ، جعفر بن حمويه الفارسى
نزىل بنشاپور ، جعفر بن محمد بن الحراث النيشابورى ، جعفر بن يعقوب بن سليمان
المقرى النيسابورى المطوعى ، جبريل بن مخاع بن الفضل السمرقندى ، الحسن
بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيبانى ابو العباس النسوى من
قرية بالوز وهى على ثلث فراسخ من بلاد النشابور و محدث خراسان فى عصره و
توفى رضى الله عنه سنة ثلث و ثلثمائة ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابورى ابو
محمد المطوعى ، الحسن بن على بن نصر ابو على الطوسى الملقب بكروش توفى
بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابو على
النيسابورى وكان يسكن بباب عروة ، الحسين بن على ابى عيسى الهلالى ابو على
النيسابورى الدرا بجردى المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابى جعفر واسمه محمد
بن يحيى الجوزجانى ابو على الحاجى ، الحسن بن عبدالله ابو على النيسابورى ،
الحسن بن على بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو على الشادياخى ، الحسن بن
الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابورى ابو على السكسكى ، الحسن بن عبدالرحيم
بن سهل بن نوفل النيشابورى ابو على : الحسن بن صاحب بن حميد ابو على
الشاشى ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النيشابورى ، الحسن بن جعفر بن محمد
الهمدانى نزىل بنشاپور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابورى ابو على
الحيرى ، الحسن بن اسمعيل بن سليمان ابو على الفارسى نزىل بخارا ، الحسين
بن الحسن بن مهاجرين النيسابورى ابو محمد المهاجرى من كبار المحدثين و كان

يحدث في سكه معقل في مسجد عبدالله عامر و توفي في سنه ثمان و سبعين و مأتين
الحسن بن محمد زياد نيشابورى ابو على القيافي الحافظ احداركان الحديث و استاد
محمد بن اسمعيل البخارى ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابورى ابو على ،
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميرى ابو على النيسابورى مسكنه بسباب
عروة ، الحسين بن على بن مهران النيسابورى ابو على الدقاق ، الحسين بن احمد
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو على البلخى ، الحسين بن اسمعيل بن على الارنيانى
ابو عبدالله النيسابورى و ارنيان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس
النيسابورى ابو عبدالله المودب ، الحسين بن عبدالله بن محمد بن مخلد النيسابورى
الحافظ ابو على الباعكى ، الحسين بن المسيب ابو على المرزى نزيل بنشابور ،
حمدون بن احمد بن بكر النيسابورى ابو نصر الذهلى ، حمدون بن احمد بن عمار
بن رستم النيسابورى الزاهد ابو صالح القصار و كان من الابدال من اصحاب ابى حفص
وهو والد ابى حامد الاعمشى ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيشابورى
ابو رجا العمرى من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابورى ابو سعيد
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابورى ابو محمد الملقابادى ،
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلى ساكن نيشابور ابو سليمان ، حاتم بن
الحسين ابو سعيد الساسى نزيل نيسابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن
ارداد القرشى السمرقندى الحرث بن زكريا المقرى ابو سعيد النيسابورى ، حامد
بن موسى الازارى وهى قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابو على البيهقى
حمدان بن الحكم ابو بكر النيسابورى ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخى ،
حمويه بن عماد النيسابورى ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان
الميرانى النيسابورى ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك

و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفى ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا وله بها آثار مشهورة محمودة الاما فعل في حق امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخارى الجعفي فانها زلة و سب لزوال ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابورى من المتقين الاثاب ، خشنام بن ابى معروف النيسابورى ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد النيسابورى ابوسليمن الخسروجردي ، داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابورى ابو الفضل الاستواي ، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابورى ابو يحيى الفرهادچردى ، زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابورى ابو يحيى الخفاف المقدم فى عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابورى الزكى ابو يحيى البزاز شيخ اهل الراى فى عصره وله مضافات كثيرة ، زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النشابورى ابويحيى الملابادى ، زكريا بن لويه الزاهد النيشابورى ابويحيى الواعظ ، زكريا بن يحيى حوثره البرنودى النيسابورى ابويحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن الحسن بن عمر النيسابورى ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وكان من العباد ، سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمان الزاهد الواعظ الحيرى وبها مسجده و منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفى بها و كان مجاب الدعوة و مجمع العباد والزهاد و كرماته كثيرة لا يحصى و توفى رحمة الله عليه ليلة الثلاثاء عشر يقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو عثمان النيسابورى وهو الذى يعرف سعيد بن ابى سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن زيد ابو عثمان النيسابورى و كان من فقها اهل الكوفه ، سعيد بن سعيد ابو عثمان النيسابورى ، سليمان بن سلام ابو داود النيسابورى ، سليمان بن منصور ابو داود

النيسابورى ، سهل بن عبد العزيز سورة الصنعانى ، سليمان بن اسراييل ابو عبدالله الخجندى ، شعيب بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى ، ابو صالح العجلي هو يقول سمعت اعرابيا يقول ما اطيب الثلج بماء العذب يستخرج الحمد من اصل القلب ، صالح بن خفضويه النيسابورى وكان من حفاظ الحديث ، صالح بن محمد الجوينى ابو سعيد النيسابورى ، صالح بن محمد رجيح الترمذى طيب بن محمد بن طلحه بن طاهر النيسابورى ابو اسحق الطاهرى ، عبدالله بن احمد بن شويه ابو عبد الرحمن المرزى من ائمه اهل الحديث ، عبدالله بن احمد بن الهيثم بن مخلد ابو محمد النيسابورى الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الياس بن ابى عصام النيسابورى ابو القاسم من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسى ابو محمد الفقيه ، عبدالله بن بشر بن عميرة البكرى ابو محمد الطالقانى سكن نيشابور وبها مات ، عبدالله بن نحر بن عبدالله بن طيفور ابو بكر الطيفورى ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمى ابو محمد المرزى محدث عصره ، عبدالله بن الحسن بن ايوب السامى من الزهاد رازى ، عبدالله بن زيد بن سيار ابو محمد النيسابورى المودب ، عبدالله بن سلمه بن يزيد القاضى النيسابورى ابو محمد بن سلمويه ، عبدالله بن سليمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدى و قتل عمران يوم صفين بين يدي امير المؤمنين على عليه السلام ، عبدالله بن صالح بن يونس ابو محمد الفرائضى النيسابورى ، عبدالله بن على بن الحرود ابو محمد النيسابورى نزيل مكه ، عبدالله بن عمر بن سليمان ابو العباس الركنى النيسابورى عبدالله بن قتيبه بن سعيد الثقفى ابو قتيبه بن ابى رجا البغلانى ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبد الرحمن الفقيه النيسابورى ابو محمد بشرويه و محمد ملقب بحمويه

القرشي ، عبدالله بن محمد داود النيسابوري الدهان ، عبدالله بن محمد بن علي الحافظ
البلخي ركن الحديث وله مصنفات في التواريخ والعلل وغيرها ، عبدالله بن محمد بن
العباس ابو محمد المروزي ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوري
ابو محمد الحيري ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادي النيسابوري
من محلة نصر آباد في اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأي . عبدالله بن عمرو القراطي
الواعظ النيشابوري ابوبكر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابو محمد المروزي ، عبدالله بن
محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمناني ابو الحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله
بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوري نزيل
سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوري ابو محمد ، عبدالله بن محمد بن
ابي خلد النيسابوري ابو محمد الصيدلاني ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجاني
ابو العصب العاصي ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابوري ابوبكر الحري ، عبدالله بن
يحيى بن موسى السرخسي ابو محمد العاصي ، عبدالله بن عبدالله النيسابوري
ابو عبد الرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبد الرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد
الخزاعي صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبد الرحمن بن الحسن بن خلد القاضي
ابو سعيد النيسابوري امام اهل الرأي في عصره بلامدافعه وخطته وخطه اسلافه محله متاشل ،
عبد الرحمن بن جعفر ابو سعيد النيسابوري سكن مرو ، عبد الرحمن بن رجا ابو القسم
النيسابوري فقيه لاهل الرأي من قرية بزديغر ، عبد الرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ
البغدادى ، عبد الرحمن بن بحر بن معاذ النسوي ابو محمد اليزاز ، عبد الملك بن الحكيم
بن عبد الملك النيسابوري ابوبكر بيهقي الملقب بعبدان الخسر وجردي ، عبد الصمد بن
هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسي النيسابوري وهو يلقب مقاتل قيتبه ، عبد الرحمن
بن عيسى الجرجاني ابو عبد الرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزي الزاهد علي بن ابراهيم بن احمد ابوالحسن النسوي اقام بنشابور ، علي بن احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظي النيسابوري و سكه معقل خطهتم ، علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني ، علي بن الحسن بن شهر يار ابوالحسن الرازي نزيل بنشابور وقبره بالحيره ، علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني ابوالحسن الحافظ ، علي بن مهران النيسابوري ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علي بن الحسن بن هشام ابوالحسن النيسابوري ، علي بن حمدون بن هشام ابوالحسن النيسابوري من اجله مشايخنا ، علي بن الحسين بن بشار النيسابوري ابوالحسن الكرماني كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنشابور ، علي بن خاتم البخاري ابوالحسن الحاجي ، علي بن الحسن بن معاذ النيسابوري ابوالحسن السحيتاني ، علي بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزي ، علي بن سعيد بن عبدالله ابوالحسن العسكري من اعيان المحدثين كثير التصنيف وقد حدث عنه حفاظ الدنيا في عصره وتوفي بالري سنة ثلث عشره وثلثمائه ، علي بن عبدالرحيم بن سنان ابوالحسن الصفار النيسابوري ، علي بن عمر بن علي بن عمر النيساري ابوالحسن الدنودي ، علي بن عبدالله بن احمد الطبري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري ابوالحسن المناشك علي بن يحيى بن خلد المروزي ابوالحسن الخالدي ، علي بن محمد بن حمدويه الطوسي ابوالحسن نزيل بنشابور ، علي بن محمد بن العلا النيسابوري ابوالحسن القبائي و قباب اقصى محلة من البلد علي طريق العراق ، علي بن محمد بن حمدان البغدادي نزيل بنشابور ؛ علي بن موسى بن يزيد ، الفقيه ابوالحسن القمي امام اهل الرأى في عصره ، علي بن محمد بن يزيد الحداد ابوالحسن الطبسي نزيل بنشابور ، عيسى بن محمد بن عيسى بن عبدالرحمن بن سليمان ابوالعباس اطهماني ويعرف بالكاتب المروزي هو امام في اللغة و احد الاشراف في نفسه و ابائه و اسلافه توفي رضي الله عنه في سنة

ثلث وتسعين ومأتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابورى ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمي ابو العباس الانصارى القاضى بن القاضى بنشابور ، عمرو بن بشر ابو حفص النيسابورى سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابورى ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابو الفضل الواعظ النيسابورى صاحب احمد بن حرب والسكك منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذى النون بصر مباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفي رضى الله عنه فى شهر ربيع الاول سنة ثمان وثمانين ومأتين ، عمران بن موسى بن بهامع ابو اسحق السجستانى وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحله والتصنيف و توفي بجزجان سنة ثلثمائة ، عمران بن موسى ابو موسى الاعيانى النيسابورى ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السجورى النيسابورى ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابراهيم النيسابورى ابو سعيد القطان عسان بن محمد النيسابورى العابد ابو جعفر القارونى ، القسم بن خلد بن قطي ابو سهل المروزى محدث عصره بمرور ، امام الحديث فى عصره محمد بن اسحق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى مولى محشر بن مراحم ابو بكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضى الله عنه وكان يسكن بجنجروود وكان شيخ محمد بن اسمعيل البخارى ومسلم بن الحجاج النيسابورى ومحدثى عصره . قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن على الفقيه الشاشى يقول حضرت ابا بكر محمد بن اسحق بن خزيمة فقال له ابو بكر النقاش المقرئ البغدادى بلغنى لما وقع بين المزنى و بين عبدالحكم ما وقع قيل للمزنى انه يرد على الشافعى قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابورى اياه قال ابو بكر كذا كان و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذنته امرأة فسالتة عن مسئلة فى الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجروود ثم مات يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة مسئلته عن هذه المسئلة و كراماته مرويه رضى الله عنه وارضاه و توفي من ذى القعدة سنة احدى عشره وثلثمائة وصلى عليه ابنه ابو النصر

وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرد فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمد بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابو عبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة وثلثمائه وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن مخلد الحنظلى ابو الحسن ولد بمرو و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمد بن اسحق بن عبدالله بن ابراهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابو عبدالله الملقب بالمتوفى ، محمد بن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها عقب محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمد بن اسحق بن عبدالرحمن ابو عبدالله المناشكى النيسابورى ، محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمد بن اسحق بن النعمان النيسابورى ابو عبدالله الصفار ، محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيشابورى ، محمد بن اسحق بن الصباح ابو عبدالله التاجر النيسابورى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو العباس السيهيقي الزاهد ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو عبدالله الصيدلانى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالرحمن المدينى ، محمد بن ابراهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمد بن ابراهيم بن مقاتل بن صالح المبكى النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم الاصهائى نزيل بنشابور ابوبكر محمد بن ابراهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالله الحشاب ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن قطبه القيسى ابو عبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

محمد بن جعفر بن ابرهيم بن مسلم النيسابورى ابو جعفر ، محمد بن حميد ابو عبدالله
 القهستاني نزيل بنشابور ، محمد بن جعفر بن محمد بن يزيد الشعراني ابو عبد النيشابورى
 الازاروارى قرية من جوين هويروى هذا الشعر عن اعرابى :

يا فالح الاصباح انت ربي وانت مولايى وانت حسبي

فاصلحن باليقين قلبى ونجنى من كرب يوم الكرب

محمد بن حمدان بن مهران المهراني ابوبكر النيسابورى سماعه
 كله بنيسابور ، محمد بن حبيب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن
 الحسن بن عبيداله بن محمد بن طغان الترك النيسابورى ، محمد بن الحسن ابو على
 الحيرى ، محمد بن الحسين بن عمارة ابو عبد النيسابورى المقرئ من المدينة الداخلة ،
 محمد بن الحسن بن هشام الحيرى ابوبكر النيسابورى ، محمد بن محمد بن الحسين بن
 معاذ النيسابورى يلقب بحموية الطويل محمد بن حامد بن محمد بن ابرهيم النيسابورى
 ابوبكر الحيرى ، محمد بن الحميد البزاز النيسابورى ، محمد بن الحسن بن الحسن ابوبكر
 النيسابورى ويعرف بابى بكر بن ابي على البرزعى ، محمد بن الحسن ابو عبدالله الزمجارى ،
 محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندى ، محمد بن خالد ابوبكر القاضى الرازى نزيل
 بنشابور ، محمد بن خشنام بن سعد ابو عبد الرحمن النيشابورى ، محمد بن داود بن
 يزيد بن حازم ابوبكر الرازى ، محمد بن دلويه ابوبكر النيشابورى ، محمد بن ابي ذرة
 القارى النيسابورى ، محمد بن دلويه بن عبدالله النيسابورى ابوبكر الخراز ، محمد
 بن درست الزاهد ابو عبدالله النيشابورى شيخ قديم ، محمد بن رومى النيسابورى ،
 ابو عبدالله شيخ صاحب اخبار وحكايات ، محمد بن مسيح بن سريع ابو مسيح العامرى
 الترمذى ، محمد بن روح النيسابورى ابو احمد الاستوايى شيخ قديم ، محمد بن رزام
 ابو احمد الهروى الفقيه الاديب من اجله اهل البلد ، محمد بن زياد النيسابورى ابو
 عبدالله الفقيه البرديعى و كان من الزهاد والفقها ، محمد بن زكريا بن قميم

ابو عبدالله النيسابورى محمد بن زنجويه بن الهيثم بن عبدالله القشيرى ابوبكر النيسابورى ،
 محمد بن زكريا بن الحسن بن زكريا الشيبانى النيشابورى ابو عبدالله الرقيانى ، محمد
 بن سعدويه النيشابورى ابو على البيهقى ، محمد بن سفيان بن عبدالله بن سان النيشابورى
 ابو عبدالرحمن و منزله جندياويه ، محمد بن سهل بن عبدالله ابوتراب القهستاني ،
 محمد بن سهل ابوتراب الطوسى ، محمد بن سليمان بن فارس النيسابورى ابو احمد
 الدلال ، محمد بن سليمان بن مهران النيسابورى ابى بكر ، محمد بن سليمان بن
 خالد العبدى ابو عبدالله النيسابورى شيخ مشهور من ميدان زياد ، محمد بن شهيل
 بن الاصبهد الحرس ابو عبدالله النيسابورى من محله جنجورد ، محمد بن سليمان بن
 يوسف السليطى ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن سهل بن عبدالله النيسابورى محمد
 بن سعيد بن محمد المرزى ابو عبدالله البورقى حدث بنشابور بحمله من المناكير من
 قوم مجهولين فروى عنه جماعات من شايخنا وامسك جماعة وقد وضع من المناكير
 على التقات مالا يحصى وافحشها روايته عن بعض مشايخه عن الفضل بن موسى الشيبانى
 عن محمد بن عمرو عن ابى سلمه عن ابى هريره عن رسول الله صلى الله عليه وسلم كما زعم
 انه قال سيكون فى امتى رجل يقال له ابو حنيفة هو سراج امتى هكذا حدث فى بلاد
 خراسان ثم حدث به فى بلاد عراق باسناده وزاد فيه انه قال سيكون فى امتى رجل
 يقال له محمد بن ادريس فنتته على امتى اضر من فنتته ابليس فكل من حدث بهذا الحديث
 فانه فى النبى عليه السلام من جمله من قال فى حقهم من حدث عنى بحديث يرى انه
 كذب فهو احد الكاذبين ؛ محمد بن سهل المرزى ، محمد بن سعيد بن غالب النيسابورى
 ابو عبدالله ، محمد بن شادان النيسابورى ، ابو سعيد الاصم الجند فرخى الشيخ الفهم
 المتقن المقدم وجند فرح قرية على فرسخ من البلد وكان لا يدخل البلد الا فى الجمعات
 ويحدث فى قريته وتوفى رضى الله عنه سنة ست وثمانين مائتين ، محمد بن شادان بن

على النيسابورى ابو العباس الضرير كف بصره بعد الثمانين ، محمد بن شعيب بن محمد
 بن المغيرة بن بكر السلمى النيسابورى ابوبكر الجنجرودى ، محمد بن شعيب بن على
 ابوبكر النيسابورى ويلقب بالصر ، محمد بن شادان بن اسمعيل النيسابورى ابو العباس ،
 محمد بن شاد بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن شهر يار النيسابورى ، محمد
 بن شعيب بن صالح النيسابورى ابو عبدالله القصرى و يقال انه من قصر عبدالجبار ،
 محمد بن الصباح النيسابورى ابو عبدالله الخياط ، محمد بن صالح بن جميل ابو الحسن
 الطوسى محدث كثير ، محمد بن صالح بن يونس النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن
 صالح بن الهيثم القشيري ابوبكر النيسابورى من محله ملقباد ، محمد بن طيفور
 الزاهد ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامير ابو عبدالله
 النيسابورى وتوفى ببغداد ، محمد بن عبدالسلم بن بشار ابو عبدالله النيسابورى المعروف
 بالوراق كان موزق على اسحق بن راهويه و كان من العباد ، محمد بن عبدالله بن
 يوسف بن خرشيد النيسابورى ابو عبدالله الديبرى و دبير قرية على فرسخ من البلد ،
 محمد بن عبدالله بن المبارك الخياط النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن اسحق الحوار
 ابو عبدالله الطوسى ، محمد بن عبدالملك بن سلمه النيسابورى ابو عبدالله القشيري ،
 محمد بن عبدالله بن حامد النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن الجنيد النيسابورى ابو
 عبدالله ، محمد بن عبدالله بن القسم ابو عبدالله العمري ، محمد بن عبدالله العاملى ابو
 عبدالله النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن يزيد الرازى ابوبكر سكن نيشابور ، محمد
 بن عبدالله بن عمرو المروزي ، محمد بن عبدالصمد النيسابورى ابوبكر الاسفراينى
 محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروى ابو الحسن المخلدى ، محمد بن عبدالملك
 بن سلمه النيسابورى ، محمد بن ابى عياض النيسابورى ، ابو عبدالله الواظ الزاهد ،
 محمد بن عيسى النيسابورى نزيل مكة ، محمد بن على بن ابراهيم ابو عبدالله الحافظ

المروزى ، محمد بن عمر بن هشام الحافظ ابوبكر الرازى وتوفى بمرور ، محمد بن
على بن علوية الفقيه ابو عبدالله الجرجانى الرزاز من ائمة عصره للشافعيين ، محمد بن
عمرو بن سليمان بن عبدالرحمن بن عبدالله النيسابورى وهو ابوبكر بن عمرو به الملقابادى ،
محمد بن عمر بن العلاء العامرى ابو عبدالله الجرجانى الصيرفى ، محمد بن على بن الحسن
النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرود السعدى توفى فى -
البادية ، محمد بن عمرو بن جبريل النيسابورى من رستاق ييهق ، محمد بن عمرو بن
خالد ابوبكر البلخى ، محمد بن على بن الحسن ابو عبدالله المرقدى ، محمد بن على بن
رافع التميمى الحافظ ابوبكر البلخى ، محمد بن العباس بن الحكم المروزى ، محمد بن
عبدربه النيسابورى ، محمد بن على بن سعيد بن جرير النسوى ابو عبدالله ، محمد بن
على بن عثمان بن حمزة الانصارى ابو عبدالله المدنى ، محمد بن على بن الحسن بن خليل
النيسابورى ابو عمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمد بن عبدالله النيسابورى
محمد بن عبدالله بن مهدى بن ابي المهدى النيسابورى ابوبكر الشعرائى من قصبه المهرجان
كثير الرحلة والحديث ، محمد بن ابو عبيدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادى ،
محمد بن عمرو بن الربيع بن سليمان الطافى ابو عبدالله الطوسى ، محمد بن على القاضى
ابو عبدالله المروزى الملقب بالخياط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نيشابور ، محمد
بن على بن ابراهيم المروزى ابوتراب ، محمد بن العباس بن يوسف بن القسم بن سليمان
بن سليط النيسابورى من المدينة الداخلة ، محمد بن على العمري ابو جعفر الشافعى
سكن بنشابور ، محمد بن فراس ابو عبدالله الاسفراينى النيسابورى ، محمد بن الفضل
محمد بن الطيب ابو الحسن النيسابورى و ملقب بفوز البشتى ، محمد بن فوز بن عبدالله
بن مهدى النيسابورى ابوبكر العامرى ، محمد بن الفضل بن عصمة النيسابورى ، محمد
بن قتيبة بن عبدالله بن موسى النيسابورى ابوبكر الاسفراينى ، محمد بن القاسم ابو نعيم

صاحب الرباط هراوه ، محمد بن قبيصته اللقبادى ابوبكر النيسابورى ، محمد بن كرام العابد ابو عبدالله السحرى وقيل انه من بنى قرار مولده بقرية من قرى زرنج و نشأ بسجستان وحصل عند احمد بن حرب فى خراسان ، محمد بن الليث ابو عبدالله النيسابورى محمد بن محمد بن رجا بن الستدى ابوبكر النيسابورى من اهل اسفراين ، محمد بن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابورى ابو عبدالله الارغنانى وكان من العباد المحتهدين ، محمد بن المنذر بن سعيد بن عثمان الهروى ابو عبد الرحمن شكر ، محمد بن ماهان الجوينى ، محمد بن منصور النيسابورى من اهل اسفراين ، محمد بن محمد بن شاد النيسابورى ابو عبدالله الرادسانى ؛ محمد بن محمد بن سعيد بن عبد الحميد الانصارى ابونصر المقيم بنشابور ، محمد بن موسى الواسطى ابوبكر الصوفى صاحب الاحوال قد سكن بنيسابور مدة ثم سكن بمر و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفى بها ، محمد بن مهران النيسابورى ، محمد بن مصر بن معن المروزى ابومضر الرباطى صاحب الاخبار والحكايات ، محمد بن نصر الامام ابو عبدالله المروزى الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث فى عصره بلامدافعه وتوفى بسمرقند فى المحرم سنة اربع و تسعين ومائتين وقيل رجال خراسان اربقه ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابراهيم الحنظلى و ابو عبدالله محمد بن مضر المروزى ، محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابورى ابوبكر المدنى وذلك ان منزله ومسجده فى المدينة الداخلة فنسب اليها من اعيان المحدثين الثقات الإنبات ، محمد بن النصر بن سلامة الحرود بن يزيد ابوبكر الجارودى شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالاً ونروة وخططة المشهورة ومسجده فى المربعة الصغيره والجارود جدايه صاحب ابى حنيفة ، محمد بن نصر الفراء النيسابورى محمد بن هاشم بن زياد الترمذى ، محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندى

الكاغذى ابونصر ، محمد بن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى
المربعه منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث، محمد بن يحيى بن خالد بن مهران
النيسابورى ابوبكر الاعوج، محمد بن ابى يزيد بن صالح الفراء النيسابورى ابواحمد بن
ابى خالد ، محمد بن ياسين بن النصر بن سليمان بن ربيع الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى
محمد بن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمد بن يحيى بن
خالد ابويحيى المروزى ، محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمد بن يحيى بن
مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمد بن يوسف بن معقل ابو عبدالله النيسابورى
الاموى ، محمد بن يوسف بن سعيد ابو حمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الحطمي
ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابو عمران البراز ،
موسى بن محمد بن موسى النيسابورى الذهلى ابو عمر والاعين ، موسى بن عبدالمؤمن
النيسابورى ابو العباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن
عبدالرحمن النيسابورى ابو عمران اليبهقى مضارب بن ابراهيم النيسابورى ، ابو الفضل
الاديب وكان اوحد عصره بنيسابور فى الادب والخو ، مذكور بن الحارث النيسابورى
ابواليث البوزجاني ، مطهر بن محمد بن يحيى النيسابورى ، ابو على منصور بن على
بن عبدالله النيسابورى ابونصر السختيانى ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن
محمد بن احمد بن ماهان ابو العباس البلخى ؛ مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسدد بن
قطن بن ابراهيم النيسابورى ابو الحسن التشيرى وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد
والورع واكبريت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً، موقل بن الحسن عيسى بن
ماسر خسى النيسابورى ابو الوفا الماسر خسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال
عقل وكرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرئ ،
محمود بن عبدالرحمن البلخى مقبل بن رجالطوسى ، محبيب بن ابراهيم بن سليمان بن

خالد العبدى النيسابورى الميدانى ، نصر بن بشر النيسابورى ، نصر بن محمد بن
الحرث بن نصر بن المفلس النيسابورى ابوالليث ، نصر بن عمار بن يحيى بن العباس
بن عبدالرحمن بن سالم الخرزجى ثم الانصارى النيسابورى ابوالليث ؛ نصر بن
احمد بن اسد بن نوح ابوالليث السامانى الامير وهو اخو الامير الماضى اسمعيل بن احمد
واكبر الاخوه نصر بن احمد بن نصر الحافظ ابو محمد الكندى البغدادى اخو ائمة الحديث
ويعرف بنصر كالبغدادى؛ النصر بن سلمة بن عبدالله النيسابورى اللغوى ابوسامة التميمى
محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابواسمعيل نعيم بن الفضل ابوالفضل النيسابورى ؛
هارون بن عبدالصمد بن عبدوس بن حسان النيسابورى ابو موسى الدخى ، هارون بن
هشام النيسابورى ابو موسى الاستواي ، هارون بن محمد بن منخل بن قاسم القرسى
ابوموسى النيسابورى ، همام بن احمد بن يزيد بن عبدالله النيسابورى ابو احمد العابد،
يحيى بن منصور الزاهد الحافظ ابو سعيد الهروى امام بلده فى عصره ، يحيى بن زكريا
بن حرب النيسابورى ، يحيى بن زكريا بن يحيى النيسابورى ابو زكريا الاعرج ؛ يحيى
بن عبدالله بن سليمان النيسابورى ، يحيى بن عمر النيسابورى يحيى بن مختار النيسابورى،
يحيى بن زكريا بن يحيى بن ناصح التميمى النيسابورى يحيى بن محمد بن حماد بن داود
الثعلبى الكوفى سكن نيشابور ، يحيى بن محمد بن غالب ابو زكريا العابد النسوى ،
يحيى بن نوح بن عمر ابو زكريا العابد النيسابورى ، يحيى بن المثنى النيسابورى
ابوزكريا الشعار، يعقوب بن يوسف بن يعقوب النيسابورى ابو يوسف السوسى من كبار اهل
نيسابور من بيت العدالة والثروة، يعقوب بن سليمان النيسابورى ابو يوسف الاسفراينى ،
يعقوب بن يوسف بن يعقوب النيسابورى ابو يوسف الاخرم الشيبانى الفقيه ؛ يعقوب بن
يوسف بن معقل بن سنان الاموى النيسابورى ابو الفضل الوراق ولد ابى العباس الاصم
والخطه منسوبة اليه يقال سكه يعقوب الوراق فى محلة الزمجار ، يعقوب بن اسحق بن

ابراهيم بن يزيد النيسابورى ابو عوانة الاسفراينى من علماء الحديث ومن الرحاله فى اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبد الله بن خالد بن حموك ابو يعقوب المرورودى من اعيان محدثى خراسان المشهورين بالطلب والرحله وتوفى بمرورودى سنة ست وتسعين ومائتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابو عمر والنيسابورى نزيل بغداد يوسف بن الجوزجاني ابو يعقوب العابد النيسابورى ، يوسف بن ابراهيم النيسابورى ابو يعقوب الماكيانى ، يونس بن ابراهيم بن النصر ابو محمد النيسابورى .

ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث

فيها من علماء السلمين رضى الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابورى ابو حامد الاسفراينى ، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن موسى الحيرى ، احمد بن ابراهيم بن احمد بن حاجب النيسابورى ابو سعيد الحاجى وكان ملقب بحمدان ، احمد بن ابراهيم بن داود النيسابورى الميدانى من ميدان زياد وتوفى سنة خمس وعشرو ثلث مائة احمد بن ابراهيم بن شادان بن عبد الله النيسابورى ابو حامد الخفاف ؛ احمد بن اسحق ابو حامد البزاز النيسابورى ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النهسابورى ابو حامد المقرئ الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمد بن بشر بن محمود النيسابورى ابو يحيى الاسفراينى ؛ احمد بن جعفر بن مشكان النيسابورى ابو حامد الخفاف ، احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الوحامد الشيباني النيسابورى ، احمد بن حمدان بن على بن سنان النيسابورى الزاهد العابد ابو جعفر بن حمدان الحيرى وكان مجاب الدعوة وتوفى رضى الله عنه سنة احدى عشر وثلثمائة بنشابور قبل ابي بكر محمد بن اسحق بن خزيمة ، احمد بن حمدويه بن موسى النيسابورى ابو حامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكة خمس سنين احمد بن حامد بن ابي حامد ابو عمر

الشاشي ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو حامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمد بن عبدالله بن بكر بن جعد المذكر ابو حامد النيسابوري المعروف بالدقاق ، احمد بن جعفر بن عمير المرزوي ، احمد بن السري بن سهل النيسابوري ابو حامد الجلاب وكان مسكنه كالماباد ، احمد بن سعيد العابد النيسابوري ، احمد بن شادان بن محمد النيسابوري ابو العباس الاسفرايني ، احمد بن عبدالرحمن بن محمد بن نصر النيسابوري احمد بن عبدالرحمن ابو حامد السرخكي وهي قرية على باب البلد ، احمد بن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو بكر الجودي ، احمد بن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابوري ابو حامد الجلودي ، احمد بن علي بن الحسين بن شهر يار الحافظ النيسابوري المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا في عصره وكان ابوه من الري سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مات في سنة خمس عشره وثلثمائة بالطابران من طوس و هو اربع وخمسين سنة ، احمد بن عبيد بن عبدالعزيز ابوطاهر النسوي ، احمد بن عبدالله ابو حامد الذهلي النيسابوري احمد بن محمد بن الحسين الحافظ ابو حامد بن اشرقي النيسابوري صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره في المفرقه ومات في رمضان سنة خمس وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة شاهنبر والخطبة المشهوره بالشرقيين في اعلى الزمجار ، احمد بن محمد بن همام ابو الحسين النيسابوري ، احمد بن محمد بن سعيد النيسابوري ، ابو بكر بن ابي الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمد بن اسحق ابو حامد الوراق النيسابوري ، احمد ابو علي النيسابوري احمد بن محمد بن حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوشي ابو حامد سكن بنشابور وقال العاظم واظنه نيسابوريا ولي قضا طوس ونسب اليها ، احمد بن محمد بن يحيى النيسابوري ابو الحسن الرازي احمد بن محمد بن علي الفقيه ابو خاتم النيسابوري و يعرف بالسعري ، احمد بن محمد بن ابو حامد الغازي ، احمد بن محمد بن رنحويه الموازيني ، احمد بن

محمد بن ادم الساسی، احمد بن محمد بن عبدالرحمن بن سر الحکیم العبدی، احمد بن محمد بن
الحسین النیسابوری ابوالحسین الحداسی، احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص
محمد النیسابوری ابوعمر والسمسار وکان من المتعصین لاهل السنه الباذلین للمال و
الجاه وکان ابومجاب الدعوة، احمد بن محمد بن موسی النیسابوری ابو حامد القلاسی،
احمد بن محمد بن یحیی بن بلال البزاز ابو حامد المعروف بالخشاب النیسابوری مدفون
فی باب معمر، احمد بن محمد بن اسحق بن ابرهیم بن عمار الخزر جی ابوعمر والمزکی
احمد بن محمد بن الحسین بن قریش الماهیانی ابونصر المروزی الغازی سکن بنیسا بور
حتى مات بها، احمد بن محمد بن حمدان المؤدب ابو حامد النیسابوری، احمد بن
محمد بن صالح النیسابوری، احمد بن محمد بن عبدالله النیسابوری ابو عبدالله العمری،
احمد بن منصور المروزی الاحول، احمد بن محمد بن معروف النیسابوری، احمد بن
نصر بن محمد بن اشکات التجاری ابونصر الزعفرانی، احمد بن یونس بن ابرهیم بن
النصر النیسابوری ابوالعباس، احمد بن یوسف الصابونی الفقیه ابوالحسن المناظر،
احمد بن یحیی بن سعید النیسابوری ابو حامد الکردی، ابرهیم بن محمد بن نصر النیسابوری
ابواسحق الکرامیسی، ابرهیم بن الحسین بن محمد ابواسحق المقری، ابرهیم بن
محمد بن ابرهیم ابواسحق النیسابوری الفقیه وکان یعرف بالخدامی من باب عروه سکة
خدام وهو من اجلة الفقها لاهل الرأی، ابرهیم بن احمد بن محمد النیسابوری ابواسحق
السختیانی، ابرهیم بن اسحق بن ابرهیم الادیب النیسابوری ابواسحق المروزی، ابرهیم
بن محمد بن مرشد النیسابوری ابواسحق المعدل النیشابوری، ابرهیم بن ابی مطیع
ابواسحق النیسابوری القطان، ابرهیم بن محمد بن قمیصه ابواسحق النیسابوری،
ابرهیم بن محمد ابواسحق النیسابوری المعروف بالایوردی، ابرهیم بن احمد بن
الحسن ابواسحق النیسابوری المعروف بالبغدادی، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم بن شداد

النيسابورى ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابراهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ،
 ابراهيم بن محمد ابواسحق الرئيس البسطامى سكن بنسabor بباغ المدارس وبها مدرسته
 وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابراهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن
 العادل ولى بنسabor سبع ستين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنه
 خمس وثلثين وثلثمائه ابراهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر
 العرش ابواسحق العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابراهيم بن عمال
 الخرزجى الانصارى ابو محمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن عبدالرحمن النيسابورى
 اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابو عبدالله الزمجارى ، اسحق بن ابراهيم
 بن عبدالملك النيسابورى ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى
 بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو يعقوب
 الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابو يعقوب الوراق النيسابورى وكان من الصالحين ،
 الياقوت بن محمد بن يوسف بن حفص ابو يحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحسين القاضى
 الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابو نصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن
 الفضل بن اسحق توفى عمى ابو النصر سنه ثلاث وعشرين وثلثمائه يروى عنه هذا البيت ،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده فلم يبق الا صورة اللحم والدم

وكاين ترى من ساكت لك معجب زيادته او نقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابو على بن ابو بكر الحنالى الرازى وقد روى وحدث
 بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى ، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى ، جعفر بن
 محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابو محمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد
 النيسابورى جعفر كى الغازى ، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى ابو على الجنابدى
 ولى قضا بنسabor ، الحسن بن محمد بن ابراهيم ابو طاهر الجنابدى النيسابورى ، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادى السمسار وكان من العباد الحسن بن محمد بن بكر النيسابورى ابو على بن خان يحيى بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى ابو على الشعيرى المعروف بحسن الوكيل، الحسن بن على بن الحسين جعفر النيسابورى ابو على من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى ابو على المسواق القنطرى، الحسن بن محمد بن ياسين بن النصر الباهلى النيسابورى، الحسن بن محمد بن قيس بن صالح النيسابورى ابو على البزاز، الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن جندل النيسابورى ابو على القهستاني نزل ابوه بنسabor، الحسين بن محمد بن هارون ابو على النيسابورى، الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابورى ابو على السمسار وكان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحديث والرحالة، الحسين بن فوران النيسابورى، الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى ابو على الانماطى، الحسين بن نصر النيسابورى ابو على البارى وبارقية من قرى بنسabor، الحسين بن هارون ابو على المراغى من الرحاله فى طلب الحديث و توفى بنسabor سنة خمس عشره و ثلثمائه، الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى ابو على الصفار، الحسين بن بحر بن عبدالله المعلم النيسابورى ابو على المعروف بالصوفى، الحسين بن محمد بن محمد سام التميمى ابو على الحاكم البخى، حميد بن محمد بن على الشيبانى ابو عمر و النيسابورى يعرف بحميد الصبى، حامد بن محمود بن معقل النيسابورى ابو محمد القطان حامد بن محمود محمد النيسابورى ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثم الشاهد و مسكنه سنكة سکش، حامد بن احمد بن محمد بن حبيب ابو احمد المروزى، حامد بن ابى حامد الاشروسنى حدث بنسabor، حوتره بن محمد النيسابورى ابو محمد البرنودى خلف بن حنظلة بن خاقان السرخسى ابو محمد، زكريا بن محمد بن اكار المعدل النيسابورى ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد، زيد بن يحيى بن الحسين العامزى النيسابورى

ابوالحسين من محله دروان كوس ، سلمين بن داود بن عبدالله النيسابورى ابويوب و يعرف بابن داود النسوى و كان ابوه نزل بنسبور ، سهل بن عبدالله ابوحاتم السجستاني ، سفيان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابورى ابوالفضل الجوهري و كان من المشهور بطلب الحديث بخراسان والعراق ومن اهل الثروة والافضال على اهل العلم رحمة الله ، سلمه بن النصر بن سواده بن عقيل القشيري ابوالنصر النيسابورى من باب - الدبير ، صالح بن نوح بن منصور النيسابورى ابوالفضل الفرهاد جردى ، صديق بن عبدالله الرادساني النيسابورى ، طاهر بن يحيى بن قبيصة النيسابورى ابوالطيب البلغى ، عبدالله بن محمد بن عمر النيسابورى ابو محمد العطرى ، عبدالله بن محمد بن ابراهيم النيسابورى ابو محمد الزوزنى ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هو ابو بكر بن سالم بن عبدالله عمر بن الحظاب العدوى ابو محمد الجوهري و منزله فى سكه حمدان

قال الحاكم رحمة الله و منزل ابي ايضا سكه حمدان و مسجد و مسجدا بى الذى كان عليه الميذنة قديما و قال ابي توفى عبدالله اخى من الرضاعة سنه خمس عشر و ثلثمائه ، عبدالله بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خويلد الخزاعى ابو بكر النيسابورى عبدالله بن الحسين بن محمد النيسابورى ابو بكر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشيري النيسابورى ابو محمد الدهان ، عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النيسابورى ابو بكر الشافعى سكن بغداد و كان امام الشافعيين فى عصره ، عبدالله بن محمد بن مسلم النيسابورى ابو بكر عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرماخ الطوسى ابو محمد و كان من اعيان المحدثين فى - عصره ، محمد بن على بن طرخان الباهلى ابو بكر البلخى محدث بلخ فى عصره ، عبدالله بن محمد بن منازل النيسابورى ابو محمد الصوفى المجرد على الصحة والحقيقه لاعلى مجرى العاده و توفى رضى الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنه احدى و ثلاثين و ثلثمائه و دفن فى قبره شاهنبر ولد حالات عجيبه قال ابو عبدالله الملقابادى

عاولت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابو علي الثقفي و كنا نجتمع و يذكره
فضل الحنيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه و عبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد
فقلت انا و ابو علي الثقفي و قلنا لعبدالله قم بنا ترورا بالقاسم فقال اذها بآتما فقلنا لا تجئني
فقال لا فتعجبنا و ذهبا اليه فزادت مشاهدته على ما كان عندنا من اخباره فقال لنا هل
صبحكما غير كما قلنا بلبل هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا
قلنا لعله فقال اذا نصرفتما الى فاسئلاه ان يصبحكما قلنا نعم انصرفنا اليه و قصصنا عليه
ما سمعنا و وصفنا فلم يتكلم بشئ الى ان اصبحنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم
فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذي منعك عن زيارة هذا الشيخ فقال لا بد ان اخبركم
قلنا لا قال ان كان امر ابي القاسم على ما وصفتموه فمما مثل ما تسمعون منه الامثال لطعام
الطيب تيناوله الرجل ثم يخرج فضله على ما ترون و كذلك علم المعرفة انما يلقي الحق
الى من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا باراداه فلان اكون
منحوس الخطه بالكليه من ابي القاسم اخب الى من ان اكون مغبونا آخذ منه اردي
ما لقي و يبقى طيبه عنده فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابي القاسم و رحب
بنا و سالنا عنه فقصصنا عليه القصة فبكى ابو القاسم حتى كاد ان يغشى عليه و سكنت ذلك
اليوم و لم ينطق الى ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابوري ابو محمد الرلعي ،
عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابوري ابو محمد العابد ، عبدالله بن محمد بن
ابراهيم البحاري ابو محمد الداعوني ، عبدالله بن حمشاد بن حنبل بن عمران بن حماد
ابو عبد الرحمن المطوعي من سكة نوند ، عبدالله بن حميد بن معقل القنطري ، عبدالله
بن سعيد النسوي ، عبدالله بن احمد النيسابوري ابو محمد الوبيري ، عبدالله ابن
عبد الرحمن بن الحسين القاضي بن القاضي ابو القاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب
ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن سعيد مخلص الطوسي نزير بن سابور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابورى ابو محمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن يعقوب البخارى ابو-
محمد الفقيه الكلابادى المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين
الماسر خسى ابو محمد النيسابورى ، عبدالله بن اسحق بن يعقوب الكرمانى وغيره ،
عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقى ابو محمد النيسابورى اخوايى حامد وكان
اسن منه وامند منه ، عبدالله بن فارس بن محمد بن على البلخى ابو ظهير العمري ، عبدالله بن
ابى صالح المذكر ابو عبدالرحمن الزاهد المتكلم وكان من المجتهدين فى العباده
ولكن انه راي ، راي القدر ، عبيد الله ابراهيم بن بابويه النيسابورى ابو القاسم مزكى
عصره ومن اعيان المشايخ ومسجده المعروف فى سكه معقل ، عبيد الله بن محمد النيسابورى
المعروف بعبدالوراق ، عبيد الله بن يعقوب بن يوسف الرازى ابو القاسم الواعظ وتوفى
بنيسابور ودفن فى مقبره باب معمر ، عبدالرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن احد
النيسابورى ابو القاسم المذكر الواعظ الاديب الاوحد فى عصره فى صنعته بلا مدافعه
وله كرامات مشهوره رضى الله عنه ، عبدالرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسى
المذكر ابو بكر سكن بنسابور الى ان توفى بها ، عبدالرحمن بن محمد بن سليمان
النيسابورى ابو محمد من قريه بغوحك ، عبد الرحمن بن محمد بن علويه الابهرى
ابو بكر القاضى ولى قضاء طوس وايه رد ، عبد الواحد بن سعيد النيسابورى ابو احمد-
الارغيانى ، عبدالعزيز بن الحسن ابو بكر البردعى العابد ، عبدالعزيز بن محمد الخشاب
ابو عمر النيسابورى وكان من الزهاد يسكن سكة تنكش ، عبد الملك بن محمد بن عدى
الجرجاني ابو نعيم الفقيه الاستر آبادنى ، عبد الواحد بن محمد بن احمد بن بابويه النيسابورى
ابو الحسن البالوى الحيرى ، عبد الواحد بن محمد النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد
النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد بن هانى ابو حاتم شيخ ال هانى و اشتغل بالفتوة
فصار اوحد اهل بلدنا فيها ، عمر بن على بن عبدالرحمن الجوهري ابو حفص المروزي
المعروف بابن علق ، عقيل بن اسحق ابو حاتم النيسابورى المعروف بعقيل القنارزى

على الوراق وهو ابن محمد بن احمد بن علي بن عبدالله بن نور النيسابوري ابو محمد من سكه غاصم ، علي بن ابي علي النيسابوري ابو الحسن الزيقى ، علي بن نصر بن عماد الخزر جى ابو الحسن المعروف بابن الحسنك ، علي بن ابراهيم بن معاويه النيسابوري ابو الحسن المعدل وكان من الصالحين ، علي بن محمد بن محمود النيسابوري ابو الحسن الضرير ، علي بن محمد بن احمد النيسابوري ابو الحسن القاضي من راس جوض ابي العنبر ، علي بن الفضل بن طاهر البجلي ابو الحسن الحافظ ، علي بن الحسين بن محمد بن حمدويه السنجابى المروزى ، علي بن قاسم بن علي النيسابوري ابو الحسن الخوافى الاديب الشاعر . علي بن العباس بن سهل النيسابوري ابو الحسين المذكر ، علي بن الحسين الانماطى ابو الحسين النيسابوري ، علي بن محمد الطلحى الكوفى ابو الحسين نزيل بنسبور ، علي بن محمد بن اسحق المروزى ، علي بن سهل بن مصلح النيسابوري ابو الحسين ، عبدوس بن الحسين بن منصور ابو الفضل النصر آبادى ، عمرو بن عبدالله بن درهم النيسابوري المطوعى الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصرى ، عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوى ابو القاسم نزيل بنسبور ، العباس بن الفضل بن الحسن النيسابوري ابو الفضل المحمّد آبادى ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النيسابوري ابو الفضل الفريد آبادى وهى قريه بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النيسابوري ابو الفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابو الفضل الاصهبانى نزيل بنسبور ، العباس بن ابراهيم بن العباس النيسابوري ابو الفضل هذا شيخ من اسفراين من قرية كوران ، عمران بن موسى بن حصين السنجى نزيل بنسبور ، عباس بن حمويه بن احمد بن نصر بن زياد القاضي ابو فضل المستملى ، فضل بن محمد بن عقيل بن خويلد النيسابوري ابو العباس و يلقب بفضلان الخزاعى و خطتهم برأس سكته حرب مشهوره ، الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النيسابوري ابو العباس الكراميسى ،

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابورى ابو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابو العباس السلمى وهى اكبر ولد الامام ابى بكر ، القاسم بن عمر بن سلمين ابو محمد النيسابورى اخو ابى العباس الكوكنى ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين بن اسلم النيسابورى ابو محمد الاسامى من باب معمر من سكه ابى دز، ليث بن محمد بن ليث بن عبد الرحمن المروزى ابو نصر الكاتب ، محمد بن على بن ابى طالب بن زياد ابو جعفر القزوينى ، احمد بن الحسين النيسابورى ابو احمد بن ابى العباس الماسرخسى ، محمد بن عبد الوهاب الثقفى ابو على الامام المتقدى به فى الفقه والكلام والوعظ والورع والعقل والدين

قال الحاكم سألت ابا محمد عبدالله بن محمد الثقفى عن نسبة جده فالسمعت جدى ابا على ينتسب ابا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن عبد الوهاب بن عبد الاحد بن ابى بن كعب و هو محمد بن الحجاج بن يوسف بن الحكم و ينتسب الى مصر وقال كان ابى عبد الوهاب امير قهستان فى عهد عبدالله طاهر فولدت بقهستان سنه اربع واربعين وماتين وقال ابو محمد توفى جدى ابو على رحمه الله ليلة الجمعة و دفن يوم الجمعة الثالث والعشرين من جماد الاولى سنه ثمان وعشرين وثلثمائه ودفن فى مقبرة قز، وهى ابن تسع وثمانين سنه رضى الله عنه وارضاه وحالاته مشهوره ، محمد بن جعفر بن ورنه النيسابورى ابو عبدالله المازنى محمد بن محمد بن سعيد النيسابورى ابو العباس البخترى ، محمد بن زكريا النيسابورى ابو بكر الكاغذى من مصنفى الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل ابو بكر القطان اسند اهل نيسابور فى مشايخ النيسابور بين فى عصره ، محمد بن حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابورى ابو بكر بن ابى حاتم السلمى من اعيان المحدثين وتوفى رحمه الله ربيع الاخر سنه عشرين وثلثمائه ودفن فى مقبره الحيرة ، محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابورى ابو احمد البراز مسجده وداره فى ميدان

زياد، محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابورى الفقيه ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد،
محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبرى ابو عبد الله النيسابورى وكان من اعيان
وجوه نيسابور، محمد بن عبد الرحمن الاصبهانى ابو جعفر الارزنانى من الحفاظ الاثبات،
محمد بن محمد بن يوسف قاضى القضاة بخراسان ابو ذر البخارى محمد بن خالد بن احمد
الذهلى الامير، محمد بن على بن زياد النيسابورى ابو الفضل السمدى، محمد بن حمويه بن
عباد النيسابورى ابوبكر طهمان محمد بن الرومى ابو عبدالله الزمجارى، محمد بن ابراهيم
بن عبدويه بن سدوس بن على بن عبدالله الهذلى ابو عبدالله العددى النيسابورى المعروف
بكثره السماع والرحله والتصنيف، محمد بن حمدويه بن سهل الغازى ابو نصر المطوعى
المزورى، محمد بن الحسن بن اسحق النيسابور ابو جعفر الصوفى ويقال له الاصبهانى لان
اباه من اصبهان، محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروى، محمد بن
شريك بن محمد ابوبكر الاسفراينى، محمد بن سعد بن حمدويه النسوى ابو عبدالله، محمد
بن عمران بن موسى النسوى ابو جعفر الشرمغولى قريه بنيسابور، محمد بن عبدوس بن
العلان النيسابورى ابوبكر الاهارى محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابورى ابوبكر
الكاتب ويعرف بالابرس ومسكنه محلة باب الديرو هو من اهل الصدق، محمد بن شعيب
بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى الفقيه ابو الحسن ابو الحسن العجلي البيهقى، محمد بن
هرون بن منصور النيسابورى ابو سعيد المسكى وكان من الاعيان فى الحديث والعقل
والثروة والسخا، محمد بن على بن الحسين البلخى ابو عبدالله الختائى، محمد بن احمد بن
ابراهيم ابوبكر النيسابورى الصوفى، محمد بن جعفر بن سليمان النيسابورى ابوبكر
الصيرفى محمد بن همام بن معوية النيسابورى ابو عبدالله المهلبى، محمد بن الحسين
بن اسحق المقرئ النيسابورى ابو عبدالله، محمد بن محمد بن صديق النيسابورى ابو حامد
محمد بن يحيى ابوبكر النيسابورى، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النيسابورى

ابوعمر والزمجاری ، محمد بن ابرهیم بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخاررنجی ،
محمد بن الفضل بن عبدالله النیسابوری ابوالفضل ، محمد بن اسمعیل بن عیسی النجرجانی
ابوعبدالله المستملی ، محمد بن یعقوب بن اسحق الجوهری ابوبکر النیسابوری ،
محمد بن عمرو بن سلمة بن هشام النیسابوری ابوبکر المزاز ، محمد بن ابرهیم بن شاذان
بن عقیل النیسابوری المذکر ابوبکر الاکارعی الشعرانی ، محمد بن احمد بن الحسن
بن زیاد التیمی ابوالفضل النیسابوری الزورابدی وخطه تم باب معاذ سكة الرشنه ،
محمد بن احمد بن فوران النیسابوری ابوبکر الدهان ، محمد بن ابراهیم بن فوران
النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن اسحق بن محمد بن ابوتراب الموصلی ، محمد بن
اسحق بن عبدالله النیسابوری ابواحمد الشاد یاخی ، محمد بن احمد بن زهیر
بن طهمان القیسی ابوالحسن الطوسی محدث کثیر الحدیث و التصنیف ، محمد بن
الحسن بن حمید بن معقل النیسابوری ابوبکر الصوام ، محمد بن علی بن حمویسه
النیسابوری ابوالعباس العطار ، محمد بن حسنویسه بن علی النیسابوری الشیخ الصالح
ابوبکر ، محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النیسابوری ابوعبدالله وکان دجاب الدعوة
رحمة الله محمد بن حمدان بن سهل بن دوسی النیسابوری ابوبکر الصانع ، محمد بن عبدوس
النیسابوری ابوعبدالله السیسر آبادی ، محمد بن علی بن الحسن النیسابوری ابو جعفر
النحتری ، محمد بن احمد بن عبدالوهاب النیسابوری ابوعبدالله التاجر ، محمد بن
هارون بن مطرف بن اسحق النیسابوری ابو جعفر و يعرف بابی المطرفی ، محمد
بن حسنویه بن اسمعیل النیسابوری ابوبکر الفانی ، محمد بن احمد بن الفضل النیسابوری
ابواحمد الشخانی ، محمد بن احمد بن اسمعیل الحثعمی وکان قاضی الری ، محمد بن
احمد بن عمرویه النیسابوری ابوعبدالله البیلی الشاهد ، محمد بن سلوان الکراییسی
ابوبکر النیسابوری ، محمد بن سهل بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المؤدب ، محمد بن

احمد بن الحسن النيسابورى ابوبكر الكاتب ، محمد بن احمد بن اسد بن مشكان النيسابورى ابو عبدالله المروزى ، محمد بن موسى بن معاوية النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن اسمعيل الطوسى نزيل نيسابور ، محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابورى ابو حاتم السخيتانى ، محمد بن عقيل بن فضاله النيسابورى ابوبكر ، محمد بن على بن الحسن ابو عبدالله البخارى ، محمد بن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزاعى البصرى ، محمد بن عبدالله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروى المزنى ، محمد بن جعفر ابو عبدالله القصاب النيسابورى ، محمد بن جعفر بن محمد بن نصرويه النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محموديه ابوبكر العابد النيسابورى ، محمد بن عبدالله ابو الفضل السخيتانى النيسابورى ، محمد بن الحسين ابو عبدالله الباغكى النيسابورى من محلة باغك ، محمد بن الحسن بن ابى سعد يحيى بن منصور ابو افضل الشهيد الحافظ الهروى ، محمد بن احمد بن حمويه ابو عبدالله المزورى ، محمد بن احمد بن هارون بن حنان النيسابورى ابو عبدالله القرشى ، محمد بن ابى سهل الرباطى المزورى محمد بن الحسين بن معاذ النيسابورى ابو الحسين المازلى ، محمد بن يعقوب بن داود الفارسى ابو عبدالله الموسد خابى ، محمد بن احمد بن هلال ابو النصر السمرقندى ، محمد بن يعقوب ابو جعفر الواغط الطبرى ، محمد بن عبد الرحيم الشاشى ، محمد بن حمويه النيسابورى ابو عبدالله الحزكى ، محمد بن محمد بن ابراهيم النيسابورى ابوبكر النسوى ، محمد بن الطمعون ابوبكر بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد الفقيه ابو العباس الدعولى امام عصره بخراسان اقام بنيسابور مستفيداً ، على بن محمد بن يحيى الذهلى وعبد الرحمن بشر واقران ماسنين وبعده محمد بن اسحق وابو العباس السراج ما كان احمد مثله ، محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابوبكر النيسابورى ، محمد بن الفضل بن محمد بن المسيب الشعرائى النيسابورى ابوبكر البيهقى ، محمد بن نصر بن عمار الانصارى ابوبكر النيسارى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزر جى الانصارى ابو لحسن النيسابورى

روى عن فضيل بن عياض وكنا نستطب اذا مرضنا فصار هلاكنا بيد الطيب فكيف
نجز غصتنا بشئى ونحن نقص بالماء الشريب، محمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى
ابوبكر الجلودى ، محمد بن احمد بن على الرئيس ابوالحسن ابن ابى عبدالرحمن
النيسابورى المعروف كان ابوه بابى عبدالرحمن العانخدى وكان ابى الحسن رئيس
بنيسابور فضايله كثيره رحمة له، محمد بن عبدالله بن محمد بن رجا بن سعيد بن علوان
الوريز ابوالفضل البلعمى رضى الله عنه واحد عصره فى الراى والعقل و اجلال العلم و
اهله ، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نى الطوسى سكن بنيسابور ،
محمد بن محمد ابو على القصاب الهروى، محمد بن على ابوبكر النيسابورى ابن اخت
مسلم بن الحجاج، محمد بن احمد بن محمد بن زياد النيسابورى ابواحمد الملقب وكان
وجوه البلد ، محمد بن يونس بن ابراهيم بن النصر بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله
المقرى الشعرانى ، محمد بن عثمان ابوالطيب القطان النيسابورى و كثر المقام
ببغداد محمد بن محمد بن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابى الطيب، محمد بن عمر -
بن جميل ابوالا حرز الطوسى الاصم ، محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى
ابوالحسن الصيدلانى ، محمد بن الحسين بن علا ابوالعباس الزبيرى النيسابورى من
المدينة الداخلة، محمد بن احمد بن على النيسابورى الاديب ابوبكر العجلي، محمد
بن على بن محمد ادريس النيسابورى ابو عمرو والمزكى، محمد بن قريش ابواحمد
المروروى شيخ بلده ، محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن ابواحمد الوراي
المعروف بالحافظ وكان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و
كان من نيسابورى من محله الحيرة ، محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابو على
الميدانى من ميدان زياد ، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبكر وكان من
المجتهد ين لا يشتغل الا بالصلوة والقراءة ولما توفي رغبت الخلائق فى الصلوة

عليه اكثر من الاعياد ، محمد بن الطيب ابوالنصر الكشتي الزاهد ، محمد بن علي بن الحسن بن مهران بن عفان النيسابوري الحافظ ابوبكر التجار ، موسى بن العباس بن محمد النيسابوري ابو عمران الجويني من ا زادوار و هو صنف على كتاب مسلم الحجاج ، مكى بن عبدان بن محمد بن بكر بن مسلم بن راشد النيسابوري ابو حاتم التميمي ، مسعود بن علي بن الحسن المروعي ابوالقاسم الجوال في طلب الحديث بمصر والحجاز ، معتز بن احمد بن يحيى الزمي من زم جيحون ابو احمد الحاجي ، محمود بن احمد بن عطا القهستاني نزيل نيسابور ، يحيى بن محمود بن عبدالله بن اسد النيسابوري ابو زكريا البرنودي ، يحيى بن عبدالرحمن النيسابوري ابو زكريا التيمي المعادي ، يعقوب بن محمد بن ماهان النيسابوري ابو يوسف الصيدلاني ، يعقوب بن اسحق بن الجعد النيسابوري ابو يوسف الجعدي شيخ من المشهورين يعقوب بن يوسف بن عاصم ابوالفضل العاصمي البخاري شيخ اهل بلدة في عصره ، يعقوب بن محمود المقرئ ابو يوسف النيسابوري من كبار القراء ، يعقوب بن يوسف بن يوسف ابو يعقوب المكاتب مرتع بشسفروش يوسف بن جميع النيسابوري .

قال الحاكم رضي الله عنه هذه اسامي المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان في اسامي الذين ادر كتهم ورزقت السماع منهم بنسابور من هذه الطبقة ايضا على الترتيب المذكور .

احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبدالرحمن بن نوح النيسابوري الفقيه ابوبكر ، الامام ، المفتي ، المتكلم ، الغازي ، الرئيس ، الزكي واحد عصره ، رضي الله عنه وتوفي شعبان سنة اثني و اربعين و ثلثمائة وهو ابن اربع و ثمانين و اشهر و مناقبه كثيرة من الفقه والاصول والحديث الفروسية مقدم في عصره في جمعها بلا مدافعه ، احمد بن ابراهيم المعدل الصيدلاني ابوبكر النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام اسماعيل النيسابوري

واحد عصره و شيخ الفقها والمحدثين و مات بجرجان، احمد بن اسحق بن عبدويه ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد الرازى ابوسعيد الصوفى نزىل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرئ نزىل بنسابور، احمد بن اسمعيل بن يحيى خادم الارزى ابو الفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد العرب، احمد بن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى و روجه من الرقه جاء ايام الظاهرية، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابو الحسن العبدوى النيسابورى الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوى .

احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الاصبهاني و كان مولده بنسابور، احمد بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابو حامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن يزيد العدل ابو الحسن النيسابورى والد ابى عمر والصغير، احمد بن بالويه ابو حامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادى اقام بنسابور مدة، احمد بن بسام ابو الحسين البغدادى. احمد بن جعفر بن سليمان ابو حامد البزاز النيسابورى من دارا بجرد، احمد بن الحسن بن منده ابو عمر و الاصبهاني نزىل بنسابور، احمد بن حسويه على اللباد ابو الحسين النيسابورى التاجر، احمد بن الحسن بن الحسين بن منصور ابو الحسين النصر آبادى النيسابورى، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان الاصبهاني القاضى ابوبكر الطوسى و توفى بنيسابور، احمد بن الحسين بن محمد بن على البلخى ابو احمد الفقيه الشافعى، احمد بن الحسين بن احمد بن عميد بن الحسين بن الضبى ابونصر المروزى، احمد بن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكر المقرئ النيسابورى امام عصره فى القرات و كان اعبد من رأينا من الفقرا و كان مجاب الدعوة، احمد بن الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن يزيد بن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

القاضي، احمد بن الحسين بن احمد ابو نصر الفقيه النيسابوري وهو ابن ابي علي الفامي، احمد بن الحسين بن محمد حمويه النيسابوري والحسين يلقب محكومه ابو نصر الوراق احمد بن الحسين بن علي قاضي القضاة بخراسان ابو حامد المزوري وكان ابوه همدانيا احمد بن الحسين الحافظ ابو الفضل الاديب الشاعر، احمد بن الحسين ابو بكر السروري المقرئ، احمد بن الحسين التاجر ابو العباس الرازي من اعيان كتبه الحديث، احمد بن الخضر بن احمد بن محمد بن عبدالله نهبك الشافعي ابو الحسن الفقيه النيسابوري، احمد بن داود بن عيسى الهاشمي ابو العباس الطبري، احمد بن رافع بن الحسين ابو يوسف المزوري، احمد بن زيد بن محمد الطوسي ابو نصر التاجر، احمد بن سليمان بن اسمعيل ابو الحسين بن نوح ابو سعيد الحيري النيسابوري وكان من الصالحين، احمد بن سعيد بن اسمعيل ابو الحسين بن ابي عثمان الزاهد النيسابوري، احمد بن سعيد بن نصر بن بكاد الزاهد ابو بكر الواظ البخاري، احمد بن سهل بن ابراهيم بن سهل الانصاري ابو حامد النيسابوري، احمد بن صالح بن علي المزوري، احمد بن طاهر بن عبدالله بن يزيد ابو علي بن طاهر النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل الهزني صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم رضي الله عنه وكان امام اهل العلم والجود في عصره بلا مدافعه وكان من اولياء السلطان . وقال الحاكم انه هروي ولكن مات رضي الله عنه ببخارا و يعرف بابي محمد المزني . احمد بن عبدالله بن زكريا بن عبد الكريم بن عبدالله بن عبدالعزيز ابو الحسين بن زكريا الفقيه الشافعي الجرجاني ، احمد بن عبدالله بن سعيد ابو العباس الذهلي ، احمد بن عبدالله بن سرمد ابو الحسين الكرايسي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعيل الفقيه الشاهد ابو الحسين الطوائفي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين ابو نصر بن ابي محمد بن ابي العباس الماسرخسي النيسابوري، احمد

بن علي بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصبهاني نزيل بنيسابور، احمد بن علي بن عبد الرحيم التاجر ابو حامد الصفار النيسابوري، احمد بن علي بن محمد القامى ختن - الحاكم ابي علي الجنابدى ابوبكر النيسابوري، احمد بن علي بن الحسن بن شادان المقرئ ابو حامد التاجر العابد النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الوراق ابو عمرو النيسابوري، احمد بن علي بن عمرو بن سليمق الزاهد البخارى ابو الفضل السلمين، احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام ابو حامد النيسابوري، احمد بن العباس بن عبيدالله المقرئ ابوبكر الامام البغدادي، احمد بن عبد العزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم - اسحق بن ابراهيم الوراق ابو حامد النيسابوري عم ولد ابي عمر الصغير، احمد بن عبد الله بن حمشاد بن محمد الغازي ابونصر التاجر النيسابوري وعاشرا كابر الشيوخ من - المتصوفة، احمد بن عمر بن سيويوه المزوري، احمد بن عبد الله بن محمد ابو صابر الفقيه من اصحاب ابي العباس احمد بن هارون، احمد بن الفضل بن محمد ابو بكر البزاز - النيسابوري، احمد بن القاسم ابونصر الكاتب، احمد بن القاسم ابونصر النيسابوري - الكاتب وكان من اعقاب الحسين القامى، احمد بن كوفي بن ايوب بن ابراهيم الاصبهاني التاجر ابوبكر، احمد بن الايث بن الحسين بن علي الزاهد الخياط ابو احمد النيسابوري مجاور الجامع، احمد بن محمد بن عبدوس العبدى ابو الحسن الطرائفى النيسابوري وكان من اصحاب الصدق و المحدثين، احمد بن احمد بن سليمان الحافظ الحنفى ابو الطيب الصعلوكى النيسابوري عم استاد ابي سهل رضى الله عنه ومدفون فى مقبرة باغاك، احمد بن محمد بن عبد الله القاضى ابو الحسين النيسابوري قاضى الحرمين وامام الكوفين فى عصره بلا مدافعه، احمد بن محمد بن يحيى المعدل ابو الحسن بن يحيويه النيسابوري واقام ببغداد مدة ثم رجع احمد بن ابراهيم الفقيه الاديب ابو جعفر الجرجاني نزيل بنيسابور، احمد بن محمد القاسم المذكور السرخسى اقام بنيسابور، احمد بن محمد بن

سهل الفقيه البارع أبو الحسين الطبسى الشافعى، احمد بن نصر بن اشكاب البخارى، احمد بن محمد بن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد، احمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم بن عبده النيسابورى التميمى أبو الحسين السليطى، احمد بن محمد بن ايوب الواعظ المفسر أبو بكر الفارسى نزيل بنسبور، احمد بن محمد بن ابراهيم بن هاشم الحافظ أبو محمد البلادرى الطوسى، احمد بن محمد بن الحسين الواعظ أبو العباس النصر الدارى، احمد بن محمد بن سهل أبو الحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمد بن محمد بن الحسين الخطيب أبو حامد الخسرو جردى شيخ كبير، احمد بن محمد بن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ أبو سعيد قد جمع الحديث وصنف فى الابواب وهو نيسابورى مات بطرسوس، احمد بن محمد بن يحيى المتكلم أبو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسبور، احمد بن محمد بن موسى بن كعب الشاهد أبو سعيد الكعبى النيسابورى وكان يقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقه، احمد بن محمد بن الحسين الطوسى أبو تراب الواعظ النوقانى، احمد بن محمد بن عيسى بن الجراح الحافظ أبو العباس النحاس المصرى، احمد بن محمد بن ابراهيم الواعظ أبو حامد المقرئ النيسابورى ويعطى لكل علم حقه، احمد بن محمد بن مهران بن عبدالله الاصبهانى أبو العباس الكافورى، احمد بن محمد بن الحسين بن على أبو طاهر الطاهرى النيسابورى من محله جودى، احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله أبو العباس بن ابي- الحسين المعروف بالصدوقى النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن بالويه ابو- حامد النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله الأديب اللغوى العلامة أبو عمر والرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمد بن أبو حامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان في عصره بلامدافعه ، احمد بن محمد بن ابراهيم ابو عمرو -
الزوزني الكاتب ، احمد بن محمد بن الحسين البخاري ابو نصر الطلا آبادي الكاتب
احمد بن محمد بن عبد وس بن حاتم الفقيه ابو الحسن اللحاتمي ابو حاتم الفقيه -
المزكي المزوري ، احمد بن محمد بن الحسن الفقيه ابو نصر الطرائفي النيسابوري
احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابو علي البراز النيسابوري ، احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن يحيى الانماطي النيسابوري ابن بنت ابي الحسين البزاز ، احمد بن محمد
بن ابراهيم ابو نصر الطبسي التاجر نزيل بنسا بور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن يحيى
بن نوح ابو الحسين البحترى النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبدالله العنبري ابو منصور
الصوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن صالح القاضي المنصوري من اهل منصوره ،
احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى الحافظ ابو حامد الفقيه الاديب المزكي
الطوسي ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابو العباس الصوفي الشيرازي ، احمد بن
موسى بن حماد ابو حامد النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد ابو حامد
البغولي النيسابوري ، احمد بن محمد بن معقل السرخسي ابو عمرو والكاتب نزيل مزينان ،
احمد بن محمد بن مسيح بن وكيلى النجفي ابو سعيد الحافظ النسوي ، احمد بن محمد
بن الحسن ابو عمرو بن ابي طاهر محمد آبادي محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن
شيرك الفقيه ابو حامد الشافعي الهروي مفتي هراة في عصره ، احمد بن محمد بن ابوب
بن سليمان الفامي ابو حاتم الجوبقي النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن
عبدالله بن محمد عبد الوهاب الصايغ ابو حامد النيسابوري ، احمد بن محمد بن اسمعيل
البغدادي ابو الحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهيم بن جازم البخاري ابو نصر -
الحازمي المؤذن ، احمد بن محمد بن حسنويه العابد ابو بشر الحسنوي النيسابوري ،
احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسين بن ابي نصر الخفاف المجاب الدعوة

النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمويه ابو الوفا المزكى النيسابورى، احمد بن محمد بن بشر بن العباس ابو سعيد المعروف بالبصرى وامكن هونيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن سعيد ابو سعيد بن ابي سعيد العائى النيسابورى، احمد بن محمد بن جعفر الخوارى، احمد بن محمد بن على بن يحيى ابو الحسن المناشكى النيسابورى، احمد بن محمد بن حامد الفقيه ابو الحسن بن ابي العباس القطان النيسابور توفى سنه اثنتى وسبعين وثلاثمائة، احمد بن محمد بن احمد بن العطريف بن الحكيم البحترى النيسابورى، احمد بن محمد بن همام بن محمد العبد الصالح ابو عمرو بن ابي العباس بن همام النيسابورى كان يصلى الليل فاذا اصبح مشى من محلة الى محلة ويأمر بالمعروف وينهى عن المنكر ووقت الصلوة فى كل مسجد وصلى اذن وصلى، احمد بن محمد بن اسمعيل بن نعيم ابو حامد الطوسى الاسماعيلى، احمد بن محمد بن يحيى بن جبويل الذهلى ابو نصر النيسابورى، احمد بن محمد بن يحيى الشهيد الذهلى، احمد بن محمد بن حمدان ابو حامد المرادى، احمد بن محمد بن عبد الله بن الحسين، احمد بن محمد ابو العباس بن ابي نصر الماسرخسى النيسابورى، احمد بن محمد بن عبد الله الفقيه ابو نصر العبشمى، احمد بن محمد بن احمد بن سهل - المستعلى ابو الفضل بن ابي طاهر المطر ز النيسابورى ، احمد بن محمد بن يوسف - ابو الحسن بن ابي الفضل الفقيه القهندرى النيسابورى احمد بن محمد بن على بن عمر ابو العباس المذكور النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن خصال العابد ابو الفضل النيسابورى ، احمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم ابو حامد بن ابي سعيد الفامى النيسابورى ، احمد بن محمد بن يوسف للمستملى ابو نصر الانماطى النيسابورى، احمد بن محمد بن الحسين ابو سعيد الفامى، احمد بن موسى بن عيسى بن عبد الرحمن - الجرجانى ويعرف بابى الحسن بن ابي عمران الفريضى ، احمد بن موسى بن محمد - المنادى ابو بكر العابد النيسابورى، احمد بن ابي الليث وهو نصر بن محمد اليبسين،

احمد بن نصر بن محمد الزهرى ابو الحسن البغدادي الحنودى ، احمد بن هرون بن ابراهيم
 الفقيه ابو العباس الحاكم المزكى شيخ اهل الراى فى عصره النيسابورى ، احمد بن يعقوب
 بن احمد بن مهران بن عبدالله ابو سعيد الثقفى النيسابورى ، احمد بن يعقوب بن ناصر
 الاصبهاني الاديب ابو بكر النحوى ، احمد بن يوسف بن عبد الرحمن الصوفى ابو حامد
 العمروف بالاشقر ممن صحب المشايخ القداما بخراسان والعراق ، احمد بن يعقوب بن
 عفر بن الجنيد بن موسى التميمى ابو الفضل الخجندى ، احمد بن يعقوب بن العاطر عبد
 الجبار القرشى الجرجاني ، ابراهيم بن اسمعيل بن ابراهيم العابد ابو اسحق المعروف
 بابو هتمك النيسابورى كان على رأس سكه خشاوزه وتوفى رحمة الله سنة ثمان وثلاثين وثلثمائه
 وكان احد ودب حتى رداوه فوق العمام ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن رجا الفرارى
 النيسابورى ابو اسحق الوراق ، ابراهيم بن احمد بن عبيد الله المستملى ابو اسحق الهمداني
 الاعور ، ابراهيم بن اسحق بن حمويه البزاز ابو اسحق الرازى ، ابراهيم بن احمد الزاهد
 ابو اسحق السلماني النيسابورى ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن عبدالله الترمذى ، ابراهيم
 بن اسحق الاديب اللغوى ابو اسحق الضرير ، ابراهيم بن جعفر السختياني ابو اسحق النيسابورى
 ابراهيم بن الحسن الفقيه ابو الحسن النيسابورى ، ابراهيم بن سيمجور الامير بن الامير ابو
 اسحق بن ابى عمران الاديب والى امانة بخارا وهرارة و مرو و نيسابور فاما بلاد قهستان
 فلم نزل برسمه ، ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى ، ابراهيم بن على بن بالويه
 البلخى ابو اسحق ، ابراهيم بن عبدالله بن اسحق العدل ابو اسحق الاصبهاني ، ابراهيم بن
 الفضل الهاشمى اللغوى ، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم ابو اسحق الحرى المعروف بابى
 الحامك الزاهد النيسابورى ، ابراهيم بن محمد بن احمد الفقيه ابو اسحق النجارى ،
 ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكى النيسابورى ابو اسحق شيخ نيسابور ، فى عصره توفى رحمة
 الله سنة اثنى وستين وثلثمائه ، ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل القطان

ابو اسحق العابد النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستملى ابو اسحق المكتومى -
النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود الصوفى العارف ابو القاسم النصر -
آبادى النيسابورى الواعظ لسان اهل الحقايق، ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل
ابو اسحق المحموظى النيسابورى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق -
الهاشمى المعدل ابو اسحق بن ابى الفضل بن فضلوويه المزكى النيسابورى، ابراهيم بن محمد
بن عبدالله بن ابى بكر الخباز المذكور الرازى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاصولى
ابو اسحق الاسفراينى، ابراهيم بن محب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى ابو اسحق
النيسابورى، ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم ابو اسحق النيسابورى، ابراهيم بن نصر
ابو اسحق المزورى، ابراهيم بن يوسف بن لقمان الفقيه البخارى، اسمعيل بن عبدالله بن محمد
بن ميكال ابو العباس الاديب الشريف النيسابورى شيخ خراسان ووجهها وعينها فى
عصره رضى الله عنه وميكال كان ابن الواحد بن جبرئيل بن القسم بن بكر بن ديوشى
وهو شور الملك بن شور بن شور بن سواربعة من الملوك بن فيروز بن يزدجرد بن بهرام
جور بن محمد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى ابو عمر والزاهد
العابد شيخ عصره فى التصوف توفى الشيخ ابو عمر والنيسابورى رضى الله عنه ليلة السبت
الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس وستين وثلاثمائة ودفن بشاهنبر، اسمعيل بن محمد
بن الفضل بن محمد بن المسيب ابو الحسن النيسابورى الشعرانى وكان جده شيخ عصره
بخراسان وتوفى بقرية بيهق، اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعيد الهلال الجرجانى
سكن نيسابور وتوفى بها، اسمعيل بن عبدالله بن عمر سليمان ابو منصور بن ابى الياس
الكوكبى النيسابورى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن اسمعيل ابو محمد بن ابى الحامد
الاسماعيلى الطوسى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن يوسف ابو ابراهيم الاسترآبادى،
اسمعيل بن ابراهيم بن محمد الفقيه اسحق بن ابراهيم بن محمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم الحتررجى

ابو يعقوب العمادى النيسابورى، اسحق بن ابراهيم بن عمرويه البخارى ابو ابراهيم الفقيه، اسحق بن سعيد بن الحسن بن سفيان الشيبانى ابو يعقوب النسوى، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد قبيصه المعدل النيسابور، اسحق بن محمد شاد الزاهد ابو يعقوب الكرامى شيخهم وامامهم ذكر الحاكم رحمته الله سمى من الثقة انه اسلم على يد ابو يعقوب الكرامى من اهل الكتاب والمجوس بنيسابور ما يزيد على خمسة آلاف رجل و امرأة، اسحق بن احمد بن شيث بن الحكم ابو نصر الفقيه البخارى الصفار احمد بن احمد بن خبير ابو احمد البخارى، اسد بن الهيثم بن عبيد الله المصرى ابو الهيثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبد الله ابو سعيد الرستمى الهروى، اسامة بن على الهمدانى نزيل بنيسابور، بكر بن محمد بن حمدان المروزى الصيرفى المعروف بالدميسى بكر بن احمد بن زكريا بو عمر والشاهد المعروف بالعدنى، بالوية بن محمد بن بالويه ابو العباس المزنيانى، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرش الاسفراينى، بشر بن محمد بن ياسين بن النصر بن سليمان النيسابورى القاضى القضاة بنيسابور، بشر بن عبد الله البصرى ابو احمد نزيل بنيسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المراغى نزيل بنيسابور، جعفر بن احمد بن محمد الصوفى العابد ابو القاسم بن المقرئ الرازى شيخ عصره فى التصوف والتوكل، جعفر بن نعيم بن شادان بن قنبر ابو محمد النيسابورى، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابى بكر بن جعفر البشتى النيسابورى، جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه ابو محمد الشاشى، جميل بن محمد بن جميل ابو الحسين الرازى صمعه بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابورىه من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه، الحسن بن ابراهيم بن يزيد الاسلمى ابو محمد الفارس القطان نزيل بنيسابور، الحسين بن احمد بن موسى ابو على الفارسى، الحسن بن احمد بن الحسن بن موسى القاضى ابو على البيهقى، الحسن بن احمد بن الحسن بن محمد ابو منصور بن ابى الحسن المعاذى المزكى النيسابورى، الحسن بن احمد بن عبيد الله ابو الغازى الصوفى البغدادى، الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن امير المؤمنين ابو محمد المامونى، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسى

النيسابورى ابو على بن ابو عمر والحيرى ، الحسن بن احمد بن محمد بن الحسن بن
 على بن مخلد بن شيبان العدل ابو محمد المخلدى النيسابورى ، الحسن بن احمد بن
 جعفر بن ابو سعيد بن ابى بكر البزازى التاجر ، الحسن بن احمد بن على بن مهران
 القهستانى ، الحسن بن جعفر بن عبيد الله الكوفى ابو محمد الكاتب المقيم بنيسابور ،
 الحسن بن الحسين بن محمد العابد ابو على القارى النيسابورى ، الحسن بن سخرتوية
 بن نصر التميمى النيسابور ، الحسن بن الحسن بن محمد الحكيمى الجرجانى ،
 الحسن بن زيد الكاتب ابو محمد البخارى نزيل بنيسابور ، الحسن بن شابور ابو على
 الطبرى ، الحسن بن على بن محمد البلخى ابو على ، الحسن بن على بن يحيى بن
 عبد الرحمن التميمى النيسابورى ، الحسن بن عثمان بن محمد بن عثمان الصبى التمامى
 البغدادى ابو محمد ، الحسن بن على بن عمرو التزوينى ، الحسن بن عبد الحميد بن عبد الرحمن
 بن الحسين ابو سعيد الحاكم النيسابورى من اعيان ائمة اهل النظر ، الحسن بن على بن
 محمد بن محمد بن الحسين بن على بن عبد الله بن الحسين بن عبيد الله بن العباس بن
 على بن ابي طالب ابو محمد العلوى الواعظ الشهيد رضى الله عنه ، الحسن بن كوشاد
 الاديب البارع الرئيس العالم ابو العلاء الاصبهاني استوطن بنيسابور و بهامات ، الحسن
 بن محمد بن محمد بن اسحق بن الازهر ابو محمد الاسفراينى ابن اخت ابى عوانه ،
 الحسن بن محمد بن محمد بن شيعظم التميمى ابو على الحاكم البلخى ، الحسن بن
 محمد الفقيه ابو على الطبسى ، الحسن بن محمد بن الليث المقرئ ابو على الفارسى
 الحسن بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى بن ما سرخسى النيسابورى ،
 الحسن بن محمد بن نصر بن عثمان بن الوليد بن مدرك الرازى ، الحسن بن محمد بن
 على الرود بارى الطوسى ، الحسن بن محمد احمد بن زياد العدل ابو سعيد الرازى
 الحسن بن محمد بن الحسن العدل ابو سعيد بن ابى العباس بن الحسن الصيدلانى

النيسابورى ، الحسن بن محمد بن عبدالله الدينورى ابو محمد ، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابو الفضل البخارى ، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفى النيسابورى الزاهد صاحب الخانقاه مجمع الزاهد والصوفيه توفى رحمه الله فى رجب سنة ست وثلثين وثلثمائه وهو فى سن النبى صلى الله عليه و سلم و شهدت جنازته بالحيره ودفن بقرب المشايخ الستة ، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السحرى ابو محمد الاديب ، الحسن بن احمد بن موسى ابو على الفامى النيسابورى ، الحسن بن احمد بن الحسن القاضى ابو على البيهقى الاديب الفقيه ، الحسن بن محمد بن على ابو على بن ابى الحسن بن ابى عبدالله الطوسى الرود بارى ، الحسين بن على بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابو على النيسابورى واحد عصره فى الفحظ والايقان والورع والرحله ذكره فى الشرق كذكره فى الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفى رضى الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنة تسع واربعين وثلثمائه ودفن فى مقبره باب معمر ، الحسين بن داود بن على بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن على بن ابيطالب ابو عبدالله العلوى رضى الله عنهم ، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابو عبدالله الطوسى ، الحسين بن على بن محمد بن يحيى بن عبد الرحمن ابو محمد الحسينك بن ابو الحسن التميمى النيسابورى ، من بيت الثروة والمروة قريب حسين بن معاد ، الحسين بن سختويه ابو محمد البزاز ، الحسين بن محمد بن احمد بن ابو على النيسابورى الحسين بن احمد بن جعفر ابو على الكرامى النيسابورى ، الحسين بن محمد بن على بن محمد الزبيرى القرشى ابو على النيسابورى الحسين بن حميدى سيويه المعدل ابو عبدالله النيسابورى ، الحسين بن احمد بن عبد الرحمن ابو الصفار الهروى ، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابو الطيب الشيرازى ، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ ابو سعيد البسطامى ، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجانى ابو عبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابو عبيد الله الرازى ، الحسين بن عبد الحميد بن

عبدالرحمن ابو عبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى، الحسين بن احمد بن جعفر -
 الصوفى ابو عبدالله الرازى، الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ ابو على الشافعى
 رضى الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسين بن الحسن القاضى ابو عبدالله الحكيمى، الحسين
 بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز ابو عبدالله النيسابورى، الحسين بن على بن محمد الحسين
 العلوى رضى الله عنه . الحسين بن على بن بندار ابو القاسم بن ابى الحسن الصوفى ،
 حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرئى ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث
 بخراسان فى عصره توفى رضى الله عنه ليلة الجمعة الخامس من ربيع الاول سنة تسع
 واربعين وثلثمائة ودفن فى مقبرة نصر بن زياد القاضى المدفون فيها ثلثة من الصحابه
 وقد قال بعض العلماء فى الصيده التى يرئى له بها و قد بقى ريبه و مصرفه امام هذا
 الدهور و الاعصار ابو الوليد الفقيه و السيد القوم و فخر الخلاق الاكبر معدن
 كنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزيدى الحسينى العلوى
 ابو على نجم اهل بيت النبوة فى زمانه الشريف حسباً و نسباً ، حمزة بن احمد بن
 محمد بن حمزة الفقيه ابو على الشاعر الزوزنى ، حمزة بن عبدالعزيز بن محمد ابو على
 المهلبى الصيدلانى النيسابورى ، حاجب بن احمد بن جم بن سفيان ابو محمد الطوسى
 حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى ابو على الواعظ المعروف بالوفاء، حامد بن
 محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى
 ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفى بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد
 الفقيه ابو احمد المناشكى النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه
 ابو منصور الجرجانى مات بنيسابور حيدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشى
 النيسابورى ، حمد بن محمد بن الحظاب الفقيه الاديب البشتى ابو سليمان الخطابى،
 خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت ولاة خراسان الجليل

بن احمد بن الجليل القاصى شيخ اهل الرأى فى عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القروينى ابو على ، الخضر بن محمد بن يحيى الباخرى و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البيللى النيسابورى ، خلف بن محمد الواسطى ابو محمد ، خطاب بن على بن الخطاب ابو محمد القروينى ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضى النيسابوريه و كان ابوها ابو رجاء قاضى القضاة و كانت تحسن العربية و الخط ، دعالج بن احمد بن دعالج الفقيه ابو محمد السعجى شيخ اهل الحديث فى عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفراينى ، داود بن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوى ، رشيق بن عبدالله الرومى ابو نصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودى : رافع بن عصم بن العباس الصبى الهرورى ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبير بن عبد الواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادى ، زيد بن الحسين داود بن على الحسينى العلوى ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفى الزبير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثورى ابو على البغدادى ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسى ابو على المقرئ شيخ عصره ، سليمان بن محمد بن ناجيه ابو القسم ابى بكر بن ناجيه النيسابورى ، سليمان بن محمد بن سليمان بن خالد العبدى النيسابورى من ميدان هانئى ، سليمان بن محمد بن داود الفقيه ابو على الفقيه الداودى الهرورى ، سليمان بن محمد بن على ابو القاسم المناشكى النيسابورى ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابو عثمان السمرقندى سكن نيسابور من صباد الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابو عثمان الاندلسى ، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشيعبى ابو سعد ، سعيد بن القسم بن العلابن الخالد البروعى ابو عمر المطوعى ، سعيد بن محصن الفقيه ابو عثمان الكشى ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابو احمد المطوعى ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

ابو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان فى قرية يقال لها كركنت، كان واحد عصره فى الورع والزهد والصبر وجاور مكة فوق العشره وكان لا يظهر فى الموسم و توفى بنيسابور رضى الله عنه سنة ثلاث وسبعين وثلاثمائة ودفن بجنب ابى حفص و ابى عثمان فى العمير رضى الله عنهم، سعيد بن المسيب ابو عثمان الشيرازى، سعيد بن مشكان ابو عثمان الفارياى، سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه ابو سهل بن ابى سعيد النيسابورى، سعيد بن عبد الله بن سعيد بن اسماعيل بن ابو عمر و بن ابى عثمان النيسابورى، سعيد بن محمد بن احمد بن سعيد الصوفى ابو عثمان النيسابورى، سهل بن محمد بن سليمان بن محمد بن العجلي الفقيه ابو الطيب بن ابى سهل الحنفى الصعلوكى النيسابورى اى مغيتها، سهل بن احمد ابن سهل الديوتدى ابو سعيد المر كز، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل ابو محمد بن ابى سلمة البخارى، سلمة بن احمد بن سلمة بن مسلم الذهلى ابو نصر المعادى الاديب النيسابورى، سلمة بن محمد الفقيه ابو نصر الصيدلانى النيسابورى، سيما بن عبد الله مولى الحازمية ويعرف عندنا بابى على شداد بن احمد البوزجاني ابو عبد الرحمن قريب ابى الفضل شافع بن محمد بن يعقوب الاسفراينى ابو النصر، شجاع بن الحسن ابو مقاتل الكاتب شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي ابو صالح البيهقى، سيبه بن محمد بن شعيب بن هارون ابو محمد الشعبي النيسابورى، صالح بن محمد بن داود ابو محمد الترمذى ضمرة بن يحيى الدمشقى، طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجى ابو الحسن الفقيه، طاهر بن محمد بن سهلولى بن الحارث العدل ابو الحسين النيسابورى، طاهر بن محمد بن عبد الله بن ابراهيم ابو عبد الله البغدادى نزيل نيسابور، طاهر بن محمد بن عبدان التاجر المعروف بابى الطيب بن عبدان وكان من الامناء الصالحين

قال الحافظ ابو عبد الله: و كنت اتبرك بدعائه طاهر بن على العماني، طاهر بن احمد بن عبد الله البيهقى ابو الطيب، طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر الوراق ابو القاسم المولق ابا دى النيسابورى،

طالب بن القسم بن ابرك الثعري ، ظفر بن محمد بن احمد بن زمادة الشريف ابو منصور بن زماده العلوي العابد الزكي النيسابوري رضي الله عنه ، عبدالله بن احمد بن سعد الحافظ ابو محمد البزاز المعروف بالحاجي النيسابوري ، عبدالله بن احمد بن اسحق الصنعى النيسابوري عبدالله بن احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الشيباني ابو محمد بن ابي حامد ، عبدالله بن احمد بن محمد بن عمر ابو القاسم بن عمر النيسابوري من اعيان مشايخنا ، عبدالله ابن احمد بن محمد البريشمي ابو محمد بن ابي الحسين النيسابوري عبدالله بن احمد بن اسكاف ابو محمد الاصبهاني نزيل نيسابور ، عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن حفص الحرشي ابو محمد بن ابي عمر الحيري النيسابوري ، عبدالله بن احمد بن سامه بن مسلم ابو القاسم المعادي النيسابوري ، عبدالله بن ابراهيم الابندوني ابو القاسم الجرجاني نزيل بنيسابور ، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله المزني ابو بشر بن الشيخ ابي محمد ، عبدالله بن احمد بن محمد سعيد الفقيه ، ابو القاسم بن ابي سعيد النسوي ، عبدالله بن اسمعيل بن عبدالله بن محمد بن ميكل رئيس بنيسابور ابو محمد الميكالي النيسابوري توفي بمكة رضي الله عنه ، عبدالله بن ابي بكر ابو النصر البزاز النيسابوري عبدالله بن جعفر بن مره المنصوري ابو محمد المقرئ التاجر ، عبدالله بن جعفر بن الحسين الاسترابادي ، عبدالله بن الحسين بن بالوية بن يحيى الوراق المعروف بابي القسم الصوفي النيسابوري ، عبدالله بن حمدون الاديب الشاعر ابو حاتم النيسابوري ، عبدالله بن حامد بن محمد بن عبدالله الفقيه ابو محمد الواعظ النيسابوري ، عبدالله بن خالد عبدالله البغدادي عبدالله بن سعيد الاديب اللثمي ، عبدالله بن صالح بن عبدالله الواسطي نزيل بنيسابور عبدالله بن طاهر بن علي الزهجاري النيسابوري ، عبدالله بن علي بن محمد بن احمد بن علي الحصري النيسابوري ، عبدالله بن علي بن عبدالله القاضي ابو محمد الطبري ويعرف بالعراقي واهل جرجان يعرفونه بالمنجيفي ، عبدالله بن عمرو بن محمد بن الحسين الفقيه

ابو القاسم البخارى ؛ عبدالله بن على بن جمشاد بن شختوية بن مهرويه ابو محمد بن ابي الحسن التميمي النيسابوري ، عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النيسابوري عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلاني ابو محمد ، عبدالله بن فارس بن محمد على ابو ظهير البلخي ، عبدالله بن الفضل بن الحسين البخارى ، عبدالله بن القسم الكراميني . عبدالله بن محمود بن حمدويه بن بعيم بن الحكم المؤذن ابو محمد والدا الحاكم

ابو عبدالله الحافظ النيسابوري مصنف هذا التاريخ ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب ابو محمد الكعبي النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن على بن زياد ابو محمد العدل النيسابوري عبدالله بن محمد بن بديل ابو بكر البديلي البخارى المعروف بالاشقر ، عبدالله بن محمد ابن عمر الفقيه ابو محمد البخارى ، عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد ابو القاسم بن ابي بكر الططاني ، عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفي ابو محمد الحيري النيسابوري المعروف بالرازي ، عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابو طاهر الجوني النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن عصام الرحي ابو القاسم الحيري النيسابوري عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي ابو الطيب بن فورس النيسابوري ، عبدالله ابن محمد بن عبد الوهاب بن عطا القرشي الصوفي الرازي ، عبدالله بن محمد بن عبدالله الحيرازي الرازي ، عبدالله بن محمد بن عبد الله الشيباني الذهلي النيسابوري ، عبدالله ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابو بشر الخياط النيسابوري وكان مجاب الدعوة رضي الله عنه ، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن على بن زياد السمدى النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل ابو محمد الحيري النيسابوري عبدالله بن محمد بن ميمم بن يزيد ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان ، عبدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابو محمد البالوني النيسابوري ، عبدالله بن محمد ابن عبدالله بن دينار ابو محمد بن ابي عبدالله النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن فضالويه

الصوفى الزاهد ابو محمد المعروف بالمعلم النيسابورى ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد
 بن السرى بن الصباح الكرماني ابو محمد القبانى، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد
 ابن عبدالله المسمى النيسابورى، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابو محمد الانماطى
 الزمجارى النيسابورى ودفن رضى الله عنه فى مقبرة ابي على الثقفى، عبدالله بن محمد بن
 احمد بن محبوب التاجر ابي العباس المحبوبي المروزي، عبدالله بن محمد ابو القاسم
 الاصبهانى، عبدالله بن محمد الساوعرى ابو محمد المستملى، عبدالله بن محمد بن احمد بن
 حبيب الفقيه ابو ذر بن ابي جعفر الكرايمسى النيسابورى، عبدالله بن محمد بن برزخ
 التاجر ابو محمد التاجر الرازى نزيل نيسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن
 اسحق الهاشمى ابو محمد بن ابي الفضل النيسابورى، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
 محمد حمدويه بن نعيم ابو الحسن الضبى النيسابورى، عبدالله بن موسى بن رامي
 النيسابورى ابو القاسم نزيل ببغداد، عبدالله بن موسى بن الحسين بن ابراهيم السلامى
 ابو الحسن البغدادى، عبدالله بن مضاف بن ابراهيم ابو القاسم المقبرى
 النيسابورى وكان من العباد المجتهدين، عبدالله بن مفلح ابو محمد البغدادى نزيل
 نيسابور، عبدالله بن يحيى بن محمد بن عبدالله بن العنبرى ابو محمد بن ابي زكريا العنبرى
 النيسابورى، عبيدالله بن احمد بن محمد بن عبيدالله بن النصر بن محمد الرئيس بن الرئيس
 النيسابورى، عبيدالله بن احمد القاضى الكلابادى ابو القاسم البخارى، عبيدالله بن محمد بن
 نافع بن مكرم بن حفص الزاهد ابو العباس العابد البشتى وكان من الابدال وجرى
 مرة بعد اخرى انه كان مجاب الدعوة وتوفى رضى الله عنه سنة اربع وثمانين وثلثمائة
 ودفن فى بيته، عبيدالله بن على بن عبيدالله بن داود القاضى ابو القاسم الداودى المصرى
 سكن نيسابور، عبيدالله بن محمد بن ابراهيم بن جبرئيل ابوبكر النيسابورى،
 عبيدالله بن ابي ذرين بن ابي رجا النيسابورى، عبيدالله بن محمد بن عبد الرحمن بن مخلد

الدهان البلخي ، عبيدالله بن منصور بن عبدالله الكلاحي المصري الشاعر ، عبيدالله بن محمد المتكلم النيسابوري ابونصر ، عبيدالله بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد البلخي ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعيد ابو محمد بن ابي بكر الجرجاني ولكن ابوه جرجانيا وهو نيسابوري ، عبد الرحمن بن احمد بن حمدويه الموذن ابوسعيد بن ابي حامد النيسابوري ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادي ، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهيم التميمي النيسابوري الدهان ، عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضي ابو محمد الجرجاني عبدالرحمن بن علي بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمي النيسابوري و كان من وجوه نيسابور: ثروة وشهامة ومروءة ، عبدالرحمن بن محمد بن حسبكا ابوسعيد الحاكم العري ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العقيلي النيسابوري ، عبدالرحمن الحسن بن يعقوب الصوفي ابوالقاسم بن الحسن الحداد النيسابوري ، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقيه ابوالوليد النيسابوري ، عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوالحسن بن اسحق المزكي النيسابوري ، عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه ابوسعيد النيسابوري ، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشيباني النيسابوري عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفي النيسابوري ابوالقاسم الحجاج حج بنفاو ثلثين حجة مدفون في مقبرة الحسين بن معاذ وهو مات بنساحمل تابوته الى نيسابور ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي ابو محمد النيسابوري ، عبدالرحمن بن علي بن محمد الترمذي ابوالقاسم صاحب الترمذ ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ ابو بكر السرخسي عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابو محمد النصر آبادي النيسابوري ، عبدالرحمن بن حمدان الصيدلاني الزمجارى النيسابوري ، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وجدته امام اهل ابوبكر محمد بن اسحق وهو نيسابوري ، عبدالرحمن بن محمد بن

احمد بن بالويه ابو محمد المزكى النيسابورى ، عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن ابراهيم من اولاد سعد بن عباد الخزر جى الانصارى رضى الله عنه ابو محمد بن ابي عمرو العمارى النيسابورى ، عبدالرحمن بن الحسن بن على ابو سعيد بن احمد بن على الصفار النيسابورى ، عبدالواحد بن احمد بن عمر بن عبدالرحمن القرشى ابو عمر والكندرى ، عبدالواحد بن محمد بن الشاه ابو الحسين الصوفى الشيرازى ، عبدالواحد بن احمد بن القسم من ولد عبدالرحمن بن عوف وهو ابن ابي الفضل المتكلم الاشعري ، عبدالواحد بن محمد بن عبدالرحمن ابو الحسن النيسابورى ، عبدالواحد بن على بن عبدالله ابواليسار المروزى عبدالواحد بن عبدالعزيز بن الحارث التميمى ابو الحسن الواعظ الحنبلى ، عبدالصمد بن احمد بن الحسين بن على الزبيرى ابو ذر ، القارى النيسابورى ، عبدالصمد بن محمد البخارى ابو محمد الحافظ النيسابورى ، عبدالحميد بن عبدالرحمن بن الحسين القاضى بن القاضى ابو الحسن بن ابي سعيد النيسابورى وكان من افراد زمانه و من الدين به افتخار الاهل زمانه لانه لاهل نيسابور خاصة توفى ببخارا رضى الله عنه حمل تابوته الى نيسابور ، عبدالعزيز بن احمد بن محمد اسحق ابو احمد الوراق النيسابورى ، عبدالعزيز بن عبدالملك بن نصر الاموى ابو الاصبع الاندلسى ، عبدالصمد بن محمد بن محمد بن اسحق الزاهد الصوفى ابو نصر بن احمد الصفار النيسابورى ، عبدالعزيز بن الحسن بن احمد بن الدار كى الاصبهانى ابو القاسم الفقيه ، عبدالعزيز بن محمد بن الحسن الفقيه ابو الفضل البصرى ، عبدالعزيز بن محمد بن العجترى الدامغانى ابو محمد التاجر ، عبدالعزيز بن محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النيسابورى ، عبدالؤمن بن عبدالملك ابو نصر الدهستانى ، عبدالرحيم بن محمد بن يحيى القاضى النيسابورى ، عبدالوهاب بن حمزه بن نصر ابو ابراهيم الجرجانى عبدالجليل بن مذكور بن ثابت ابو محمد السعدى ، عبدالملك بن محمد بن ابراهيم ابو سعيد بن ابي عثمان الواعظ

الزاهد النيسابوري وقد صنف في علوم الشريعة ودلائل النبوة وفي سير العباد والزهاد كتباً وصارت تلك المصنفات في بلاد المسلمين تاريخاً للنيسابور ، عبد الملك بن احمد بن الحسين ابو محمد الصيدلاني ، عمر بن محمد بن مسعود الفقيه ابو حفص الاسفرايني ، عمر بن احمد بن عبدالله الاحدي ابو حفص البصري ، عمر بن احمد بن عمر ابو حفص الزاهد النيسابوري ، عمر بن عبدالعزيز بن محمد بن الحسن المنصوري ، عمر بن محمد بن داود ابو سعيد النيسابوري ، عمر بن احمد بن ابراهيم بن عبدويه المسعودي ابو حازم بن ابي الحسن العبدوي النيسابوري ، عثمان بن محمد بن مسعود الاسفرايني ابو يحيى الفقيه ، عثمان بن عمران بن الحارث المقدسي ابو عمر والصوفي ، علي بن احمد بن ابراهيم البوشنجي ابو الحسن الصوفي الزاهد الورع ، علي بن احمد بن الحسن الفقيه ابو الحسن المعروفي ، علي بن احمد بن عبدالعزيز الجرجاني ابو الحسن المحتسب ، علي بن احمد بن علي بن نصير التاجر ابو الحسن المعدل النصير النيسابوري ، علي بن اسمعيل بن عبدالله ابو القاسم المطوف النيسابوري رحمه الله خرج مرتين الى طرسوس وعزل الروم عنها بعد غزواته بخراسان ، علي بن احمد بن عاصي ابو الحسن بن ابي بكر بن علي الرواسي ، علي بن احمد بن فيروز الجلاب ابو الحسن الصيركي النيسابوري ، علي بن احمد بن بختيار ابو الحسن النيسابوري ، علي بن احمد بن اسد التيمي ابو الحسن الاخباري ، علي بن احمد بن محمد بن الحسين الانماطي ابو الحسن الروعي ، علي بن احمد بن واصل المستملي ابو القاسم السواصلي الزوزني ، علي بن احمد بن محمد بن احمد بن عيسى ابو الحسن الطرسوسي ، علي بن احمد بن الاديب الكاتب النحرير ابو الفتح البشتي ، علي بن احمد ابن محمد بن اسمعيل ابو الحسن البخاري القاضي ، علي بن بندار بن الحسين بن علي الصوفي ابو الحسن الصيرفي الزاهد النيسابوري علي بن بشر بن علي الصوفي ابو الحسن القزويني ، علي بن بكران بن علي الوراق ابو الحسن الواسطي ، علي بن حنبل القزويني

ابوالحسن الصوفي ، علي بن جعفر الكاتب ابوالحسن الفارسي ، علي بن جعفر بن عبيدالله الطوسي ابوالحسن النوقاني ، علي بن جمشاد بن سختويه ابوالحسن النيسابوري محدث عصره بنيسابور وله تصانيف توفي في شوال سنة ثمان وثلثين وثلثمائه ودفن في مقبرة المصلي رحمة الله ، علي بن الحسن وحيد البلخي ابوالحسين علي بن الحسن المشني الغنبري ابوالحسن الصوفي الطبري ، علي بن الحسن بن عبد الرحمن القاضي ابوالحسن البخاري السردري ، علي بن الحسين بن علي الطوسي ابوالحسن التاجر ، علي بن الحسين بن محمود ابوالحسن الصوفي الزاهد ، علي بن رشيق الصوفي ابوالحسن البغدادي ، علي بن صالح بن سلمين النميري ابوالقاسم البصري ، علي بن عيسى بن ابراهيم بن عبدويه الحيري النيساري ابوالحسن الوراق ، علي بن عمر بن نصر الدقاق ابوالحسن البغدادي ، علي بن عبدالله بن محمد الدورقي ابوالحسن النيسابوري ، علي بن عبد الملك بن سليمان الفقيه الطرسوسي ابوالحسن ، علي بن عبدالعزيز القاضي الجرجاني ، علي بن الفضل بن محمد الخزاعي ابوالحسن بن فضلان النيسابوري ، علي بن الفضل بن العباس الفقيه ابوالحسن الشاشي ، علي بن القاسم بن العباس بن الفضل ابوالحسن الرازي علي بن محمد بن ايوب بن يزيد ابوالحسن الصنعلي علي بن المومل بن الحسن ابوالقاسم النيسابوري ، علي بن محمد بن احمد بن الطوسي ابوالحسن بن ابي احمد ، علي بن محمد بن اسمعيل ابوالحسن الكادري الطوسي ، علي بن محمد بن الحسن المقرئ ابوالحسن الجرجاني الخبازي ، علي بن محمد بن احمد دلويه ، علي بن محمد بن احمد دلويه المذكور ابوالحسن الخانقاهي النيسابوري علي بن محمد بن العباس الصوفي الرازي ، علي بن محمد بن عبدالله الصوفي ابوالحسن القزويني ، علي بن محمد بن ابراهيم بن حمدان ابوالحسن الفارسي ، علي بن محمد بن علي ابوالحسن الزمجارى النيسابوري ، علي بن محمد بن كهمس ابوالحسن العجلي النيسابوري وكان معوج الرجلين ويركب حملاً قصيراً ولا تخلف عن السماع فيكتب في السماع على العجلي

وحمارة ، علی بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم القاری النیسابوری ، علی بن مأمون العابد ابوالحسن النیسابوری ، علی بن محمد بن معاذ ابو سعید المولق ابادی النیسابوری ، علی بن محمد بن ابراهیم ابوجعفر القشیری ، علی بن محمد بن محمود الفامی النیسابوری ابوالحسن ، علی بن محمد بن ابراهیم ابوالحسن الفقیه النیسابوری ، علی بن محمد بن اسمعیل النجاری ، علی بن محمد بن عبدالرحمن ابوالحسن الساکنی ، علی بن محمد بن احمد بن موسی القاضی ابوالقاسم بن ابی عبدالله الرازی ، علی بن محمد بن الحسن البصری ، عمرو بن محمد بن منصور العدل ابوسعید الحنجرودی النیسابوری الختن و قیل له الختن لانه ختن ابی بکر محمد بن اسحق بن خذیمه ، عمرو بن اسحق بن ابراهیم بن احمد ابو محمد المکنی بالبخاری محدث عصره ببخارا ، عیسی بن زیدین عیسی الطالبی ابوالحسن العقیلی العلوی النیسابوری الادیب سکن فی رستاق بشت ، عمران بن موسی بن الحصین ابو موسی الخنوشانی ، عباس بن الحسین بن احمد الرازی ابوالفضل الصفار ، عباس بن محمد بن العباس البغدادی ابو محمد الجوهری ، عمار بن محمد بن مخلد بن ابوذر البغدادی ، عصم بن العباس بن احمد الصبی ابو محمد الهردی ، عاصم بن الحسین بن یحیی الاصبهانی ابوالحسین الوراق عتبه بن علی ابوبکر البشتی النیسابوری ، عطیه بن سعید ابو محمد الاندلسی ، عوام بن محمد بن حامد القرشی ابونضر النیسابوری ، عتبه بن خیثمه بن محمد بن حاتم القاضی الامام الادیب ابوالهیثم النیسابوری ، فارس بن عیسی الصوفی البغدادی ، فتح بن عبدالله الفقیه ابونضر السندی النیسابوری ، فایق بن عبدالله الرومی الخاصه و انما قیل له الخاصه لاختصاصه بالسلطان الفضل بن محمد بن العباس ابواعظ ابوالعباس الهروی ، الفضل بن محمد بن نصیر الاصبهانی الفضل بن محمد بن ابراهیم العدل ابوالعباس بن ابی الفضل المزکی النیسابوری ، الفضل بن محمد بن ابوالهیثم التاجر النیسابوری ، قاسم بن احمد بن محمد المزکی

ابوذر النيسابورى وكان شيخ بنشابور فى عصره ، قيس بن طلحه بن احمد الفارسى
ابومازن ، قاسم بن عبدالله بن محمد العدوى ابونصر الجوهري النيسابورى ، قتاده بن
محمد بن احمد بن عمر النيسابورى ، كثير بن احمد الوزير ابو منصور العميد القابنى
يتولى بنشابور نيما وثلثين سنه ومات بهامخمل الى قابن ، كامل بن احمد بن محمد
ابن جعفر المفيد النيسابورى ، ليث بن طاهر بن الليث ابونصر النيسابورى ، ليث بن
نصر بن جبرئيل البخارى ابونصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل
ابوعلى بن حيكان النيسابورى ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابو محمد
المحدث النيسابورى ، محمد بن احمد بن طه الاصمهانى ابو عبدالله ، محمد بن
احمد بن سعيد ابو جعفر الرازى ، محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضى ابو احمد
الحنفى المروزى ، محمد بن احمد بن عبدالله ابوالحسن الصفار النيسابورى ، محمد بن
احمد بن زكريا ابوالحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هونيسابورى و
مدفون بمقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن الحسن الحيرى النيسابورى ابوالطيب
المنادلى ، محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخارى ثم الاودمى ، محمد بن
احمد بن محمد بن ابوالحسن المعادى الحسن الاديب النيسابورى ، محمد بن احمد بن
محمد بن ابى الحيرى ابوبكر بن ابى الحسين الغازى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
شعيب بن هارون ابواحمد الشيبى العدل النيسابورى ، محمد بن احمد بن اسحق بن
ابراهيم الصيدلانى ابو عمرو بن ابى بكر العدل المتطيب النيسابورى ، محمد بن احمد بن
حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابورى ، محمد بن
احمد بن اسحق ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً فى العلوم و العدالة و هونيسابورى ،
محمد بن احمد بن بشر الصوفى ابو منصور الحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
حمدان ابو عمرو بن ابى جعفر الحيرى النيسابورى ، محمد بن احمد بن موسى

الجامعي ابو حبيب المصاحفي النيسابوري ، محمد بن احمد بن جمشاد ابوالعباس
الدقاق النيسابوري ، محمد بن احمد بن حمدون الصوفي ابوبكر القراء النيسابوري
مدفون في مقبره جنيدالله ، محمد بن احمد بن عبدالرحمن ابو بكر الزريقي
النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدالله بن احمد الفقيه ابوزيد المروزي ، محمد بن
احمد بن منه السمسار النيسابوري ، محمد بن احمد بن بالويه المعدل ابو علي
النيسابوري ، محمد بن احمد بن هارون الله موبيدي ابوبكر الشافعي النيسابوري ،
محمد بن احمد بن محمد النيسابوري و هو الملقب بزيارة السيد العلوي شيخ الطالبية
بنسبور بل بخراسان في عهده رضى الله عنه مدفون في مقبرة العلوية بجنب عبدالله
طاهر الامير ، محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله ابوالحسين بن زيارة العلوي ولد السيد
ابي محمد بن زيارة ، محمد بن احمد بن مالومه ابونصر بن جلاب النيسابوري ، محمد
بن احمد بن محمد ابوبكر بن الحسين الابريشمي النيسابوري ، محمد بن احمد بن
محمد ابوسهل بن ابي بشر الحسنوي النيسابوري ، محمد بن احمد بن علي الاديب التاجر
ابوالحسن بن الصفار النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدالله بن شهراد ابوالحسين
الفقيه لنصر آبادي النيسابوري من محله نصر آباد ، محمد بن احمد بن بشر المزكي
ابوعبدالله بن بشرويه النيسابوري شيخ اهل الرأي في عصره ، محمد بن احمد بن محمد
الخفاف ابوعمر والقهنديزي النيسابوري ، محمد بن احمد بن جعفر اليزدي ، محمد بن
احمد بن محمد بن محمود ابوالعباس القيادي النيسابوري ، محمد بن احمد بن شعيب
الفقيه ابوسعيد الخفاف النيسابوري ، محمد بن احمد بن موسى ابوالطيب الرازي ، محمد
بن احمد بن قحطبه ابوالحسن المروزي ، محمد بن احمد بن الحسن الفاهي ابو احمد
النيسابوري ، محمد بن موسى ابو احمد المهاني النيسابوري ، محمد بن احمد بن
موسى البخاري ابونصر الملاجمي ، محمد بن احمد بن حامد ابو احمد الكرايسي

النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابو عمرو بن ابى الحسين السحرى
النيسابورى ، محمد بن احمد بن حاض الطوسى ابو بشر الحاضرى ، محمد بن احمد الخالدى
النيسابورى ، محمد بن احمد بن الحسن ابو الفضل الصابع النيسابورى ، محمد بن
احمد بن ثابت البزاز ابو الحسين البغدادى ، محمد بن احمد بن جعفر ابو نصر الطوسى ،
محمد بن احمد بن عبدوس ابو الحسن الحاتمى النيسابورى ، محمد بن احمد بن
عبد الاعلى ابو عبدالله المغربى ، محمد بن احمد بن احمد الفقيه ابو بشر الاديب الشرطى ؛
محمد بن احمد بن ابى الفوارس ابو الفتح البغدادى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب
الواعظ ابو بكر الاسفرائينى ، محمد بن احمد بن يزيد ابو بكر الاصبهاني ولكن ابو بكر
النيسابورى و ابوه كان اصفهانيا ، محمد بن احمد بن الحسين السمسار النيسابورى
ابو طاهر الطاهرى ، محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن خاقان ابو عبدالله البخارى
محمد بن احمد بن يحيى الفقيه ابو الفضل الترمذى ، محمد بن احمد بن محمد التميمى
ابو العباس بن ابى الحسن السليطى النيسابورى ، محمد بن احمد بن عبدالله السكرى
ابو احمد المسكى النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد بن حفص الحرشى ابو نصر النيسابورى
محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومى النيسابورى ، محمد بن احمد بن محمد
الطوسى ابى بكر بن ابى تراب المسافرى النوقانى ، محمد بن احمد بن على ابو بكر
القاضى الفارسى ، محمد بن احمد بن حسنويه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوى
النيسابورى من كبار مشايخ التصوف مدفون فى مقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن محمد
محمود ابو الحسن المراجمى النيسابورى نفقه عند الاستاد ابو الوليد ، محمد بن احمد بن
عمر الخفاف ابو نصر النيسابورى ، محمد بن احمد بن الحامد ابو الحسين العطار النيسابورى
محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الوراق الزوزنى ، محمد بن احمد بن عمرويه النيسابورى
محمد بن احمد بن على ابو الحسن الصنعى الخنجردى النيسابورى ، محمد بن احمد بن

محمد الفقيه ابو بكر بن ابي سعيد النسوى، محمد بن احمد بن على بن عبدالرحيم
ابوالحسن بن ابي احمد الصفار النيسابورى، محمد بن احمد بن سعيد ابونصر بن
ابى سعيد الوالى النيسابورى، محمد بن احمد بن على بن شعيب ابوبكر الكرايسى النيسابورى
من خان الدستى، محمد بن احمد بن عبدالله الاردبيلى ابوالعباس الوراق، محمد بن
الحسن بن سعيد الجرجانى ابوبكر الوراق، محمد بن احمد بن محمد بن عقيل ابوبكر
القطان النيسابورى، محمد بن احمد بن سعيد الانماطى البخارى ابو محمد، محمد بن
احمد بن موسى القاضى ابو عبدالله الحازنى الدارى، محمد بن احمد بن يحيى الفقيه
ابونصر السرخى، محمد بن احمد بن بالويه ابو منصور الكساينى النيسابورى، محمد بن
احمد بن يعقوب المذكى ابو عبدالله الاديب، محمد بن احمد بن على بن نصير المعدل
ابوعبدالله النصيرى النيسابورى، محمد بن احمد بن عبدوس ابوبكر بن ابو على بن عبدوس
النيسابورى المزكى، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمى ابو الفضل المزكى
النيسابورى و اكثر شيوخ نيسابور فى العدالة، محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى
الجورى ابوبكر النحوى من جور فارس، محمد بن ابراهيم بن على حسنويه الزاهد
ابوبكر الوراق النيسابورى وكان من البكايين من خشية الله تعالى حتى لقب بالبكاء
محمد بن ابراهيم بن الحسن موسى المناشكى النيسابورى ابو العباس المحاملى،
محمد بن ابراهيم الفامى ابوبكر النيسابورى، محمد بن ابراهيم بن نصر ابو عبدالله الاربندى
محمد بن ابراهيم بن اسحق ابوبكر الصانع، محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الامير بن
الامير ناصر الدوله ابي الحسن النيسابورى، محمد بن ابراهيم بن حمش ابو عبدالله
النيسابورى نزيل نسا، محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديب ابو عمرو البشتى وانشد
فى ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا

ببلدة نيسابورا على فما الحزن

ودع فكر جرجان فان شيوختنا

فيحيى بن يحيى لا يقاس بغيره
 و تابعهم اسحق لله درة نعم
 ابوالاظهر المفضل ثم ابن هاشم
 فمن مثلهم فى حفظهم ومحلهم
 ومنا ابن اسحق الخزيمى شيخنا
 ولقد كان للاسلام ركنا ومركزاً
 و منا ابو عمر بن نصر رئيسنا
 و نفخر بالسراج فخراً مواظباً
 حسين و جاردنيا و مسدد
 ولم اطمان الا بذكر مفضل
 و بعدهم الشوقى ثم مؤمل
 و منا ابو عثمان ثم محمد
 و منا الاديب الاريحى الذى مضى
 و منا الفقيه البيهقى محمد
 و منا الرئيس الفاضل ايسد
 اقول له و العتول منى تحيت
 و منا من الاحياء طال بقاء هم
 كمثل ابى بكر بن اسحق صدرنا
 و منا من الاصحاب قامومنه
 لقد بلغوا فى الدين اشرف خطبه
 و حسان سيف الله و الصارم الذى

كلاك به عزا اذ اكنت ممتحن
 و الر باطى فضاهم غير مكتمن
 و مسلم ارباب الحديث فلا تجن
 فاناهم يسعى و تدفع فى المحن
 و مفخرنا شيخ قوم المشايخ والزمن
 فبقى الله قبرا فيه ذا شيخ مندفن
 به عرف العزالذى اهله سكن
 و با لحيرى من او ضحو السنن
 و عن جعفر بن العلم بالحفظ مقرن
 ابى طالب كن بذكره مطمئن
 اثلت با لمكى يا حيد القران
 عتيب ابا بكر افردياة ادن
 ابوالقاسم الشيخ المذكور وامنن
 فكيف الطبارى و موفى للحدو الكفن
 الذى بنصرنه لم ترتفع راس
 سلام على الرئيس ابى الحسن
 دوام لهم فضل و عبر بلا شحن
 امام الا سباب الفرائض والسنن
 هو البقى الطالب الحمد بالثمن
 و يحيى بن منصور و هم سادة الزمن
 بدين به ولم يفر و الم يدن

علیهم صلوة الله ما در سارق
و کسل فقیه حاکم و مذکر
و یا صاحب قمری علی شعبالنن
فمنا ابرهیم المداین و الفطن

محمد بن ابرهیم بن علی النیسابوری ابوالعباس من رستاق باخرز ، محمد بن ابرهیم بن سعید ابوجعفر البوشنجی ، محمد بن ابرهیم بن ابو عثمان الزاهد النیسابوری و کان من الصوفیه العباد رحمة الله علیه ، محمد بن اسحق بن ایوب بن یزید الصنعی ابوالعباس اخو شیخ ابوبکر النیسابوری ، محمد بن ابراهیم بن یحیی ابوبکر الکسامی النیسابوری ، محمد بن ابراهیم بن نضر الوکیل ابوبکر النیسابوری ، محمد بن ابراهیم ابو سعید الادیب النیسابوری ، محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی الاصفهانی ، محمد بن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادی النیسابوری ، محمد بن اسحق بن بشرویه الزاهد من قریه ازاء ابوجعفر الزائی ، محمد بن اسحق بن محمد السجستانی ابوالحسن النیسابوری ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعید الکراییسی النیسابوری المعروف بالبصری ، محمد بن بکر بن بشر البونی ابو عبدالله الفقیه ، محمد بن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائی ،

محمد بن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم السید ابوجعفر الموسوی و کان اوحد الاشراف فی عصره ، محمد بن جعفر احمد بن موسی الفقیه الادیب ، ابوبکر بن ابی جعفر المزکی البشتی ، محمد بن جعفر بن ابرهیم بن یوسف ابوبکر الفامی النیسابوری ، محمد بن جعفر بن محمد بن مطر العدل ابو عمر و الزاهد النیسابوری محمد بن جعفر بن محمود ابو سعید الهروری ، محمد بن جعفر بن ابرهیم النسوی ابوجعفر ، محمد بن جعفر بن الحسین بن محمد بن المفید ابوبکر البغدادی ، محمد بن الحسن بن ابوطاهر محمد آ بادی النیسابوری ، محمد بن الحسن بن علی بن بکر العدل ابوالحسن النیسابوری ، محمد بن الحسن بن الحسن التاجر العدل

ابو الحسن من اجل مشايخ العلم النيسابورى ، محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعيل
 ابو الحسن المقرئ السراج النيسابورى ، محمد بن الحسن المولق آبادى ، محمد بن
 محمد الصوفى ابو العباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابو عبدالله
 الجرجانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الاصبهاني ، محمد بن
 الحسن بن ثابت ابو بكر النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى
 ابو الحسن الكرايسى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن الجرجانى
 محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 يحيى ابو جعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى
 النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمد بن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى
 محمد بن الحسين ابو عبدالله الانبارى الموضحى ، محمد بن الحسين بن داود الحسينى
 العلوى ابو الحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن داود بن على ابو
 على الحسنى النيسابورى العلوى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن موسى السمسار
 النيسابورى ابو سعيد ، محمد بن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسابورى
 محمد بن الحسين بن موسى السلمى ابو عبد الرحمن النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 محمد ابو الفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه
 ابو عمرو البسطامى ، محمد بن حاتم الكشى ، محمد بن حيان التميمى ابو حاتم البشتى
 القاضى ، محمد بن حبان ابو الحسن السحورى النيسابورى ، محمد بن حفص بن عمر
 ابو العباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابو بكر صاحب
 الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمد بن حامد بن محمود
 القطان ابو العباس السامانى النيسابورى ، محمد بن حامد بن امة النيسابورى ، محمد بن
 حامد بن على ابو بكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابو عبدالله الحمال

محمد بن محمد بن حمدون المعدل ابوبكر، محمد بن حمدون بن مالك ابو عبدالله البغدادى
محمد بن حسويه بن سلمويه البغوى ابو جعفر، محمد بن حسان ابو منصور القرشى
المصنف النيسابورى، محمد بن حسان بن محمد ابو عبدالله القرشى النيسابورى،
محمد بن الخليل المعدل ابو عبدالله الاصبهاني، محمد بن الخالد بن الحسن ابوبكر
البخارى، محمد بن خشنام بن احمد ابو عمر والكاغذى النيسابورى، محمد بن خلف
بن جعفر السلمى المنجم، محمد بن داود بن سليمان ابوبكر النيسابورى شيخ
التصوف فى عصره، محمد بن ابو العباس الامير القيسى، محمد بن زيد بن على البلخى
ابو الحسن الكوفى، محمد بن سليمان الحنفى العجلي الامام ابو سهل الصعلوكى، الفقيه
الاديب اللغوى النحوى، الشاعر المتكلم، المفتى الصوفى الكاتب العروض، العلامة النيسابورى
رضى الله عنه وايضا، محمد بن احمد بن ساليه بن محمد ابو جعفر الابراى النيسابورى
وابرار قريه على فرسخين من البلد، محمد بن سليمان بن بلال ابوبكر المقرئ المنيرى
النيسابورى، محمد بن سهل بن ابراهيم بن سهل ابو عبدالله التاجر النيسابورى، محمد بن
سعيد بن محمد الكرايسى النيسابورى، محمد بن سيما القطان النيسابورى، محمد بن
شعيب بن جبريل ابوبكر المؤدب، محمد بن سادل السحرى ابونصر الاديب،
محمد بن صالح بن هانى الميدانى ابو جعفر النيسابورى الوراق، محمد بن صالح بن على
ابو عبدالله البشتى النيسابورى، محمد بن صالح بن محمد بن سعيد القحطانى ابو عبدالله
الاندلسى، محمد بن صالح بن على العباس المطلبى ابو الحارث، محمد بن طلحة بن
منصور بن هانى ابوبكر النيسابورى، محمد بن طاهر بن محمد ابو طاهر الصوفى
النيسابورى، محمد بن على الانى ابو على، محمد بن طاهر بن الحسين ابو الحسن النيسابورى
محمد بن طاهر بن محمد ابونصر الوزيرى النيسابورى، محمد بن ابى طاهر بن يحيى
ابو الحسين الفلقى النيسابورى. وخلق قرية على نصف فرسخ من البلد كبيرة عامره، محمد بن

ظفر بن محمد العلوى الحسينى المصنف العالم النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن
 عبدالله بن احمد ابو عبدالله الصفار الاصبهاني محدث عصره بخراسان و كان مجاب
 الدعوه لم يرفع الا كما بلغنا اربعين سنه توفى رضى الله عنه فى سنه تسع وثلثين
 ثلثمائه و دفن فى داره فى سلمة العنبي ، محمد بن عبدالله التاجر ابو عبد الرحمن
 النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن دينار العدل ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن عبدالله
 بالويه ابو جعفر السامانى النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر النيسابورى
 محمد بن عبدالله بن محمد ابو عبدالله المزنى اخو الشيخ المزنى توفى بنيسابور ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن صبيح العمرى النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن عبدالله
 بن محمد الرازى ابو الحسين ، محمد بن عبدالله بن جمشاد الغازى ابو بكر النيسابورى ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر المزنى ابو الحسين الهروى ، محمد بن عبدالله بن
 عبدالعزيز ابو بكر الرازى ، محمد بن عبدالله بن قریش الوراق الريدجى النيسابورى ، محمد
 بن عبدالله بن ابراهيم ابو الحسن السليطى النيسابورى ، محمد بن عبدالله محمد
 الاسفراينى ، محمد بن عبدالله بن ابراهيم ابوسعيد الزاهد المروزى ، محمد بن عبدالله
 ابن ابو جمشاد ابو منصور النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن الحسن السميرى النيسابورى
 محمد بن عبدالله الشيبانى ابو بكر بن الحسن المعدل النيسابورى ، محمد بن عبدالله
 البزازى البخارى ، محمد بن عبدالله بن يعقوب ابو بكر النيسابورى ويعرف بالنسال ،
 محمد بن عبدالله بن شنويه الهمدانى ، محمد بن عبدالله بن الحسين الفقيه ابو بكر الصنعى
 النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن احمد البوشنجى ابو بكر الواعظ الصوفى ، محمد بن
 عبدالله الفضل الفارسى ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعيل ابو جعفر
 الاديب الرئيس النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو بكر الفارسى محمد وعلى
 انباء عبدالله بن محمد الدورقى النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن ادريس ابو عبدالله ، محمد بن

عبدالله بن جمشاد ابو سعيد الحاسب النيسابورى ، محمد بن عبدالله بن حمدون ابو سعيد النيسابورى ، محمد بن على بن الحسن الحسينى مولده بهمدان و منشأؤه بعراق رضى الله عنه ، محمد بن على بن الحسين ابو على الاسفراينى ، محمد بن على بن الخليل الزمجارى ابو بكر التاجر النيسابورى ، محمد بن على بن على ابو على البرنودى النيسابورى ، محمد بن على بن احمد الجلاب ابو منصور الفارسى ، محمد بن على بن محمد بن الحسن الطوسى ، محمد بن على بن الحسن ابو الطيب الخياط النيسابورى وكان مجاب الدعوة ، محمد بن على الدمشقى ابو بكر ، محمد بن عبدالله الكلاتى ابو احمد النيسابورى ، محمد بن على الاديب ابو العباس الكرخى ، محمد بن على بن اسمعيل ابو بكر القفال الشاشى امام عصره بماوراء النهر ، محمد بن على بن الحسين ابو بكر المودل النيسابورى ، محمد بن على عبدالله الزوزنى ، محمد بن على بن محمد بن يحيى النيسابورى ، محمد بن على بن مومل النيسابورى ، محمد بن على العلوى ابو جعفر اليمانى ، محمد بن على بن عمرو الاصبهانى ابو سعيد ، محمد بن على بن الحسن ابو بكر المروزى ، محمد بن على سهل ابو الحسن الماسرخسى ، محمد بن على بن بكر النيسابورى ، محمد بن على بن محمد ابو على الموذن النيسابورى ، محمد بن على بن الزراد ابو عبدالله البصرى ، محمد بن على بن محمد الرازى ابو الحسن الفامى النيسابورى محمد بن عبيدالله بن محمد ابو بكر بن عبيد النيسابورى ، محمد بن عبيدالله ابراهيم بالويه ابو القاسم النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابو الحسين بن ابى القاسم النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابو العباس مامله ابى العباس الذعولى السرخسى ، محمد بن العباس بن احمد الصنى ابو عبدالله الهرورى الوجيه الرئيس العالم رضى الله عنه ، محمد بن العباس بن حمويه ابو بكر الصيدلانى النيسابورى محمد بن العباس احب محمد بن جرير ابو بكر الاديب الخوارزمى ، محمد بن العباس بن

محمد بن قوهنارا بوبكر الكساسى النيسابورى، محمد بن عيسى بن محمد ابوصالح بن عيسى احد مشايخ خراسان، محمد بن على بن عبدل ابواحمد الجرجانى، محمد بن عيسى بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمد الحلوى النيسابورى من كبار عباد الصوفيه، محمد بن عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم ابو على الزعوزى النيسابورى، محمد بن عبدالعزيز بن على الحشتاب ابوالحسين، محمد بن عبدالعزيز بن على ابوبكر الجرجانى محمد بن عبدوس المقرئ ابوبكر المفسر، محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابوالحسن الزمجارى النيسابورى، محمد بن عبدان ابو عبدالله خدام الجامع بنيسابور النيسابورى محمد بن عمر بن محمد الاسفراينى ابوبكر الفقيه، محمد بن عبدوس بن الحسين ابوعبدالله السمسار النيسابورى، محمد بن عون بن اسحق المرزى ابوسعيد الزاهد، محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الكرايسى ابو احمد الوراق النيسابورى وكان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذكور ابوسعيد المقرئ النيسابورى، محمد بن الفضل بن العباس الشافعى ابوالفضل النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق خزيمه ابوطاهر النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الأريب البليخى الربيع، محمد بن الفضل بن محمد الفقيه ابوبكر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لولو الحلوانى ابوالحسين، محمد الفتح الأنماطى ابوالعباس المعدل، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور الصنعى النيسابورى، محمد بن القسم بن محمد بن الحسين الكرايسى النيسابورى، محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسى ابوبكر، محمد بن كافور بن كافور مولى احمد بن خديقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادى ابوجعفر التاجر محدث خراسان فى عصره، محمد بن يوسف ابونصر الامام الطوسى، محمد بن محمد بن الحسن الشيبانى ابواحمد النيسابورى، محمد بن محمد بن يوسف المقرئ

ابوبكر البخارى اللحيانى ، محمد بن محمد بن مجمش ابوطاهر الزناطى النيسابورى ،
محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمى الحنفى ابوالفضل الوزير عالم مرو رحمة الله
محمد بن محمد بن على العطار ابوسعيد النيسابورى ، محمد بن محمد بن احمد ابوبكر
البلخى ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق ابوالحسن الحربى النيسابورى ، محمد بن
محمد بن جعفر ابوبكر النيسابورى ، محمد بن محمد بن جعفر بن مطر ابواحمد بن ابي
عمر والمعدل النيسابورى ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضى ابواحمد الحافظ
امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخارى وعلى كتاب ابي عيسى الترمذى وصنف
كتاب الاسامى والكبى والعلل والمخرج على كتاب المزنى وكتاب الشروط وصنف
النسوح والابواب توفي رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنة
ثمان وسبعين وثلاث مائة وهو ابن ثلث وتسعين سنة وصلى عليه الرئيس فى ديوان الجين
ودفن فى داره ، محمد بن محمد بن حامد الترمذى ، محمد بن محمد بن عبدان ابوسهل بن
ابى عبدالله النيسابورى ، محمد بن محمد بن الحسن الكازى وهى قرية على فرسخ
من البلد ، محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل ابواحمد الصفار النيسابورى ،
محمد بن محمد بن عبدوس المقرئ ابو عمر والزاهد الانماطى النيسابورى ، محمد بن
محمد بن الحسين الترمذى ابوسهل ، محمد بن محمد بن يعقوب الحافظ المقرئ ابوالحسين
الحجاجى النيسابورى ، محمد بن محمد بن اسمعيل بن منصور الفامى ابوبكر النيسابورى
محمد بن محمد بن عبدالله بن عمر والجرجاني ، محمد بن محمد بن على النسوى ابواحمد
المعروف بالبغدادى ، محمد بن محمد بن يحيى بن عامر الفقيه ابوالحسين الاسفراينى ،
محمد بن محمد بن داود السحرى العدل ابوبكر ، محمد بن محمد بن عبدالله ابوالحسين
بن ابي عبدالله الحزنى النهروى ، محمد بن محمد بن اسحق الثقفى ابو عمر وابى العباس
السراج النيشابورى ، محمد بن محمد بن ابوزرعة الكشى ، محمد بن محمد بن الحسن بن

علي بن الحسين بن السري بن بزجرد بن سيويه بن شاپور الذي بنا نيسابور الفقيه
 الحاكم ابو الحسين الصفار النيسابوري ، محمد بن محمد بن شاده الزاهد ابو الخير
 الكرايمى النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد ابو عمر والفاهى النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن علي بن الحسن بن قتيبه ، محمد بن محمد بن احمد الفقيه ابو سعيد المطوعى النيسابوري
 محمد بن محمد بن سمعان الحيرى ابو منصور المذكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن
 احمد بن عثمان البغدادي ابو بكر الطرازي ، محمد بن محمد بن سعيد المعدل ابو طاهر
 بن الكسكرى النيسابوري ، محمد بن محمد بن سعد الانماطى النيسابوري ويعرف بابي
 الحسين المدني ، محمد بن محمد بن اسحق السعدى ابو احمد الهروى ، محمد بن محمد بن
 رجا الامين ابو نصر الزمام علي الضى النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد المعدل
 السراج ابو بكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن صبيح العمرى
 النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسين الكرايمى ابو عبد الله الخالدى ، محمد بن
 محمد بن عبد الله المطوعى ابو منصور النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن انس
 ابو نصر بن ابى الفضل الهرام النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن عبد الله السلمى
 النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق الكرايمى النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن اسمعيل الزاهد ابو نصر الكرايمى النيسابوري ، محمد بن محمد بن سهل بن
 ابراهيم النيسابوري ابو نصر امام اهل الراى بخراسان ، محمد بن محمد بن احمد المرزى
 ابو الفضل الروحى ، محمد بن محمد بن الفضل الخفاف ابو عمر والقهندرى النيسابوري
 محمد بن محمد بن ابراهيم بن سيمجور ، محمد بن محمد بن عزيز بن محمد ابو الحسن
 دوست محمد بن محمد بن عبد الله بن ادريس ابو عبد الله الاسترآبادى ، محمد بن محمد بن
 ابو عمر والرازى ، محمد بن عبد الرحمن النيسابوري ابو بكر ، محمد بن المومل بن
 الحسين الماسرخسى النيسابوري وكان احد وجوه خراسان رضى الله عنه

وما حالاتنا الاثلث شباب ثم شيب ثم موت ومن انساده في وقت دخوله على بعض الوزراء،
الم تى انى ازور الوزير و امده ثم استغفر و اتنى عليه و نثنى على و كل لصاحبه نسخر،
محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى
الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر المؤذن
الطوسى ، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدباس النيسابورى ، محمد بن نصرويه بن
البغدادى ابو عبدالله البزاز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد
ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المرزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف
الاموى مولا هم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه و ارضاه مدفون فى مقبره
شاهنبر ، محمد بن يعقوب بن يوسف الشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ و كان يعرف بن
الكرمان ولكن هونيسابورى وله تصانيف كثيرة و هو صدر اهل الحديث فى زمانه
رضى الله عنه و ارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصهبانى ، محمد بن يعقوب بن اسحق
ابو مصعب الاسفراينى ، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى ، محمد بن
يوسف ريحان النجارى الامير ابو الفضل ، محمد بن يوسف بن ابراهيم المؤذن ابو عبدالله
الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى
ابن محمد بن عبدالله العنبرى ابو العباس بن ابي زكريا النيسابورى ، محمد بن يزيد بن
محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى
ابو صادق نيشابورى ، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور
بن عبدالله خالذهملى ابو على ، منصور بن عبد الرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى
بن احمد بن سعدويه البردعى ابو بكر ، مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمر و ابي عبدالله الارغيانى
موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالينى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى
الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهروى ، محمود بن الحسين بن

محمود ابو حامد القطان النيسابورى ، محمود بن محمد بن محمود ابو محمد المطوعى من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابو منصور الدهقان القندشنى النيسابورى منصور بن عبدالله بن حمزه ابو نصر بن ابو نصر النيسابورى ، معاذ بن محمد الحسين المعدل ابو الحسن الانماطى المعروف بالمعادى النيسابورى منه المنان بن محمد بن سلمويه ابورشيد العدل النيسابورى ، مظهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابو على النيسابورى ، مسلم بن عبدالعزيز اليمانى ابو عبدالله الخصيب نوح بن قلعج بن احمد بن ابو حاتم النيسابورى ، نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب ابو الفضل الطوسى ، نصر بن حاتم بن بكر بن ابو الليث الشاشى ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابو القاسم المحمى النيسابورى ، نصر بن محمد بن عبدالملك الصوفى الاندلسى ، النعمان بن محمد بن محمود بن احمد بن الحسن الطوسى ابو الحسن الروغندى ، النعمان الجرجانى ابو نصر ، ناصر بن محمد بن ابى المعالى المروزى ، نعيم بن الحسين الجرجانى ابو الحسين التاجر ناصر بن عبدالرحمن بن ناصر ابو نعيم الجرجانى ، وليد بن احمد بن محمد الوليد ابو العباس الزوزنى ، وليد بن بكر بن مخلد بن ابى زياد العمري ابو العباس الفقيه المالكى الاندلسى ، هارون بن احمد بن هارون ابوسهل الاسترابادى ، هارون بن محمد هارون الصوفى ابوسهل الحمامى النيسابورى ، هارون بن محمد الازوارى الجوينى ابو موسى هبته الله بن الحسن الاديب النحوى العلامة ابوبكر الفارسى ، هشام بن محمد بن بكر ابونصر السرخسى ، لاحق بن الحسن بن عمران ابو عمر والوراق البغدادى ، يحيى بن منصور بن يحيى عبدالملك ابو محمد الحاكم العالم الدين النيسابورى الجرودى ، يحيى بن محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطا مولا ابى خرقا السلمى ابو زكريا العنبرى النيسابورى ، يحيى بن محمد بن احمد بن محمد الحسينى العلوى ابو محمد ابى الحسين بن ابى زياره النيسابورى رضى الله عنه ، يحيى بن محمد بن سهل الاسفراينى ابو زكريا ،

یحیی بن محمد بن احمد المقرئ ابو بشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحاق، یحیی بن عمرو بن صالح بن محمد بن یحیی ابو زکریا البشتی، یحیی بن احمد بن ابو عمرو والمخاضی النیسابوری، یحیی بن اسمعیل بن یحیی الہزکی ابو زکریا الحریری النیسابوری، یحیی بن یحیی بن عبد اللہ ابو زکریا الہمسودی البخاری، یحیی بن محمد بن احمد بن احمد بن المذکر الطوسی ابو زکریا، یحیی بن محمد یحیی المعدل ابو القاسم الصبدانی النیسابوری، یحیی بن زکریا بن الشاہ السرخسی ابو منصور، یحیی بن احمد بن ابو زکریا بن ابی طاہر السکری النیسابوری، یحیی بن عبدالرحیم بن یحیی ابو زکریا الحیری النیسابوری، یحیی بن عثمان الواعظ السحری ابو زکریا، یوسف بن یعقوب بن اسحاق، یوسف بن احمد بن سلیمان الدیر عالی، یوسف بن یعقوب بن ابرہیم البغوی ابو یعقوب، یوسف بن اسحاق الفقیہ ابو الحسن الجرجانی، یوسف بن اسمعیل بن یوسف ابو یعقوب الساوی، یوسف بن محمد بن محمد بن یوسف ابو الجراح الطوسی یعقوب بن احمد بن محمد بن یعقوب الخسر وجردی ابو یوسف البیهقی، یعقوب بن محمد بن اسحاق بن یزید ابو یوسف المذکر النیسابوری، یاسین بن محمد بن محمد بن یاسین ابو یوسف النیسابوری

قال الحاکم الامام ابو عبد الله الحافظ النسابوری وقع الفراغ

بعون الله وحسن تقديره شهر رمضان سنة ثمان وثلثمائة

فذكرت بعد الاربعين سنه منها شيوخى واخوانى الذين استعدت عنهم حديثاً
 او حكاية او انشاداً وخرت من العلوم الى هذا الشهر فعلمت وفاة من توفي من هذا الوقت،
 عبيد الله بن محمد بن عبد الله ابو الفضل الفامي النيسابورى ابو على بن ابى الصامت بن ابى
 محمد النيسابورى، محمد بن احمد بن محمد السسختيانى النيسابورى، العباس بن

ابی القاسم الرمكى الوزير النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد ابو الوفا البزاز النيسابورى
 محمد بن محمد بن على بن سهل بن مصلح الفقيه ابو بكر الماسر خسى النيسابورى ، ابو بكر
 بن محمد بن محمد بن على بن بكر النيسابورى ، عبدالعزيز بن عبدالله محمد بن عبدالعزيز
 ابو عمر والنيسابورى المعروف بابى عبدالله الهروى ، يحيى بن يحيى بن احمد بن ابوزكريا عمر و
 الخلدى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ ، مهدي بن محمد بن
 محمد ابوسلمة الصيدلانى النيسابورى محمد بن عبدالله ابو العباس الزاهد السختياني
 النيسابورى عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابو القاسم بن ابى بكر المسكى التاجر النيسابورى
 عبدالله بن احمد بن محمد الماسر خسى النيسابورى ابو محمد ، محمد بن احمد بن عبدالله بن
 سليمان السايطى ابو عمر والنيسابورى ، ختن ابى بكر بن اسحق محمد بن عبد الاعلى بن
 محمد بن ابو بكر الشاهد النيسابورى ، محمد بن احمد بن حبيب ابوسهل المقرئ النيسابورى
 ابراهيم بن محمد الاصبهاني ابو اسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابو حاتم القهندرى ،
 فاطمه ام على بنت ابى جعفر للنيسابورى ، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابوسهل بن
 اخو الحاكم المصنف النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن ابراهيم ابو الحسين النيسابورى
 ابو على ، الحسين بن شيخ الرئيس ابى الحسين النيسابورى ، على بن عبدالله محمد بن
 جعفر ابو الحسن الميسكى احمد بن عبدالحميد بن عبدالرحمن النيسابورى ، محمد بن
 احمد ابو بكر الفراضى البطحى النيسابورى ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الرومى ابو
 محمد الحيرى النيسابورى ابو عبدالله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابو عثمان السكرى
 النيسابورى ابو القاسم على بن محمد بن على الجرجانى ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد
 بن حمد ابوسعيد النيسابورى ، الحسن بن داود رضوان ابو على الفقيه السمرقندى ، عبدالله
 بن احمد المذكور ابو الحسين الحنبلى وهو ابن بنت على الجنابدى ، محمد بن على بن الفضل
 بن محمد الخزاعى ابو نصر النيسابورى ، محمد بن على بن الحسين الحلقاتى المعروف بابى

نصر القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادى النيسابورى ؛ محمد بن احمد بن محمد ابو بكر المقرئ النيسابورى ، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزكى النيسابورى الحسين بن محمد بن ابراهيم ابو على النسوى ، ابو سهل بن ابى بشر بن محمد هارون النيسابورى ابو سهل بن ابى القاسم النيسابورى ابو بكر ، محمد بن محمد بن جمش النيسابورى ، محمد بن ابى اسحق الكيال المطوعى الجرجانى ، محمد بن محمد بن احمد المعدل ابو عبدالله شيخ اهل الراى النيسابورى ، يحيى بن يحيى بن عبد الرحمن ابو احمد النيسابورى ، عبدالله بن محمد بن احمد الصوفى الزاهد ابو العباس السخيتيانى النيسابورى ، يحيى بن عبد الرحمن ابو زكريا العاصمى النيسابورى طغرل الترك مولى الشيخ العميد ، محمد ابو عمر والسليطى النيسابورى ، السيد ابو الفضل احمد بن محمد الحسينى العلوى النيسابورى ، محمد بن عبد الاعلى بن محمد ابو بكر الفقيه النيسابورى ابو اسحق محمود التاجر الاصبهاني ابو سهل بن حبيب المقرئ ابو عمرو بن على الانماطى ، عبد الرحمن بن عبدالله بن حمدون ابو سعيد ابو نصر العصلى العارضى ، محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الدستى على بن محمد المذكر ابو الحسين المهرابى ، عبدالله بن محمد بن على ابو محمد النيسابورى ، عبدالله بن محمد بن عبد الله ابو القاسم المطوعى النيسابورى المعروف بالحرصى ، محمد بن عبدالله بن محمد ابو نصر الصوفى الانماطى النيسابورى ، على بن محمد بن احمد ابو الحسن السليطى النيسابورى ، على بن محمد بن احمد بن الحسن ابو الحسن المعادى النيسابورى ، ابراهيم بن احمد بن حمزه ابو اسحق الوزير الحسين بن على بن الحسين الجورى النيسابورى ، محمد بن الفضل بن محمد بن يعقوب النيسابورى ، شيبه بن محمد بن احمد بن ابو محمد الشعبي النيسابورى ، عاصم بن يحيى النيسابورى ، ابراهيم بن محمد بن ايوب الفقيه ابو اسحق الطراحي النيسابورى ، محمد بن احمد بن حاتم ابو خاتم الطوسى ابو عمرو والحموسى احمد بن ابى الفراقى الاستوائى ، احمد

بن منصور بن عبدالله اخو المعتز النيسابوري ، عبد الرحمن بن محمد ابوسعيد الشريفي
الصوفي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ابو الفضل بن الرئيس النيسابوري ،
محمد بن احمد ابو بكر الحموسي الفقيه النيسابوري ، محمد بن احمد بن حمويه ابو الحسن
الرئيس بايورد ، الحسن بن محمد بن شادان الشاهد ابو محمد النيسابوري ، محمد بن
احمد بن معاد ابو بكر الفامي النيسابوري ، عبد الرحمن بن عبدالله بن الشيخ ابي بكر
علي بن محمد الفازي ابو الحسن القطان الجرجاني ، عبد الحميد بن محمد المذكر الخانقاهي
ابو القاسم ابوسهل البقال الواعظ ، اسمعيل بن الشيخ ابي علي العبدوي النيسابوري ،
علي بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله ابو الحسن الحداد النيسابوري ، علي بن محمد
ابو الحسين بن غلطان الخياط النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن علي الصفار ابو محمد الشاهد
محمد بن احمد الهولي ابو نصر النيسابوري ، محمد بن علي بن الفضل الخزاعي ابو بكر
النيسابوري ، محمد بن علي الطبري ابو جعفر البلاذري الشريف ، ابو جعفر بن ابي محمد
العلوي العباس بن محمد بن علي بن معدويه ابو جعفر بن ابي الحسن صهر الحاكم المصنف
النيسابوري ابوسهل بن ابي بشر ، محمد بن هارون التاجر عبد الرحمن عبدالله بن علي بن
محمد بن سختوية النيسابوري ، محمد بن علي المذكر ابو جعفر الجوردي ابوسهل بن
مهزبان العدل النيسابوري ابوسعيد الفازحي الفقيه وتوفي سنة اربع مائة ، محمد بن يعقوب
الفقيه الزاهد ابو بكر بن مخلد بن بنت ابي بكر بن ابي عثمان الزاهد النيسابوري ، احمد
بن محمد ابو نصر البالوي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن محمد بن عبدالله الغنبري
النيسابوري ابو احمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهرسنان بن عمرو بن محمد بن ابو
منصور فاطمه بنت بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمه سمعت اباها وحديثه و توفت
رحمها الله في رجب سنة اثنين اربع مائة والله تعالى اعلم .

قال الحاکم الامام ابو عبد الله النيسابوری سألتی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهى
الی من بناء المسجد القديمه بنسابور والقهندز والمدينة الداخلة و ذکر الاودية والمعالم
والرسایق والارباع فلم احد السبیل الی الاستقضاء فيه بالاسانید فقد اجبتهم ان اذکر
بعض ما يمكن ذكره بالاسانید وهذا کلام الامام الفقیر محمد بن الحسن الخلیفه
النيسابوری فترك الاسانید اعتماداً علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتمنا بأمن الاطالة

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیهها و محولات
نيسابور و آنچه تعلق بامثال ایرا، مورد دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنا نهاد انوش بن شیب بن آدم بود
علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرگ سفید مدور امس نهاد و از اینجهت در افواه
خالق بود که آنرا قلعه حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند
گاه ماند ذوالایکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تازمان ایرج بن
افریدون هممل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر بالشکر عظیم بر ملک ایران غلبه
کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره ماهر بود دفع او متعذر
بود در اثناء اینکه در ملک ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری نبود
بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از اینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف
کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال و ادبیا روان چشمه اجاری اشجار
مشهره ثمار لذیذه میدانی مستزیر جبال محیط در شگفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنا
کرد و دیوارها احکام کرد و بسی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در
زمان ایرج افریدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد .

ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبه حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بعمارة و رفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند بس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیدا شد و دررن قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

ذکر بناء شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت منجمان و فال گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه روی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود هر مز بود مادرش را از حال بسرش خبر کردند در محافظه آن بسر قوی جدی مینمود و وزراء بدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج بدرش می فرستادند و مادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنج مصلحت میدیدند در مملکت جهت آن بسر حکم میکردند و احکام می نوشتند و بسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند و او را شاپور نسام نهاده بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر پادشاه بقصد آنک چون پیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد و بشاپور شهره یافت یعنی شاهزاده و بحسب دنیا عالی همت بود و زای صائب داشت ملک شرق و غرب او را مسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور در حوالی قهندز بنا نهاد و معماران و عمله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق حفر کنند و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بودرفت و ایوان مسدائن بساخت و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره بساخت و شهری ساخت فیروز شابور نام نهاد و بعد ما بنیسا بور عود کرد و بر حوالی شهر خارج خندق عمارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز بیش از آفتاب بسر کارها روند و هر که از رعایا پیش از آفتاب حاضر نشود زنده در میان خشت و گل دیوار گیرند و جنان کردند و خاق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از سنین کثیره که چندران و بنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل برخاک میافتاد و آن انبارده از سده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود عمر و بن لیث که والی نسا بور بود خراب بود و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنانهاد چه شهر قوی و وسیع بود و اسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون شابور بمملکت دررفته بود لشکر ترک بار دگر بر ملک ایران غلبه کردند چون شابور باز آمد خاق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا باشکر جرار بسر آن اترک رفت و بمحاربه و مقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج کرد و باز بنیسا بور آمد بوقت طیب هوا و زینة فضا و کثرة غذا و سعة معاش و رتبه ارتباش و سکون غبار و ثمار بسیار و عذوبه میاه و اسطامه جایگاه فارغ البال منتظم الحال مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر منصور اینجا مقام نمود و بناء شهر متصل بقهندز و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشبیه اساس فرمود و محلات و عمارات بهم واصل کرد و خندق شهر و قهندز بهم متصل کرد و بر جارجانب شهر جارجار

دروازه مرتب داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و مهندسان رافرمودو طریق بنا بایشان نمود تا جنان بنا نهادند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چار دروازه در درون شهر سطوع کردی و آن از عجایب بناها بود و بوقت غروب از هر چار دروازه آفتاب در نظر بودی که بوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زمان بنیان بر آن سان بود و بنام خود شهر را نام نهاد.

امام حاکم فرمود و آن بناست که تاغایه اثر آن پیدا و علامه آن هویداست و در وقت حفر خندق بوی خیر آوردند که گنجی پیدا شد اندک اهتمامی نمود و ضبط آن یکی از نواب فرمود گفتند هشتاد خروار زر بود از آن اهتمام بشیمان و از آن نفعات پریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پن داشت و ترسید که بر قصور همه او فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نفعه کنید و دیگر ذکر آن نکرد.

ذکر ارتفاع زمین نیشابور نسبت با بلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع مقام مسکون است و یک دلیل آنست که در دو این قدیمه نام این شهر ابر شهر نوشتندی یعنی شهریکه بابر نیز یکست از کمال ارتفاع خصوصیت دارد بابر او را بابر اضافت کنند و دیگر دلیل آنست که معتدل الهواست نه حار مفرط نه بارد مفرط نه سموم مفسدمه ملک بخلاف باقی ممالک

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهند ز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور
داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دبه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر است
و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوجها و محله‌ها شهر معدود از بنیان بلده اما :
آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

و نا مه‌ها دیه‌ها که یک‌کان یک‌کان بوده هم‌کنان بعماره همه را جمله ساختند این
است .

الزیق بویا بساد ، حنانه خشک ، شحنه علیا ، شحنه سفلی ، ماهکاباد ، سورین

کوی ، دزدان ، زمجار سفلی ، زمجا علیا ، باغ کبار ، وینکاباد ، عارکاباد ، دودیه یهود

باغک و شهر ستانه ، شاپور و این را نصر آباد گفتندی ، لعانچی سفلی ، بشمانا باد ، دار بچرد

حیره طبرانه و این را کوی دزکان گفتندی ، وافکر سلیط ، وافکر معاد ، مناسک سفلی

مناسک علیا ، خر قن علیا باد ، حافظ محفوظ ، باغ بهله ، برزگر اباد ، محمد آباد ، خول ،

خندرون ، کنار سفلی ، راقعه ، سیمجر دعلیا ، سیمجر دسفلی ، حفصا باد ، تلاجرد علیا ،

تلاجرد سفلی ، حنجر و دعلیا ، حنجر و دسفلی ، سهل تاشیش ، قناه ، خشانه قنایه حمزه علیا ،

خرکاباد ، عمرویاباد ، قناه علیا از جودی ، بابطاق ، و مسجد قریه بود ، جوری علیا ،

جوری سفلی ، حوسق ، سیمسنویه ، حایط ، سلمه ، سوانقادر علیا ، سوانقادر سفلی ،

ورودهای و فراتا باد ، و دستجرد ، سهرامقان ، قناه جهم از دستجرد ، ماغین ، گرم بکر ،

فازر شک و رقاب فلانس ، این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر بکسر عمارت همه محلات

رکوجها شهر شد و باغات و بساتین و مقابران در محلات داخل گشت و بقضاء ازلیه
 در سنه خمس و خمسین و خمسمائه دور و قصور خارجه و داخلها
 تویق اذازلزلت الارضش کرد دریک دوسه دم عالیها سافلها

ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

و تمامی محلات جل و هفت بود و یک محله متوسطه را که نه بزرگ و نه
 خرد محله جولاهکان گفتندی سبب کوجه زیادت داشت: محله حیره، محله جامعه،
 فایده بود. اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار
 از سر حیره بود و مقطع او قریب روضه سلطان حسین و یک فرسخ هست تقریباً
 و تمام پوشیده بود

محله بویاباد در عماره و رتبه و جلاله اهل محله مواضع را بآن مثل زدندی
 ابو مسلم مروزی رحمه الله بیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد در کاروان
 سرائی بر زبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی
 جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون دید بر رسید که نام این محله چیست
 گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را گند آباد گردانم و برفت دیگر
 بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمول نشد

محله مولقا باد بیوسته اعلاء حیره است

محله میدان زیاد بغایه بزرگ بود.

محله نصر آباد اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود جل بازرگان بود در آن محله بوقت عبدالله طاهر بهر عیدی
 یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست و طریق تر گفتند حسین بن محمد نصر آبادی او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عادة ایشان پرسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمة و دعوه و سخاوه نفس او بیش او اندک نمود گفت خراب مباد شهری که دروجنین ارباب مروءه باشد.

محلّه دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که بآب آن تبرک جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محلّه و حوض مستوفاً ذکر خواهد شد بطریق ارضح.

محلّه الزریق ، محلّه مناسک علیا و سفلی گوید اعلی حده شهری بود محلّه دیز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک طلبه دیز و اهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت .

محلّه نماد آباد بزرگ بود

محلّه باب ابی الاسود محلّه قباب محلّه خواست متصل شادیاخ است محلّه شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد

محلّه جلاباد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلّه تلاجرد محلّه قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل بجنجرودمحلّه حفصا باد

محلّه خمز کاباد محلّه بزرگ بود

محلّه محمدآباد درو ریاض و حیاض است

محلّه قزّ محلّه بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعمارّه وارفح محلّها بود و آب
وهوای او خوشتر بود ووصف او بیاید

محلّه در باغ و آن باغ ابو مسلم بود صاحب دولت

محلّه باب عقیل محلّه باب عسگر همه بازار، اش بز ان و طعام فروشان بودی و بازار
علافان

محلّه باب عروه محلّه حرب، محلّه باب معاذ، محلّه بیدستان درخت بید بسیار بود درو ،
محلّه مرتعه محلّه سرپل ، محلّه دزدان موضع کنار نك بود و او در جاهلیه ملك
خراسان بود

اما بعبدالله بن عامر او کاغذ و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد
محلّه باب معمر، محلّه در باغ مالا جرد ، محلّه میدان حسین و او صاف بسیار
دارد محلّه سمیجرد، محلّه الرقیبا، محلّه جولاهگان محلّه جودی، علیا عید گاه آنجا بود
و در و بساتین و آنهار بسیار بود

محلّه جوری سفلی محلّه سر کوی محلّه سنجد ستانه ،

محلّه باغ رازیان اهل علم و تجارة آنجا بسیار بودی

محلّه باغک متصل بود بمحلّه قز عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او
آنجا است

محلّه زمجار محلّه خر کلاباد متصل بز مجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی
محلّه سر واقه طرف مغرب بود محلّه کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات
معمور بوده و اوصاف بسیار هر يك رافی الجملة نوشته بود چون حالا نیست نبشته نشد
یا قومی را ابو مسلم از شهر بیرون کرد محلّه داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.
 امام حاکم رحمه الله و رضوانه علیه فرمود که بنقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد کی
 بوقت حکومت عبدالله بن عامر بن کریز بن حبیب بن ربیع بن عبدالشمس در بصره
 و حکومت سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کنار نک
 که والی خراسان بود و او مجوسی بود نامه فرستاد بایشان و ایشانرا بخراسان خواند
 و بفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروه در مرو کشته گشته و مقصود نامه این بود
 که اشاره بساره ظهور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایه و احکام سید انام و
 شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة و السلام باستماع جموع
 این اماکن و مقام رسیده بیماران ضلالت فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء
 هدایه تشنگان شربت عنایه دلزندگان عهدازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم بر راه و
 گوش بر آواز منتظرند.

گریاک نظر بسوی من خسته می کنی همچون مسیح مرده بدم زنده می کنی

ایشان این خبر با امیر المؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده
 خلع جنة داد که هر کدام سبقه گیرند و در نشر نور اسلام جد نمایند و بوالد و حافدو
 ولد و جد باز نمایند حکومت درین جهان و درجه جنان در آن جهان اورا باشد

فرمان مدینه را ز جابر جستم احکام همی گفت کمر می بستم

عبدالله بن عامر سرعه نمود و سعی فرمود و عن قریب بازادوار چوین نزول کرد
 و سعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید و هر يك از راهی دنیوی بطلب
 جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقه عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود و اهل ازاد وار

بسلام اسلام یعنی بصالح صلاح درآمدند. وجوینی گندم که داشت دریغ نداشت. عبدالله عامر، عبدالله خازم را طلیعه لشکر کرد و بالشگر خود و اهل جوین برای صائب و فکر صواب قصد صوب نیشابور نمود و بفیروزی و به روزی طلایع جیوش اسلامیان جوانب ان شجاعه و استیلاء اسلام بسکان آن مقام نمود پس عبدالله عامر از عقب رسید بالشگری جرار و شیجمن کرار در میان دو دروازه جرجان و فارس فرود شد بماهی و بر شد بماء بن نیزه و قبه بارگاه.

و آن نسا اهلان نسابور بر جوانب برج و بارو معرضین عن التذکره

کانهم حمر مستنفره فرت من قسورة بیاطل برحق اعتراض کرده و چون خران از شتران اعراض کرده از شرع اجتناب و در دین ارباب نمودند و تا نه ماه شام و سحر گاه مقابله و مقاتله امتداد یافت بعد هاشمی لشگریان در برجها درجها کردند و بقوه بازو در بارو نامها افکندند و ریشه ریشه های کافران چون سلمها برکنند چون مدة حمله جمله شهریان تمام شد بامداد رافتح الباب دست داد و چون نه ماه تمام شده بود وضع حمل دوازده روز حرب نمودند و مستسلم و منقاد گشتند.

روایة اخری

امام حاکم رحمه الله فرمود چون از زمان مجاهده و محاربه تا وقت این کتابه سنین کثیره گذشت لاجرم در خبرها اختلاف واقع گشت.

روایتی دیگر چنان است، و این روایة در تاریخ عیان است، که چون مکتوب امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه بعبدالله عامر رسید، بالشگری همه کریمان، از راه

کرمان، و باجیشی همه موافق، و در استان بناحیه قهستان، نزول کرد و بقاع و قلاع آنرا بعده بسیار، و مدت اندک، فتح فرمود و بدست هداة، بهراة، مکتوبات فرستاد، و ایشانرا باتباع طریق رشاد، و شداد، و سرعت خروج بسوی او و اداء خراج باو دلالت کرد جواب فرستادند که مآل حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، ابر شهر مشهور یعنی نیشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، و طوس و ایبورد، و نسا دران تاریخ توابع نسابور بود بس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و اعلام مجامعه فی سبیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره پوشیدند برزان جاه طاعی و یاعی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة وصوله، بدیدند او نیز باحمران دیگر از میدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز دویدند و، بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیردستان کرده بر بالای دیوار حصار و دزقهندز کشیدند، و یکماه تمام از صباح تا شام و از اول شام تا بانگ خروس آواز و خروش جنگ بود، ناگاهی شبانگاهی هوا متغیر و حرکه متعذر گشت و غمام بر تمام جوانب ابر شهر احاطه کرد، و از میغ بی دریغ بر آنها چون تگرگ باران شد، و غموم بر دلهای مؤمنان عوم یافت، اقربا از زبان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم و از عریبیم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوذی و البردیقتل لعن الله العجم یموتون

من البرد و یقولون خنکل گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و لواء کوچ برافراشت و آن لشکر را بملاطفه و مکالمه اجامی از قند بمرغزار غند بردچه از دید که آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون چند روزی نبح و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف بر طرف جو بیابان مرغزار متراکم شد که از تلوچ بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان دست بردی نمود که از خوف شرا و شرر آتش را از جوف آهن و سنگ گدازه حرکت نمازد.

سرماست جنانکه بینی گوش و فسرد
سرماست جنانکه دیک در جوش فسرد
کر آتشکی مانده بدور دوزخ
آن نیز پریرودینه و دوش فسرد

ضعفا دلها از غم بختستند، و سرما و هواء نسابور باز جستند، معتق که یکی از مهربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم، و هر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهورست، بیرون در خانها با جامها زمستان بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بهار آید بصلح یا بجنک آن شهر بچنگ آوریم و هر جا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیعه لشگر کردند و عبدالله عامر در آن زمستان بنیسا بور باز عبور فرمود، و برزان جاء مذکور ضال مضل نسابور را از آن معاد و مخافة تمام مراجعه کرد، و قوی ضعیف و سخت سست و حال او تنگ بدشد. و آن قلعها و حصارها بتأیید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنارنک باستانه عبدالله عامر آمد، و خراج ابر شهر یعنی نسابور و طوس هفتصد هزار درم که قریب پیمانصد هزار مثقال نقره باشد با بسیاری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، و چون این فتح دست داد ملوک خراسان از هراه و بلخ و مرو و غیر آن دیدند، جاء نصر الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا و اموال کثیره از انواع زرو نقره و ثیاب و افراش

و مواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بسادا

آن فوج مسلمان شد تا باد چنین بسادا

و عبدالله عامر درون شهر بقیعه محله شاهنبر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت و سرائی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود در بیان کرامه و شرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی

ان عامر بن کربزاتی با بنه عبدالله الی النبی صلوٰة الله و سلامه علیه و هو ابن خمس اوست

سنین فقبل النبی صلوٰة الله و سلامه علیه ان ابنک لمسقا قال فکان یقال لوان عبدالله قدح

حجر اماهه یعنی یخرج الماء من الحجر من بر کته: ترجمه و العلم عند الله آنست که عبدالله

بسر خود عامر را بحضورت خواجه ماصلوٰة الله و سلامه علیه برد و او پنج ساله بود یا

شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه ماصلوٰة الله و سلامه علیه در دهن او آن سعادت مندازل

و ابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فرمیدد آب دهان حضرت خواجه ماصلوٰة الله و سلامه علیه

بس فرمود حضرت خواجه ماصلوٰة الله و سلامه علیه بدرستی که بسر تو این هر

آینه آب داده شده است

بس جنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سر پائی بر سنک زدی و خواستی

انفجرت منه اثنتا عشرة عیناً روان شدی از یک سنک ده سنک آب از برکت آن تربیت

امام حاکم فرمود رحمة الله: که چون عبدالله نسابور فتح کرد عبدالله بن طاهر

را در نسابور بگذاشت و خود بصره رفت و بدر خود را بازیافت بعد ها باز به

نسابور باز گشت و در همان حوالی و سرای خود که بشاهنبر ساخته بود نزول فرمود

و از نسابور بهمه بلاد و اماکن امر افرستاد و نسابور دارا ماره و سلطانه کرد و اموال این

ممالک همه بنی نسابور آوردندی آنج بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نسابور بچنگ مسخر شد واضح آنست و بیشتر

مشایخ بر آنند که نسابور بصلح فتح شد

و نقلست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج برایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها بحیاط موات راضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چهار ربع و همه ولایاتی که تعاقب نیشابور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نیشابور بود گفت تو امیر مایی نه شریک مایی و این شهر ما بصلح فتح شد نه بقره و جنگ آنچه بقره و جنگ آنچه فتح کنند در آن خراج است و آنچه بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنچه حاصل کنیم عشر آن بمسئولان رسانیم و مع هذا خراجی نیز بتو بدهیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر و در دوا این ثابت است اگر بآن رضا دادی فیما بینا و نعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار بریم و آنچه خواهیم ذخیره کنیم پس بیا و جنگ کن اگر بقره و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحت تو کن و هرج خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تامل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل این شهر یعنی نیشابور برد و بنابر هزار هزار درم و دوست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار و پانصد هزار و جل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمه الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نیشابور بصلح فتح شده نه بجنگ و آنک نیشابور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

مفاخر نیشابور قدیم که بر که آن تا ابد برسکان این بلد
فایض و باقی است

از جمله انک چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار
رب العالمین ولی الله صغی الله فلذة کبدر رسول الله صغوث الامه و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواص و
اضطرار المذنبین الی الاخلاص لامتحان الاعمال بموازیین الاخلاص حین النجات والاستبانت
یوم البعث کما و عدفی المواقف الثلث عند المیزان و بطائر الصحف و الصراط یبسط
بساط الشفاعة و السری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن
علی بن موسی الرضا صلوة الله و سلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم
اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهر عثمان و اربعین و مائه نور مقدس ایشان ظهور یسافت
و در شهر اربع و تسعین و مائه ببصره بدرس حدیث و نشر علم بنصره دین آفتاب
هدایه ایشان برامه تافت و بتدوین نسخه مبارک صحیفه تقویه مملیه حنیفه فرمودند بس
بمقتضای قضای ازل و حکم میر قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند و در سنه
مائین من الهجرة نشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جنان شد و جون بشاره سطوات
شعشعه اشعه آن نور بر قطر نشابور میان سکان شیر مشهور شد قطب الانام کبف العلماء
برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی
قدس سره شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایه بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن
باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیه تا قریه مویدییه با چند هزار صدیق رفیق در
پی یشوا رفتند

و نقلست که حضرت سلطان صلوات الله علی رسول الله و علی آلهم در محفل

ناقه عضباء خود سوار بودند و قد و اهل اهل انس و انیاس شیخ محمد بن اسلام طوسی را قدس سره در محفۀ دیگر اجلاس فرموده بودند فایده فبر این دو بز گوار در نیشابور برکناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضۀ تلاجردر بناه يك صنعة قوی بهم قریب است وان اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اعبرت قدماه فی سبیل الله حرمة الله تعالی علی النار دامن تاتمه ساق بر کشید و شربت و عدۀ کمال قربت چشیده زمام خطام مر کب حضرت انام اولیا ملک اعلام بردوش احترام گرفته

و نقاست که متوجه بآن ابرار ذره وارد رهواء زلا ازوراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میگرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بر وزقیام ملک اعلام جل جلاله وسیله نجاج و وصیله فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و مہار کش مر کب حضرت سلطان خود بوده ام و چون بنسایبور ورود فرمودند در محله قز در کوجه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواہ و استماع فقراء مشہور بود که جار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلم عند الله

و آن استانه منزل مبارک کہ مہبطه ارواح مقریین و مطاف ملائکہ علیین بود مانده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابہ دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانہ ولایت مرتب و بانواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامہ کہ در آن محله واقع شد آن بود کہ بر سر آن کویچه حمامی خراب و قناتی بایر و محوطہ بود کہ آنرا حمام و قنات و محوطہ کہلان گفتندی اهل محله بعمارہ حمام اہتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد و قصد میداشتند کہ چون عمارہ تمام شود اسان آب از چاہ یاغیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی خرج و خرج و سعی مقنی از قنات کہلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلوٰۃ الله علی رسول الله و علی الہ الائمہ المعصومین اجمعین بآن

حمام درآمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرک شد و آن حمام بنام مبارک ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی .

وامام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست و متبرک خاق است ، يك كرامة دیگر آن بود که روزی يك بادام بیکی از خدام دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید خدام چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و در همان تابستان بادام بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و پوست و میوه آن درخت سبب برگ و نو و او صحت و شفاء مرضی آن زمان بودی تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد و از قصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که که محل آن درخت داخل قصر او می بود و درخت را انضاره بذبول بدل رفته بود و بعضی اجرا و معمار و نجار را گفت تا آن را قطع کنند عماره تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بودهم در زمان اندک مردند بعد از چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعمار همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کنند اصل آن درخت در زمین نمود تمام قصه گذشته با او گفتند چون دلش سیاه و قصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد و چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل بنداست و آن بی اصل آن اصل را برداشت عماره ناساخته او همه آن اقوام در اندکی از ایام هلاک شدند.

واز فواید مقام خدام ایشان بنسب اور

یکی دیگر آنستکه روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلوات الله و سلامه على رسول الله و على آله الاثمه المعصومين التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوة بیشتر طفیلیانرا بنشاندی بس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی تا انتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعظام و علما و اشراف آن شهر را جمع کرد و عاده دیگران بود که در مجامع ایشان صفها صدربودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف ایشان صفها صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکاونماق مصروفه ایشان صفه التفات فرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صدر صدور و منازل افاضل شد و منبعدان يك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمه و تغرز برداشت .

وازمفاخر نیشابور

دیگر آنستکه روزی حضرة سلطان صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی اله المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارک اشاره فرمودند باب کعبه در مواجهه نموده شدوان محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز میگردد واقع است.

وازمفاخر نیشابور

دیگر آنستکه حضرة سلطان صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتی که فی الجملة حکایت آن اینست

که مخدوم ما اینجا مدفون است بزیرا ایشان رویم و بروضه سلطان محمد محروق در تلاجرد تشریف آوردند و آن روضه مقدسه را زیارت فرمودند و حال آنکه سلطان محمد محروق در مرتبه نسب با والد حضرت سلطان صلوات الله وسلامه علی رسول الله و علی جمیع آله الائمه المعصومین مساوی دارند و بیان هر دو نسب چنین ثابت و محقق است

الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المومنین ابو عبدالله الحسین بن امیر المومنین کرم الله وجههم .

و نسب دوم الامام محمد بن الامام محمد بن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المومنین ابی عبدالله الحسین بن امیر المومنین کرم الله وجههم

واز مفاخر نیشابور

دیگر آنستکه اگر چه ائمه سادات در خاک باک بسیار روضات دارند اما اگر روضات قرب از عیون اعیان و صدور نسابور بشویده است مگر آنکه در یکشنبه شانزدهم جمادی الاولی سنه اثنین و ثلثین و ثمانه مائه در قرب جوار روضه تلاجرد روضه سلطانی از اهل بیت قدوة اولیا و اعفیا صلوات الله علی رسول الله و علی اله الائمه المعصومین اجمعین پیدا شد باین لقب و نسب که مسطور میشود مکتوب بر ورقی منشور درسی معمور بخطی مطبوع موضوع درون روضه حضرت ایشان :

هذا قبر الشریف الحسین بن ابو عبدالله داود بن علی بن عیسی بن محمد بن

القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب کرم الله وجههم دفن فی تلاجرد العلیا توفی رضی اله عنه لیله الخمیس من ربیع الاول سنه اثنین و ثلثا مائه من الهجرة و اُذدر خانقاه تلاجرد بجانب شرق بمقدار ده ذراع تقریباً روضه مقدسه ایشان است رضوان الله تعالی علیهم اجمعین .

وازمفاخر شهر قدیمی

این قصه کریم در السنه مذکور و در افواه مشهور است که حضرت سلطان صلواته
 الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله وسلم در نسا بور به منبر بر آمدند و نقلست که چند
 هزار دوات و قلم اعیان و امام مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افاده ایشان می کردند
 حضرت سلطان این حدیث معنعن از اباء اولیا اصفیا خود با حضره خواجه کائنات صلواته
 الله وسلامه علیهم وعلی المهم الائمه المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :
 التعظیم لامر الله والشفقه علی خلق الله

دیگر از مفاخر نیشابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت
 وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین
 درین اجزا و اوراق سابقه ذکر شده و هریک را از کرامات و مقامات بسیار بود که این
 نسخه قابل بیان آن نبود.

وازمفاخر نیشابور

امام حاکم رحمة الله فرمود کی از دلائل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن
 قریب و دور آنستکه: شمار در هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الا نیشابور کی
 مثل امروز و سیب و بهی در دوازده ماه هر گاه که خواهید فی الجملة موجود است و
 در قرب نه ماه و ده ماه انگور و خربزه تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و
 در یوزه توان یافت و از آن شمارش بتهای نافع توان گرفت و در بلاد شرق این مذکور است
 اگر باشد زود منقص شود و نیشابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظه مساهله
 نموده باشند.

امام خاکم فرمود که نسابورست، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلایا، مصر امصار حلیه مقدار، عروس بلدان، خزانه خراسان، داراماره بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مرو، وموطن ادیان، مقرسلطان موضع اعلام هدی، مطلع انواربتی، رحمت دروی نازل، برکت باد واصل در نسابور زنیور کند و جهان پرانگین کند، زیره اوفیروزه، وحصول آن نجرهر روزه، حجر او جوهر کمر او نقره وزر، نبات او بر اطراف عیون وجالسان زیباش در ومخافه سهوم نی مرض او را عموم نی سلاطین با ماره ان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظاما، ماوی اشراف، مشوی عدل وانصاف، همه چیز اوموصوف، سکان او بسخا وجود موصوف اهل کمال را درو مقام همه کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

ذکر وادیهای نیشابور

امام خاکم فرمود که میان یکی از نیشابور و دیگری از شهری دور معارضه شد غریب گفت در شهر شما مسافر را باب نیست و در صحرا راهگذری را آب نیست در بلاد دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه مأمون است. نسابوری گفت این سخن هر نادانست و مرا بر صدق خود روشن صد برهان است از دیر باد که طرف ولایت ما کالکا باد که آن کنف ناحیه است وادیها و جویها و چشمها که بر دیدها عیان است زیاده از سیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است و از عین اخضر و آب انبوه آن که در کوه است

جده مجال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناده است غیر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و بلك تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانهها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسا بور آزاد شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کنند و آنها بر بلندیاها بردن بدولاب و مثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی اخراج و اما آن وادیا که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یاداخل شهرست شغاندیر و وادی بوشنقان و حر و اسب و آنج داخل نمی شود چارست : و عطی رود و وادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

اما از باغ نسا بور چارست

ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیه قسمت و مساحه آنست که از چار طرف مسجد جامع بهر طرفی رفتند و ما کبار زمین ولایة قری و قنوات را با آن ربع نسبت دادند و بقریه که در آن جانب معمور و میسر بود اضافه کردند اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمد آباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود پشت پانزده فرسخ مشتمل بر زیاده از پانصد دبه که بعضی رایك قناه بود یا دو یاسه یا چهار پنج و ریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقاهای بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النهر سه برادر بودند محمد و عطریف و مسیب هر سه از ریوند هر يك در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهرستان بر آن است .

ربع مازل از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متنزهات و موضع تفرج و تنزه اهل بلده قرای این ربع است و اکثر قرای این متصل است .

فرهنگ و موسیقیان و باغ فرك در ربع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است و دیده‌ها بزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کمی از نواحی و اقطار خراسان بنسب ابر

نسبه دادندی اشراف و اکابر آنرا نیشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول و عرض یعنی آن از سوی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات مالا بعد ولایتی منها

ولایت بیهق من حدود ریوند تا ولایت دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این

ولایت جوین منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات بحد غایات بیکدیگر قریب جناب همه را بمنابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین و دیانت و خداوندان باهوس و همه ایوان خانها رفیع و مهمان خانها وسیع اصناف اشراف و عوام ایشانرا همه عالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطاف دلها از ملال خالی

ولایة اسفراین پادشاه قباد بن فیروز چند روز آنجا بود از خضره صحرا وصحة هوا آنرا مهرجان نام نهاد امام حاکم فرمود رحمة الله که خواندم در تاریخ و شنیدم از مشایخ آنک پادشاه قباد از برادرش بلاش فرار کرد سوی خاقان ترك میرفت تا لشکر بمدد ستاند و ملک را از برادر بستاند راه بر اسفراین بود بخانه خواجه نزول کرد وداعیه تاهل کرد و فرزندان میزبانرا بنکاح مهمانی کرد و او را فرزندی متوقع شد بجانب خاقان رفت و این ضعیفه را بخانه پدرش بگذاشت اما از و نگذشت و چار سال بتر کستان توقف کرد و بالشگری عظیم معاوده کرد و بمهرجان آمد و حلال خود را جست حلال او بابسری سه ساله بنزدیک او آمد نام بسر سلطان انوشیروان لقب کسری و باین جهت انوشیروان را در آن دیار نسابوری گفتندی و نقلست که این خواجه از قریه فریمان بودند و اقرباء انوشیروان از آن جهت در اسفراین هستند بعد هاسلطان حمومه بن علی از اولاد او در خراسان سلطان بود و خود را با اسفراین و قریه فریمان نسبت میداد سپهدار و نامدار لشگرهء شرق بود و هفتاد کورت با مخالفان دین جهاد کرد و در هفتاد بار آن لشکرها شکسته و ایشان مظفر و منصور بودند و علماء اسفراین از حد بیشتر اند.

ولایة خوبوشان و آنرا استوا گفتندی تا حد نسا و تا اسفراین و ولایة طوس و ارغیان حد آنست قرای کثیره کبیره معمور دارد منابع و مراتع و مزارع بسیار دارد.

ولایة ارغیان ولایتی معمور و بکثرت علماء کبار مشهور

ولایة بشت آنرا عربستان خراسان گفتندی از بس کهاد با و بلغاه آنجا و از آنجا بودند یک دبه معمور آن خاررنج و دیگر کنندر که باقیهندر بنا کرده اند.

ولایة رخ ولایتی قدیم معمور کبار بسیار درو قرار گرفته

ولایة زوزن عمارة و علماء آن مستغنی از بیان

ولایة خواف متصل بزوزن و سلو مددی است از آن و یکی است از آن هفت دیه

که با قهندز بنانهاده اند و ابو قابوس که مدتها ملك شام بود از سلو مد خواف بود

ولایة ازقند ولایتی معمور درو مرغزارها موضع بودن عبدالله عامر از آنجا

بنسابور آمد و فتح شد.

ولایة جام و باخرز و ولایة جاجرم اول ولایت متصل بجوین و آخر بجرجان

درود یهائ معمور و بزرگان دین و دنیا مشهور.

ذکر بنساء مسجد جامع - چون عبدالله عامر رضی الله عنهما نسابور فتح کرد

آتش کده قهندز را خراب کرد و بجای آن جامع ساخت و صحابه بآن در آمدند

و با حکام دین فتوی دادند کسان کنار نک آمدند گفتند که جزیه قبول کرده ایم تا آتشکده

ایشان خراب نشود عبدالله عامر ایشان را درو از جامع مکانی تعیین کرد آنجا کوجه آتشکده

گفتندی و مسجدی بی مناره بود تا ابن مهلب بنسابور آمد بنساء مناره فرمود در قهندز و امام

شهرین خوشب و عکرمه را بجهة فتوی دادن بنشانند.

امام مسجد جامع بزرگ و مقصوده بزرگ

بلاخلاف ابو مسلم مروزی بنانهاد مساحه زمین جامع سی جریب بود و هزار

ستون داشت شصت هزار خلق بیکبار دروی نماز کردند درو آبهاء روان و حوض

های عمیق در وسط آن یخدانی ساخته و هر سال از برف معمولو داشته و همه تسابستان

ببرک بیماران و غیرایشان بآن انتفاع یافته بی‌نمن، درودرختها نازو ثوت که ازهر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صدخادم و فراش داشت و در موضعی ازومثل خانه مبنی بر دوازده ستون بعماره ممتازشش ستون از مرمر و دوستون ازیشه طرف دجله آورده برنگ مهره‌ء سیاه و سفید و چهارستون از کج و خشت پخته ساخته سقف و ستونها آن بزرگ تذهیب کرده و قبه مذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر را تقدیر می‌کردند

اما حاکم فرمود کی سقف و ستون و بلها و منابر و صنادیق و مصاحف و قنادیل و حصیرها و فرشها و توابع اینها را قیمة کردند بصد هزار مثقال زر رسید و صد هزار مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زیاده بود و بخراسان مبنی احسن تر از آن منبر نبود که ابو مسلم درین جامع نهاده بود.

ذکر دومنار جامع

ابو مسلم در جامع منار ساخت بعد از او باب مناصب را آن منار قصیر و ان بنا بنسبت با جامع حقیر نمود چون حکومت به منصور بن طلحه بن طاهر برادرزاده عبدالله طاهر رسید آن منار را منهدم ساخت و منار دیگر برافراخت و بسیاری از اول بلندتر و قوی‌تر و عماره او بزینت و تذهیب آراسته‌تر کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال از ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی بعد از زمان او بحرکتی در ایامی میلی دروی پیداشد چون نوبه به عمر ولایت رسید آنرا نیست کرد و دیگری برداشت و نام واقف خود بر آن بنگاشت بعد از آن چون نوبت بخمارتکین رسید مناری رفع کرد وصیت آن دومنار دفع کرد چنانچه در دنیا ارفع از آن و اعجب و آراسته‌تر و بی‌راسته‌تر و دایرتر

منار در هیچ دیار پنج نجارندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و جارذراع بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه جنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی

ذکر مسجدهاء متبرک شهر قدیمی

که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنا نهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرگ جمع صحابه بانفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامه بگذاشتند

مسجد محله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم و عزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کردند

مسجد سرا معمار مسجد که مصابی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل

سرای بستان ، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة

دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

ذکر مبادین نیشابور

میدان تلاجرد و در صدر این میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود
 هرون رشید چون به نیشابور رسید مده اقامه او آن کوشک مقام او بود .
 میدان هانی، میدان حسین بن معاذ بن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و
 میدان زیاد

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

مقابر و قبور اولیا و اصفیا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء تا آنچه
 علی التعمیم زیارة کردند از مقابر و قبور بیشتر آنست
 مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و
 سه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زبید
 است که از صحابه کبار و قدوة ابرار بود در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی
 حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است ،
 مقبره تلاجرد مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذه کبد
 الرسول صلوة الله و سلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام و نسب مبارک
 ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن
 محمد بن زبید بن علی بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین
 مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبد الله
 البوشنجی و ابی الولید و ابیوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح
 و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب ؛
 مقبره شاهنبر بسیاری از علما و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند و در آن مقبره

آن امام زکریا و ابراهیم بن محمد سفیان و ابو عمرو بن جنید و ابوالحسن قاضی
الحرمین و ابوالعباس الاصم ،

مقبره محله قز الشیخ حمدون العصار و ابوعلی الثقفی و عبدالله بن منازل و ابوالحسن
علی بن احمد البوشنجی

مقبره باب معمر ، قبر امام احمد بن حرب و دعا آنجا صباح جمعه مستجاب است
شیخ یحیی معاذ و بسیاری از علما ،

مقبره حسن بن معاذ بن مسلم بیاب عروة الحسین بن الولید القرشی و حفص بن
عبدالرحمن و یحیی بن یحیی و براهین روشن است بر آنک دعای نزدیک قبر ایشان مستجاب
است و عبدالله الرماخ و یاسین بن القصر الباهلی و الحسین بن الفضل ، احمد بن المبارک
الزاهد و ابوالعباس السراج و ابراهیم بن ایطالب ،

مقبره امیر عبدالله بن طاهر و اولاد و عشیره او ؛ امام الحدیث محمد بن یحیی الذهلی
و بسیاری از سادات علویه در بالای این مقبره در حظیره که منسوب است باهل بیت
آسوده اند و درین حظیره است روضه مقدسه سمید شهید الامام ابی جعفر الصوفی
و هو محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الامیر المؤمنین و یعسوب المسلمین
کرم الله و قبر سید بزرگوار امام جعفر بن زیاره و دو پسر و احفاد ایشان رضوان الله
علیهم اجمعین ،

مقبره جلاباد علماء بسیار و اولیاء کبار در آن مقبره آسوده اند از آن جمله:
امام اسحاق بن ابراهیم الحنظلی و امام محمد بن اسلم العابد و محمد بن رافع القشیری
و امام احمد بن سعید الدارمی و ابو زکریا عنبری و بسیاری از علماء اکثر این اشراف
بیش از چهار صد از هجرت بوده اند در قرون اول و بعضی از هجرت بوده اند و بعد از جاز صد
بزرگان که بوده اند تا پانصد و پنجاه و پنج که آن شهر بزلزله خراب کلی شد و

بزرگان که بعد از آن تا ششصد و شصت و شش که خرابی شادیاخ شد و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست یکی از ایشان درین اسامی مذکور نیستند

فایده

و بعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که در جارد و کسری از هجره نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بناء آن تا این غایه هیترده بار بزلزله خراب شده و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از شهر قدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند و صد و ده سال مجال بقاء شهر بود و مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود و در آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب علم و عمل لاحق با ولین و سابق بر آخرین بودند و از مکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة و مقتدای ملة امام فخر الملة و الحق والدین الرازی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة ضینت عن الافات رایت

فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسى یاموسى احب ربك بكل قلبك وانا اخبر سیدی و سندی و مولای الصدر الاجل المنجل السید السند الظاهر الازهر التقی النقی صدر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین ملک السادات افتخار العترة الطاهره قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالی من السادات القدسیه و الکرامات العلویه باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانى احبه من صمیم قلبی و احب ان احبه الی

آخر المکتوب

حاصل کلام ما تخفیف ابرام آنک فرمود امام که خواندم در سفر پنجم از توره که

حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر میکنم سید خود و سند خود و خواجه خود را که من ایشان را دوست میدارم انک ایشانرا دوست میدارد با آنج در آن مکتوب است از براهین برین معنی بعدها در شب جمعه سنه ست و ستین و ستمائه این شهر نیز بزلزله خراب شد هفتاد کس بصحراها ماندند ان شهر سیم بنانهادند آن نیز بجاست یکشنبه اخر جمادی الاولی سنه ثمان و ثمانمائه بزلزله خراب شد

اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بدپانصد و اند انک شد شهر جو دشت
 شش سال فزون دوم و سه از شش صد و شصت از زلزله بار سیم هشتصد و هشت
 چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات
 بحرمة النبی، محمد وآله خیر البریات و ادخلهم برحمتک فی روضات الجنات والحمد لله

رب العالمین آمین رب العالمین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبِّ یَسْرٍ وَتَمَمٍ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على حبيبه و رسوله محمد وآله

اجمعين . قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم

يرزقون وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اولياء الله لا يموتون ولكن ينقلون من

دار الى دار وقال صلى الله عليه وسلم كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزوروها

برهقه تضى آيه وحديث جون زياره دوستان خداى متضمن ثواب بسيار و فوايد

بى شمار بود بعضى از احببه كه امثال التماس ايشان واجب بود در خواست كردند از بنده كمينه

احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفه النيسابورى تاب الله عليه باسامى بزرگان

كه در نيسابور آسوده اند در قلم آورد و ذكر اسامى از جمله بزرگان متعذر بود از

بهر انك نيسابور كه نه كه محط رجال: رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله بوده جهل

وهفت محله داشته كه يكى از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندى و

آنرا سيصد كوجه زيارت بودى و هر محله را مقبره بوده و شصت ديه در ربض در آمده

بود و مقابر آن ديهها كه مملو باوليا و صلحا بوده در ميان شهر ناپيدا گشته و بعد از

خرابى آن شهر بسبب غارات و تاراج مرارات مندرس و قبور منطمس شده و كسى

نمانده كه گورستانها را بازشناسد فكيف بالقبور و هر چند جنين بود اما بر موجب ان

لم يدرك الكل لم يترك الكل . اسامى اين بزرگان كه در طبقات شيخ عبدالرحمن

سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگناز رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان محظوظ گرداند و هوولی الاجابة و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوة الله علی رسول الله و علی آله الطیبین الطاهرین مدفونست بمقبره تلاجرد، ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ابیطالب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزیاره نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنهم در مقبره عبدالله طاهر اند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حبیب، همام بن زید بن ایصه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست بیقین در نیشابور آسوده اند و گفته اند که نیز: ابو بزره اسلامی در نیشابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیشابوری؛ ابو عثمان حیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابوعلی تقفی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی ابو الحسن علی الفوشنجی، ابو بکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری

ابوبکر مرار نیشابوری، ابو عمر بن جنید نیشابوری ابو جعفر احمد بن حمدان نیشابوری ابو عثمان مغربی، ابو القاسم مغربی این مشایخ در نیشابور آسوده اند
 امام حاکم ابو عبدالله و شیخ سلمی یا یکی از این دو حکم کرده اند بوفات ایشان و ابو الحسن علی بن بندار و عبدالله النیشابوری المعروف بالرازی و ابوبکر السهلی و ابو الحسن الوراق و ابو حمزه خراسانی هم در نیشابور آسوده اند از بهر آنکه ظهور ولایات ایشان و مسکن ایشان در نیشابور و نیشابور اند اما در این کتب مذکور ذکر مدفون ایشان نیافتیم شاه ابو الفوارس شجاع کرمان خلاف است که در نیشابورست یاد سیرجان و در این کتب ذکر مدفون او نیست.

اسامی علماء بزرگان

امام محیی السنه مسلم قشیری، امام المذهب اسحق راویه، امام محمد بن یحیی ذهلی، امام محمد بن اسحق خزیمه، احمد بن حرب نیشابوری، محمد بن اسام طوسی، امام ابو سهل الصعلوکی امام قاضی الحرین. امام ابو العباس الاصم، امام نصر بن زیاد القاضی، امام محمد بن الهیثم، امام ابو علی الکوفی، امام احمد الکندری امام ابو محمد حصیری، امام عباس بن حمزه، امام ابو عبدالله السراج، امام ابو القاسم الواعظ، امام ابو الطیب الصعلوکی، امام ابو علی نیشابوری، امام ابو یعقوب الکرمانی پنج هزار جهود یا بیشتر بردست او مسلمان شده

اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن

بزرگان و بعضی غیر ایشان

یحیی بن یحیی ودعا بر سر خاک او مستجاب است، احمد بن حرب ودعا بامداد

جمعه بر سر خاک او مستجاب است، ابو حمزه مدینی علی بن هانی بن قنبر و ظاهر

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی طالب ابویعقوب اسحق. ابوعمر و الحیری، ابوعمر و المستملی؛ ابوعمر و الخفاف، ابو عمرو الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد، ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل الواعظ، زکریا بن ولویه ابرهیم بن محمد بن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح؛ یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن الفضل الحلی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب احمد بن سعید داری، ابوزکریا عنبری، بعضی از این بزرگان مجاب الدعوه بوده اند و دعا بر سر خاک هریکمی از بزرگان مرجو الاجابة است،

ابن بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر آسوده اند از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورك اصبهانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی، شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی ارزقنا الله متابعتهم و الانخراط فی سلکهم بفضل و کرمه و هو اکرم الاکرمین و ارحم

الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که در شهر نسابور مدفون اند .

نقل از خط خواجه قطب الدین رحمة الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره در مقابر منسوب بنصر بن زیاد القاضی، سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و هو محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه و رضی الله عنهم، جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر پیشین است، تربة او محل

اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،

جوانمرد نرد باد او نیز از شهداء صدر اول است ، احمد حرب رحمه الله تربت او تربت یحیی معاذرازی که از کبار طبقات است رحمه الله در مقبره معمر است ، شیخ محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تالاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام علی بن موسی الرضا را دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی ترباباد در شرقی کهن دیر نیشابور قدیم است رحمه الله

امام ابوبکر فورک و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در یک حظیره اند از زاهدان و عباد زمان بوده ،

امام الحرمین عبدالملک ابوالمعالی بن الامام ابی محمد یوسف الجعونی رحمه الله تربت او در جوار مزار تالاجرد است ،

شیخ محمد فنال تربت او در قبله مقبره حیره است ، رحمه الله

شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف رحمه الله تربتهای ایشان در قبله مقبره حیره است

امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنف عمل الغرائب و غیره تربت او در جوار نمازگاه عید در شهر شادباخ ، رحمه الله قنبر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه تربت او در جوار فرات آباد ،

شیخ علی مؤذن رحمه الله تربت او در جوار مقبره حیره است

استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمه الله در یک حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،

شیخ فریدالدین عطار رحمه الله تربت او در شادباخ است ،

شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمه الله تربت هر دو بهم نزدیک

است در شادیاخ ،

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادک است در غربی علمدار رحمهم الله ،

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق او را نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیاخ است رحمة الله

شیخ طبری و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمهم الله
 شیخ میمنون اولیا تربت او در مقبره جل سر ، مقبره باب عروه فیها حسن بن الولید
 وجعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرحمان و حسن بن الفضل و ابوالعباس السراج و
 ابرهیم بن ابیطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار و ابوعلی ثقفی و عبدالله مبارک در
 جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره و قبر اولاده و قبر امام الحدیث ،
 محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهای ایشان در جوار ترخاک زرکان نسیب است
 قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب
 بشر بن الحکم العبدی استاد ابو الولید مقبره حداباد

امیر طاهر میفرمود که علماء و زهاد آن زمان را درین مقبره دفن میکردند
 فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الرافعی القشیری
 و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمة الله
 علیهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر

هذه أسماء المشايخ الذين سبأهم السلف مشايخ الطبقات نقلت من الرسالة

التي هي معروفة بطبقات السلمى مما جمع الشيخ العالم الربانى المحقق الصمدانى

عبدالرحمن السلمى رحمة الله عليه

الطبقة الاولى منهم

فضل بن عياض بخارى الاصل مات فى الحرم ووفاته سنة سبع وثمانين و
كنيته ابو عالى

و منهم : ابواسحق ابراهيم بن ادهم بن منصور مات بالجريير فحمل لى
صور ودفن لها فى الشام

و منهم : ذوالنون المصرى قيل مات سنة ثمان واربعين وماتين وقيل سنة
خمس واربعين وكنيته ابو الفيض

و منهم : شيخ بشر خافى مات سنة سبع و عشرين و مائتين ببغداد و دفن
فيها وكنيته ابو نصر

و منهم : الشيخ سرى مسقطى رحمة الله مات سنة احدى وخمسين ومائتين
وكنيته ابو الحسن

و منهم : الشيخ ابو عبد الله حارث المحاسبى من بصره مات ببغداد سنة ثلث
واربعين ومائتين

و منهم : الشيخ ابو يزيد البسطامى رحمة الله مات بسنة احدى وستين ومائة واسمه طيفور
و منهم : الشيخ ابو سلمان دارانى مات بسنة خمس عشرة ومائتين واسمه عبد الرحمن
بن عطيه

و منهم : الشيخ معروف الكرخى مات ببغداد بسنة مائتين وقيل سنة احدى و
مائتين وكنيته ابو محفوظ

و منهم : الشيخ حاتم الاصم مات سنة اربع عشر ومائتين وكنيته ابو عبد الرحمن
وقيل سنة سبع وثلثين مائتين

ومنهم الشيخ احمد بن الحواري مات سنة ثلثين ومائتين وكنيته ابو الحسن
ومنهم الشيخ ابو صالح حمدون بن احمد القصار مات بنيسابور سنة احدى
وسبعين ومائتين

ومنهم الشيخ منصور عمار من اهل مرو وكنيته ابو السرى
ومنهم الشيخ ابوتراب النخشبى توفى بالبادية سنة خمس واربعين ومائتين
واسمه على بن الحسين
ومنهم الشيخ ابو على احمد الانطاكى وقيل ابو عبد الله مات سنة تسع و
تسعين ومائتين

ومنهم فى الطبقات السلامى الشيخ ابو القاسم جنيد رحمة الله

الطبقة الثانية

ومنهم: الشيخ ابو القاسم الجنيد بن محمد بن الجنيد الجوار على قول بعض مات
رحمة الله سنة سبع وتسعين ومائتين

ومنهم: الشيخ ابو الحسن النورى مات ببغداد فى سنة خمس وتسعين ومائتين
واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم: الشيخ ابو عثمان الحيرى اصله من الرى مات بنيسابور فى سنة ثمان
وتسعين ومائتين واسمه اسمعيل بن سعيد بن منصور

ومنهم: رويم بن احمد مات بسنة ثلث وثلثمائة ببغداد وكنيته ابو محمود
ومنهم الشيخ يوسف بن الحسين مات سنة اربع وثلثمائة وكنيته ابو يعقوب
ومنهم: الشيخ ابو عبد الله جلا اصله من بغداد كان بالشام مات سنة عشرين

وثلثمائة واسمه احمد بن يحيى

ومنهم : الشيخ سمنون بن حمزه مات ببغداد بعد الجعيد وكنيته ابو الحسن ومنهم
شاه شجاع الكرماني مات بنيسابور قيل سنة ثمان وثمانين ومائتين وقيل ثلثمائة و
كنيته ابو الفوارس

ومنهم : الشيخ ابو عبدالله عمر بن عثمان المكي مات ببغداد سنة احدى
وتسعين ومائتين وقيل سنة سبع وتسعين

ومنهم : الشيخ سهل بن عبدالله التستري مات بسنة ثلاث وسبعين ومائتين
وقيل سنة ثلاث وثمانين ومائتين وكنيته ابو محمد

ومنهم : الشيخ محمد بن الفضل البلخي ساكن سمرقند ومات بهاسنة تسع عشر
وثلثمائة وكنيته ابو عبدالله.

ومنهم : الشيخ ابو عبدالله محمد الترمذي

ومنهم : الشيخ ابو بكر الوراق اصله من ترمذ واقام ببلخ واسمه محمد بن عمر الحكيم
ومنهم : الشيخ ابو سعيد الحرار هو من بغداد مات بسنة سبع وسبعين ومائتين
واسمه احمد بن عيسى

ومنهم : الشيخ علي بن سهل الاصفهاني وكنيته ابو الحسن

ومنهم : الشيخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق من اهل الطوس سكن
ببغداد ومات بسنة سبع وتسعين ومائتين وقيل سنة ثمان

ومنهم : الشيخ ابو عبدالله محمد بن اسمعيل قيل عباس مائة وعشرين سنة ومات
جبل طور سنة تسع وتسعين ومائتين وقيل سنة سبع

ومنهم : الشيخ ابو علي الجوزجاني اسمه الحسن بن علي

ومنهم : الشيخ ابو عبدالله السحري من مشايخ خراسان ومنهم الشيخ محمد بن

احمد بن ابي الورد من مشايخ عراقيين .

الطليقة الثالثة

ومنهم : الشيخ ابو محمد الحريري مات بسنة احدى عشر وثلثمائه واسمه

احمد بن محمد الحسين

ومنهم : الشيخ ابو العباس العظامات بسنة تسع وثلثمائه و قيل سنة احدى

وعشر واسمه احمد بن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابي حفص النيسابوري مات بسنة ثلاث

اواربع وثلثمائه بنيسابور ودفن بجانب ابي حفص

ومنهم : الشيخ ابو عمر والدمشقي مات بسنة عشرين وثلثمائه هو مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ محمد بن حامد الترمذي من مشايخ خراسان و كنيته ابو بكر

ومنهم : الشيخ طاهر المقدسي من اصل مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات

قيل البعد الاربعين وثلثمائه

ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الحمالي الواسطي ساكن مصر مات بهافي

رمضان سنة ست عشر وثلثمائه و كنيته ابو الحسن

ومنهم : الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص مات في جامع الري بسنة احدى

وتسعين وماتين و كنيته ابو اسحق

ومنهم : الشيخ ابو حمزة البغدادي مات قيل الجنيدي سنة تسع وثمانين وماتين

واسمه محمد بن ابراهيم

ومنهم : الشيخ ابو الحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قيل العشرين

وثلثمائه واسمه محمد بن سعد

ومنهم: الشيخ ابوبكر الواسطي اصله من خراسان استوطن كورة مرو ومات بها بعد العشرين وثلثمائه واسمه محمد بن موسى

ومنهم: الشيخ ابوالحسن الدينوري من مشايخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنة ثلثين وثلثمائه اسمه علي بن محمد بن سهل

ومنهم: الشيخ ابوالمغيث حسين بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد يوم الثلاثاء من ذي القعدة سنة تسع وثلثمائه

ومنهم: الشيخ خير النساج اصله من سامره اقام ببغداد وكنيته ابوالحسن

ومنهم: الشيخ حمشاد الدينوري من كبار مشايخها مات بسنة تسع وتسعين ومائتين و

ومنهم: الشيخ ابو حمزة الخراساني من نيسابور من محل ملقبا بمات بسنة تسعين ومائتين

ومنهم: الشيخ الصبحي من اهل البصره وكنيته ابو عبدالله مات بالسوس وقبرها

ومنهم: الشيخ ابوالحسن ابراهيم بن داود الرومي مات بسنة ست وعشرين ومائتين وقيل ثلثمائه

ومنهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن علي بن سنان من مشايخ نيسابور مات في سنة ست عشر وثلثمائه

الطبقة الرابعة

ومنهم: الشيخ ابوبكر الشبلي خراساني الاصل عاش سبعا وثمانين سنة ومات في ذي الحجة سنة اربع وثلثين وثلثمائه ببغداد واسمه دلف بن مجدر

ومنهم: الشيخ المرتعش وهو ابو محمد بن عبدالله بن محمد النيسابوري من محلة حيره مات ببغداد سنة ثمان وعشرين وثلثمائه وقيل من محله ملقبا

ومنهم: ابو علي الرود باري توفى بسنة اثنين وعشرين وثلثمائه بمصر واسمه احمد بن محمد بن ابي القاسم

ومنهم: الشيخ ابو الحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنه اربعين وثلاثمائة
 ومنهم: ابو على الثقفى مات بسنه ثمان و عشرين وثلاثمائة بنسابور واسمه
 محمد بن عبدالوهاب

ومنهم: ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها
 بسنه تسع و عشرين او ثلثين وثلاثمائة

ومنهم ابو الحسن المزين واسمه على بن محمد اصله من بغداد جاور بمكه
 ومات بها سنه ثمان و عشرين وثلاثمائة

ومنهم: الكتاني و هو محمد بن على بن جعفر الكتاني امام بمكه ومات بها
 بسنه اثنين وعشرين وثلاثمائة وكنيته ابوبكر

ومنهم: النهرجورى و هو ابو يعقوب اسحق بن محمد امام بمكه ومات
 بها سنه ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الخير بن منار من مشايخ مصر مات فى البقيه

ومنهم ابو الكاتب من كبار مشايخ المصر مات بسنه ست واربعين وثلاثمائة
 واسمه الحسين بن احمد

ومنهم: ابوبكر عبدالله بن طاهر الاهرى من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلثين وثلاثمائة
 ومنهم: الفرسى من مشايخ الجبل مات فى سنه ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: ابو الحسين على بن هند الفارسى من كبار مشايخ الفرس

ومنهم: ابو اسحق بن شيبان الفرسى

ومنهم: الحسين بن على مردمن اهل ارمينه مات فى الصفر سنه ثلاث و ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: محمد بن احمد بن سالم النصرى و كنيته ابو عبدالله

ومنهم ابراهيم بن احمد بن مشايخ الرق و كنيته ابو اسحق

ومنهم : محمد بن علیان النسوی من كبار مشایخ النسا

ومنهم : ابوبکر محمد بن احمد رآنی سعد البغدادی

ومنهم : ابوسعید الاعرابی سكن بمكة ومات بهاسنه احدى واربعین وثلاثمائة

واسمه احمد

الطبقة الخامسة

ومنهم : ابو عمر الزجاجی نيسابوری الاصل توفي بسنه ثمان واربعین وثلاثمائة

ومنهم : ابو العباس السيار من اهل مرو توفي سنه اثنين واربعین وثلاثمائة

واسمه قاسم بن محمد

ومنهم : جعفر الخلدی البغدادی المولد والمنشأ توفي سنه ثمان واربعین وثلاثمائة

ببغداد وقبره عند قبر الجنيد وكنيته ابو محمد

ومنهم ابوبکر داود الدينوری الرومی مات بعد الخمسين وثلاثمائة

ومنهم عبدالله بن محمد رازی الاصل مولد بنسَابور مات سنه ثلاث وخمسين

وثلاثمائة وكنيته ابو محمد

ومنهم : ابو عمرو السلمي وهو اسماعيل بن جنيد بن احمد السلمي مات

سنه ستين وثلاثمائة

ومنهم : ابو الحسن الفوشنجی مات سنه ثمان واربعین وثلاثمائة واسمه علي

بن احمد بن سهل :

ومنهم : ابو عبدالله محمد بن حفيف الشيرازي واسمه محمد بن جعفر مات بسنه

احدى وسبعين وثلاثمائة بشيراز و كانت امه نيسابوريه

ومنهم : ابو عثمان المغربي من ناحية مرو بنسَابور ومات بهاسنه ثلث

وسبعین وثلثمائه

ومنههم : ابو القاسم النصر آبادی نیشابوری الاصل والمولد خرج آخر عمره الى مكة سنة ست وستين وثلثمائه واسمه ابراهيم بن محمد .

ومنههم : بندار بن الحسين من اهل شيراز مات بسنة ثلث وخمسين وثلثمائه وكنيته ابو الحسين

ومنههم : الحضيرى وهو ابو الحسن على بن ابراهيم بصرى الاصل مات ببغداد يوم الجمعة ذى الحجة سنة احدى وسبعين وثلثمائه

ومنههم : ابو بكر الطمستانى القارسى ورد نيسابور ومات بها بعد سنه اربعين وثلثمائه
ومنههم : ابو عبد الله البروغندى واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشايخ مات بعد الخمسين وثلثمائه

ومنههم : ابو العباس الدينورى مات بسمرقند بعد الاربعين وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنههم : محمد بن احمد وكنيته ابو بكر مات قبل الستين وثلثمائه وهو من مشايخ نيسابور

ومنههم : ابو عبد الله الرودبارى واسمه احمد بن عطاء بن احمد مات سنة تسع وستين وثلثمائه

ومنههم : ابو الحسن بن على بن بندار الحسين الصوفى من مشايخ نيسابور مات بسنة تسع وخمسين وثلثمائه

ومنههم : ابو عبد الله وابو القاسم ابناء احمد بن محمد المقرئ فاما ابو عبد الله مات بسنة ست وثلثمائه واما ابو القاسم مات بنيسابور بسنة ثمان وسبعين وثلثمائه

ومنههم : محمد بن احمد بن حمدون القرار من كبار مشايخ نيسابور مات سنة سبعين وثلثمائه

ومنههم : محمد بن عبد الخالق الدينورى مات بها كنيته ابو عبد الله

پایان

ومنههم : ابو عبد الله محمد بن محمد الواسى



بنام خدا

در مقدمه گفته شد که کتاب تاریخ نيسابور تأليف الامام الحاکم ابو عبد الله محمد بن محمد بن حمدون شامل چندین هزار اسم رجال: اعم از فضلا، حکما، علما زهاد، شعرا، بترتيب حروف تهجی است. بعبارة آخری اسامی اشخاص از (الف) شروع شده و تا (ی) ختم گردیده است. از این نظر برای قسمت اول از این کتاب فهرست اسماء خاصه تهیه نشد، چه احتیاج بتدارك و تنظیم این مبحث نبود. اما در قسمت دوم کتاب که ذکر ابنیه و عمارات و قبور و وادیه و بساتین میباشد فهرست اسماء خاصه لازم بود و تهیه گردیده زیرا مؤلف در این قسمت: هم، از بناها و تکایا نام میبرد، و هم از مقابر مزارات شیوخ و زهاد و مردگان ذکر میکند و نام اشخاص را با نام پدر وجد یکجا رقم زده است بدین جهت در فهرست بهمان ترتیب متن کتاب طبقه بندی شده و امید است که مطبوع طبع گردد. والله المستعان



الف

١٣٠، ١٢٨، ١٢٧، ١٢٠	ابر شهر
١٤٥	ابراهيم بن محمد سفیان
١٥٣، ١٤٥	ابراهيم بن ابيطالب
١٥١	ابراهيم بن شعبان
١٥٩	ابراهيم بن احمد
١٦١	ابراهيم بن محمد
١٥٩	ابو اسحق بن الشيبان
١٥١	ابو الحسن الخفاف
١٦٠، ١٤٩	ابو الحسن الفوشنجي
١٥٠	ابو الحسن الوراق
١٤٥	ابو الحسن علي البوشنجي
١٦١	ابو الحسن علي بن ابراهيم بصرى
١٥٦	ابو الحسن بن علي
١٥٠	ابو الحسن علي بن بيدار
١٤٥	ابو الحسن علي بن احمد البوشنجي
١٥١	ابو الحسن كوفي
١٥٩	ابو الحسن المزين

- ١٤٥ ابو الحسن قاضى الحرمين
١٥٩ ابو الحسين على بن هند
١٥٩ ابو الخير بن منار
١٥١ ابو العباس العابد
١٤٥ ابو العباس الاصم
١٤٥ ابو العباس السراج
١٥٠ ابو العباس مغربى
١٦١ ابو العباس الدينورى
١٦٠ ابو العباس السيار
١٥٠ ابو الفوارس شجاع كرماني
١٥٠ ابو الفضل الواعظ زكريا بن ولويه
١٦١ ابو القاسم
١٥٩ القرسيسى
١٥٩ ابو الكاتب
١٥٢ ابو المعالى
١٥٣، ١٥١ ابو الوليد
١٥٣ ابو ايوب بن الحسن
١٤٩ ابو بربره اسلمى
١٥١ ابو بكر الزاهد
١٥٠ ابو بكر السهوى
١٥٠ ابو بكر مرار
١٦١، ١٤٩ ابو بكر الطمستانى
١٥٩ ابو بكر بن منار
١٥٩ ابو بكر عبد الله بن طاهر الاهرى

۱۶۰	ابوبکر محمد بن احمد
۱۶۰	ابوبکر داود الدینوری
۱۵۷	ابوبکر
۱۲۷	ایبورد
۱۴۹	ابو جعفر الصوفی
۱۴۹	ابو حفص حداد
۱۵۰	ابو حمزه مدینی علی بن هانی بن قنبر
۱۵۰	ابو حمزه خراسانی
۱۵۱، ۱۴۵	ابوز کریای عنبری
۱۵۳، ۱۴۵	ابوز کریا
۱۵۱	ابو سعید الاصم
۱۶۰	ابو سعید الاعرابی
۱۵۱	ابو شختویه
۱۵۵	ابو عبدالله جلا
۱۵۱	ابو عبدالله الصفار
۱۱۷	ابو عبدالله النیسابوری
۱۳۵	ابو عبدالله داود بن علی
۱۶۰	ابو عبدالله محمد بن حنفی الشیرازی
۱۶۱	ابو عبدالله البروغندی
۱۶۱	ابو عبدالله الرودباری
۱۶۱	ابو عبدالله
۱۶۱	ابو عبدالله محمد بن محمد الواشی
۱۴۹	ابو عثمان جدی
۱۶۰، ۱۵۰	ابو عثمان مغربی

١٤٦	التورة
١٦٠، ١٥٦	الجنيد
١٥١	الحسن الحداد
١٤٩، ١٤٥	الحسين
١٥٩	الحسين بن علي
١٥٩	الحسين بن احمد
١٤٥	الحسين بن الوليد
١٦١	الحضيري
١٢١	الزيق بوياباد
١٥٣، ١٤٥	امام الحديث محمد بن يحيى الذهلي
١١٧	امام الفقيه محمد بن حسين الخليفة النيسابوري
١٥١	امام الحرمين ابو المعالي
١٥٢	امام الحرمين عبد المطلب
١٥١	امام بن فورك اصبهاني
١٥٢	امام بيان الحق قاضي محمود
١٥٢	امام جمال الاسلام
١٤٥	امام جعفر بن زيارة
١٣١، ١٣٠، ١٢٩، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤، ١٢٢، ١٢١، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧	امام حاكم
١٤٢، ١٤٠، ١٣٧، ١٣٦، ١٣٣	
١٤٥	امام زكريا
١٥١	امام علي واحد
١٥٧	الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص
١٥٨	الشيخ ابواسحق ابراهيم بن داود
١٥٧	الشيخ ابو الحسن الوراق

- ١٥٨ الشيخ ابو الحسن الدينورى
١٥٩ الشيخ ابو الحسن الاقطع
١٥٥ الشيخ ابو الحسن نورى
١٥٥ الشيخ ابو القاسم جنيد
١٥٧ الشيخ ابو العباس العطا
٢٥٦ الشيخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق
١٥٨ الشيخ ابو المغيث حسين بن منصور حلاج
١٥٨ الشيخ ابو بكر الواسطى
١٥٦ الشيخ ابو بكر الوراق
١٥٨ الشيخ ابو بكر الشبلى خراسانى
١٥٥ الشيخ ابوترات النخشبى
١٥٨ الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان
١٥٨ الشيخ ابو حمزه خراسانى
١٥٧ الشيخ ابو حمزه بغدادى
١٥٤ الشيخ ابو عبد الله حارث
١٥٦ الشيخ ابو عبد الله عمر بن عثمان المكى
١٥٦ الشيخ ابو عبد الله السحرى
١٥٦ الشيخ ابو عبد الله عمر بن عثمان
١٥٦ الشيخ ابو عبد الله محمد الترمذى
١٥٦ الشيخ ابو عبد الله محمد بن اسمعيل
١٥٥ الشيخ ابو عثمان الحيرى
١٥٧ الشيخ ابو عمر والدمشقى
١٥٦ الشيخ ابو على الجوزجاني
١٥٥ الشيخ ابو على احمد الانطاكى

١٥٤	الشيخ ابوسلمان داراني
١٥٧	الشيخ ابومحمد عبدالله بن محمد
١٥٧	الشيخ ابومحمد الحريري
١٥٤	الشيخ ابوزيد بسطامي
١٥٥	الشيخ احمد بن الخواري
١٥٨	الشيخ الصبحي
١٥٨	الشيخ المرتعش
١٥٤	الشيخ المعروف الكرخي
١٥٤	الشيخ بشر خافي
١٥٤	الشيخ حاتم الاصم
١٥٨	الشيخ حمشاد الدينوري
١٤٥	الشيخ حمدون العصار
١٥٨	الشيخ خير النساج
١٥٦	الشيخ سهل بن عبدالله التستري
١٥٦	الشيخ سمنون بن حمزه
١٥٧	الشيخ طاهر المقدسي
١٥٦	الشيخ محمد بن الفضل البلخي
١٥٧	الشيخ محمد بن حامد الترمذي
١٥٥	الشيخ منصور عمار
١٥٧	الشيخ نعمان بن محمد الجمال الواسطي
١٥٥	الشيخ يوسف بن احمد
١٥٩	الكتاني
١٥٩	النهر جوري
١٥٠	امام ابو القاسم الواعظ

- ١٥٠ امام ابو الطيب الصعلوكى
١٥٠ امام ابو العباس الاصم
١٥٢ امام ابوبكر فورك
١٥٠ امام ابو عبدالله السراج
١٤٩ امام ابو عبدالله النيسابورى
١٥٠ امام ابو على النيسابورى
١٥٠ امام ابو على الكوفى
١٥٠ امام ابوسهل الصعلوكى
١٥٠ امام ابومحمد حصيرى
١٥٠ امام ابوعقوب الكرمانى
١٤٥ امام ابى جعفر صوفى
١٥٢ امام ابى محمد يوسف الجوينى
١٤٥ امام احمد حرب
١٥٠ امام احمد الكندرى
١٤٥ امام احمد بن سعيد الدارمى
١٥١ امام احمد ميدانى
١٤٥ امام اسحق بن ابراهيم الحنظلى
١٥٢ امام على بن موسى الرضا
١٥٠ امام قاضى الحرمين
١٤٥ امام محمد بن اسلم العابد
١٣٥ امام محمد بن الامام محمد
١٥٠ امام محمد بن يحيى ذهلى
١٥٠ امام محمد بن اسحق خزيمه
١٥٠ امام محمد بن الهيثم

١٥٠	امام محيي السنه
١٥٢	امام مسلم بن الحجاج القشيري
١٣٥	امام موسى بن الامام جعفر
١٢٦، ١٢٥	امير المؤمنين عثمان
١٥٣	امير طاهر
١١٩	انبار
١١٩	انبارده
١٤٠، ١٣٨	انوشروان
١١٧	انوش بن شيث بن آدم
١١٩، ١١٧	ايران
١١٧	ايرج

ب

١٥٨	باب الطاق
١٢١	باغ بهله
١٣٩	باغ فرك
١٢١	باغك
١٢١	باغ كبار
١٢١	باب طاق
١٣٩، ١٣٨	بشت
١٥٣	بشر بن الحكم العبدى
١٣٩	بشفروش
١٢١	بشمانا باد
١٥٨، ١٥٤، ١٣١، ١٢٩، ١٢٥، ١١٩	بصره

١٦١، ٢٦٠، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٦، ١٥٥، ١٥٤، ١١٩	بغداد
١٥٦، ١٢٨	بلخ
١٤٠	بلاش
١٢٢	بویاباد
١٣٩، ١٣٨	بیبق
١٢١	بندار بن الحسین

ت

١٢١	تلاجر د علیا
١٢١	تلاجر د سفلی
١٥٢، ١٤٩، ١٣٥، ١٣٢	تلاجر د
١٤٠	ترکستان
١٤٦	تورۃ
١٥٢	تریا باد
١٥٣	ترخک زرکان
١٥٦	ترمد

ج

١٢٢	جامعه (محلہ)
١٤١	جو جان
١٥٣، ١٤٩، ١٤٥، ١٣٥	جعفر
١٢١	جوری علیا
١٢١	جوری سفلی
١٢٢	جولاهکان (محلہ)
١٤١، ١٣٩، ١٢٦، ١٢٥	جوین
١٣٧	جیحون

۱۵۴

جوائز مرد علمدار

۱۵۲

جوائز مرد ثردباد

۱۵۶

جبل طور

۱۵۹، ۱۵۸

جبل

۱۵۰

جعفر الخلدی

ح

۱۲۱

حافظ محفوظ

۱۲۱

حایط

۱۲۵

حیب

۱۵۳

حدا باد

۱۴۸، ۱۳۵

حسن

۱۵۳، ۱۵۱

حسن بن الفضل

۱۵۳

حسن بن الولید

۱۴۹، ۱۳۵

حسین

۱۲۳

حسین بن محمد نصر آبادی

۱۲۱

حفصا باد

۱۴۵

حفص بن عبدالرحمن

۱۲۱

حنجرود علیا

۱۲۱

حنجرود سفلی

۱۲۱

حمزه علیا

۱۴۹

حمدون قصار

۱۲۱

حوسق

۱۲۳

حوض کسلان

۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۲

حیره

خ

۱۴۰	خارزنج
۱۴۰	خاقان ترك
۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲	خراسان
۱۵۸	
۱۲۱	خرقن عليا باد
۱۲۱	خر كباد
۱۲۱	خشانه قناه
۱۴۲	خمار تكين
۱۲۱	خندرون
۱۲۳	خنجرود
۱۴۱	خوشب
۱۲۱	خول
۱۵۳	خوارزم

د

۱۲۱	دزدان
۱۲۱	دوديه يهود
۱۲۱	دارا بجرد
۱۲۱	دستجرد
۱۲۷	دز قهئندز
۱۳۵	داود
۱۲۷	دجله

١٣٩

دامغان

١٥٨

دلف بن محدر

ذ

١١٧

ذوالايكه

١٥٤

ذوالنون المصرى

ر

١٢١

راقعه

١٢٥

ربيعه

١٣٩، ١٣٨

ريوند

١٣٩

ربيع مازل

١٥٥

رويم بن احمد

ز

١٢١

زمجار عليا

١٢١

زمجار سفلى

١٣٥

زين العابدين

١٣٥

زيد بن الامام زين العابدين

١٤١

زوزن

١٥١، ١٤٩

زيد

١٥١

زكريا بن ولويه

۱۵۸	سامره
۱۱۹	سجستان
۱۲۲	سر حیره
۱۱۹	سلطان محمود
۱۲۲	سلطان حسین
۱۳۰	سلطان سلیمان بن مطرود
۱۳۰	سلیمان بن مطرود
۱۴۱	سلومد
۱۲۱	سلمه
۱۲۵	سعید بن عاص
۱۲۵	سمنان
۱۲۵	سوانقادر علیا
۱۲۱	سوانقا در سفلی
۱۲۱	سورین کوی
۱۲۱	سهل تاشیش
۱۲۱	سهرامقان
۱۵۰	سیرجان
۱۴۶	سید صدرالدین الحسینی
۱۲۱	سیمجرد علیا
۱۲۱	سیمجرد سفلی
۱۲۱	سیسنویه
۱۶۱، ۱۵۶	سمرقند
۱۵۸	سوس (شوش)

۱۱۹، ۱۱۸	شاپور
۱۲۱	شاپور (شهر)
۱۵۷، ۱۵۲، ۱۴۶، ۱۳۲، ۱۲۳	شادیاخ
۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۴۱	شام
۱۱۸	شاه پسر
۱۴۳	شاهنبر
۱۲۱	شحنه علیا
۱۲۱	شحنه سفلی
۱۲۱	شهرستانه
۱۳۱	شیخ ابواسحق راهویه مروزی
۱۵۲، ۱۴۹	شیخ فریدالدین عطار
۱۵۲، ۱۴۸	شیخ عبدالرحمن سلمی
۱۵۲، ۱۵۱	شیخ علی مؤذن
۱۵۳، ۱۵۱	شیخ طبسی
۱۵۱	شیخ مجدالدین بغدادی
۱۵۳، ۱۵۱	شیخ مجنون اولیاء
۱۵۲، ۱۳۲	شیخ محمد بن اسلم طوسی
۱۵۲، ۱۴۵	شیخ یحیی معاذ
۱۵۲	شیخ عبدالرحمن کوف
۱۵۲	شیخ محمد قنال

ط

١٤٢	طاهر
١٤٢	طلحة
١٤٠٠١٣٨٠١٢٨٠١٢٧	طوس
١٥٤	طيفور

ع

١٢٧٠١٢٥	عامر
١٤٩	عامر بن سليم الاسلمى
١٥٦	عباس
١٥١	عباس بن حمزه
١٢١	عار كباد
١٤٩٠١٤٢	عبدالله
١٤٥	عبدالله الرماخ
١٥٠	عبدالله النيسابورى
١٥٣٠١٤٩	عبدالله بن مبارك
١٥٣٠١٥١	عبدالله بن عمر الرماح
١٥٣٠١٢٩	عبدالله بن طاهر
١٦٠	عبدالله بن محمد رازى
١٢٩٠١٢٥	عبدالله بن عامر
١٥٣	عبدالله الفوشنجى
١٢٥	عبدالشمس
١٤٩٠١٣٠٠١٢٧٠١٢٣٠١٢٢	عبدالله طاهر
٢٢٨٠١٢٦	عبدالله حازم

١٤١، ١٢٩، ١٢٨، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤

عبدالله عامر

١٥٤

عبدالرحمن بن عطيه

١٥٣

عبدالرحمن السلمى

١٥١

عبدالرحمن بن بشر

١٥٣

عبدالرحمن

١٢٦، ١٢٥

عثمان

١٤٩، ١٤٥، ١٤٠، ١٣٥

على

١٥٣

علمدار

١٥٢، ١٣١

على بن موسى الرضا

١٦٠

على بن احمد بن سهل

١٦٠

على بن محمد بن سهل

١٦٠

على بن محمد

١٤١

عكرمه

١٤٢

عمرو

١١٩

عمرو بن ليث

١٤٥

عمر

١٤٩

عنان بن حبيب

١٣٥

عيسى

ف

١٥٢

فرات آباد

١٢١

فرات آباد

١٢١

فازرشك

١٤٩

فرهنگ

۱۴۰

فیروز

۱۱۹

فیروز شاپور

۱۵۴

فضل بن عیاض

ق

۱۶۰

قاسم بن محمد

۱۴۰

قباد

۱۴۴

قبر الامام محمد بن محمد

۱۴۴

قبر امام احمد بن ابراهیم

۱۴۴

قبر امام مسلم الحجاج

۱۴۴

قبر ابی عبدالله البوشنجی

۱۴۴

قبر ابی الولید

۱۴۴

قبر ایوب الحسن الزاهد

۱۴۴

قبر سرخلاب

۱۴۴

قبر همام بن زید

۱۴۴

قبر بشر بن الحکم

۱۴۴

قبر عبدالرحمن بن بشر

۱۴۴

قبر محمد بن عبدالوهاب

۱۴۴

قبر نصر بن زیاد القاضی

۱۲۱

قریه بود

۱۳۱

قریه مویدیہ

۱۴۰

قریه فریمان

۱۲۱

قناة

۱۲۱

قناة علیا

۱۲۱

قناة جهنم

۱۲۵

قومس

۱۴۱، ۱۴۶، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۲۱، ۱۱۹، ۱۱۸

قهندز

ك

۱۱۹

كرخ

۱۲۱

كرم بكر

۱۲۷

كرمان

۱۴۰

كسرى

۱۲۱

كنارسفلى

۱۴۱، ۱۲۵

كنارنك

۱۴۰

كندر

۱۲۱

كوى دزكان

۱۳۲

كوچه بلاس آباد

۱۲۵

كوفه

۱۳۳، ۱۳۲

كهلان

۱۵۲

كهن دير

گ

۱۲۲

گندآباد

۱۲۵

گيزير

ل

۱۲۱

العانچی سفلی

م

۱۲۱

ماغین

۱۲۱

ماہکا باد

۱۳۷

ما کالکاباد

۱۳۸

ماورا النہر

۱۳۹، ۱۳۸

مارل

۱۵۸

ملقا باد

۱۲۱

محمد آباد

۱۵۷

محمد بن ابراہیم

۱۵۷

محمد بن سعید

۱۵۸

محمد بن موسیٰ

۱۵۲

محمد بن یحییٰ

۱۵۹، ۱۵۱

محمد بن عبدالوہاب

۱۵۹

محمد بن علی بن جعفر الکنانی

۱۵۹

محمد بن احمد بن سالم النصری

۱۶۰

محمد بن علی بن النسوی

۱۶۰

محمد بن جعفر

۱۶۱

محمد بن محمد بن الحسن

۱۶۱

محمد بن احمد بن محمد

۱۶۱

محمد بن احمد

١٦١	محمد بن احمد بن حمدون
١٥٦	محمد بن احمد بن ابي الورد
١٦١	محمد بن عبد الخالق دينورى
١٥٦	محمد بن عمر الحكيم
١٥٠	محمد بن اسلم
١٤٩، ١٤٨، ١٤٥، ١٣٨، ١٣٥	محمد
١٥١، ١٣٥	محمد محروق
١٥١	محمد بن زيد
١٥١	محمد بن محمد
١٥٣	محمد بن الرافعى
١٤٥	محمد بن رافع القشيرى
١٢٤	محله الر تعيا
١٢٣	محله الزيق بوياباد
١٢٣	محله باب ابي الاسود
١٢٤	محله باغ رازيان
١٢٤	محله باغك
١٢٤	محله باب عسكر
١٢٦	محله باب معمر
١٢٤	محله باب عقيل
١٢٤، ١٢٣	محله بزرگ
١٢٢	محله نوبنياد
١٢٤	محله شهرستان

۱۲۳	محلہ تلاجرد
۱۲۲	محلہ جامعہ
۱۲۳	محلہ جلاباد
۱۲۴، ۱۲۲	محلہ جولاهکان
۱۲۴	محلہ جوادی علیا
۱۲۴	محلہ جوادی سفلی
۱۲۲	محلہ حیرہ
۱۲۴	محلہ خر کلاباد
۱۲۳	محلہ خفصا باد
۱۵۸	محلہ خواست
۱۲۳	محلہ خمز کاباد
۱۲۴	محلہ درباغ
۱۳۴	محلہ درباغ ملاجرد (تلاجرد)
۱۲۳	محلہ دیز
۱۲۴	محلہ زروان
۱۲۴	محلہ زمجار
۱۲۴	محلہ سنجد ستانہ
۱۲۴	محلہ سرپل
۱۲۲	محلہ سر حیرہ
۱۲۴	محلہ سیمجرد
۱۲۴	محلہ سر کوی
۱۲۳	محلہ شادیخ
۱۲۹	محلہ شاہنبر
۱۴۳، ۱۳۲، ۱۲۴	محلہ قز

١٢٣	محلہ: قیاب
١٢٣	محلہ: قوی بزرگی
١٢٢	محلہ: گند آباد
١٢٣	محلہ: غد آباد
١٢٣	محلہ: محمد آباد
١٢٢	محلہ: مولقا باد
١٢٢	محلہ: میدان زیاد
١٢٣	محلہ: مناسک علیا
١٢٣	محلہ: مناسک سفلی
١٢٤	محلہ: مرتعہ
١٢٢	محلہ: نصر آباد
١٢٤	محلہ: میدان حسین
١٥٧، ١٤٩	محفوظ بن محمود نیسابوری
١١٩	مدابین
١٣١	مدینہ
١٦٠، ٢٥٨، ١٥٥، ١٢٨، ١٢٥	مرو
١٥٢	مصطفیٰ
١٢٨	معتق
١٤٦	موسنی
١٣٩	موسستان
١٦١، ١٦٥، ١٥٩	مکہ
١٥٣	مسجد ابن حرب
١٤٣	مسجد امام یحییٰ
١٤٣	مسجد: ایوب بن الحسن

۱۴۳	مسجد باب معمر
۱۴۳	مسجد جمش
۱۴۳	مسجد دروازه قهندز
۱۴۳	مسجد رجا بن معاذ بن مسلم
۱۴۳	مسجد سرامعاد
۱۴۳	مسجد مصلى جنیان
۱۵۰	مسلم قشیری
۱۳۸	مسیب
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۳۷، ۱۲۱	مصر
۱۵۳	مقبره باب عروه
۱۴۵	مقبره باب معمر
۱۴۵	مقبره امیر عبداللہ بن طاهر
۱۴۹، ۱۴۴	مقبره تلاجرد
۱۴۵	مقبره جلاباد
۱۵۳	مقبره جل سر
۱۴۴	مقبره حیره
۱۴۴	مقبره سر میدان
۱۴۴	مقبره شاهنبر
۱۴۵	مقبره قز
۱۴۵	مقبره حسن بن معاذ بن مسلم
۱۵۲	مقبره معمر
۱۴۴	مقبره نصر بن زیاد القاضی
۱۲۱	مناسك سفلى
۱۲۱	مناسك علیا

۱۴۱

ولایت جاجرم

۱۴۱

ولایت جام

۱۴۱

ولایت خواف

۱۴۱

ولایت رخ

۱۴۱

ولایت زوزن

۱۴۰

ولایت خبوشان

۱۳۸

وادی بشفروش

۱۳۸

وادی بوشغان

۱۳۸

وادی دیزباد

۱۳۷

وادی شامات

۱۳۸

وادی شغاندبیر

۱۳۸

وادی عطی رود

۱۲۱

وافکر سلیط

۱۲۱

وافکر معاد

۱۲۶

ورقاب فارس

۱۲۱

وینکباد



۱۲۸، ۱۲۷

هراة

۱۴۴

هرون الرشید

۱۴۹

همام بن زیدین وایصه

۱۲۵

یزدجرد

۱۲۳

یعقوب لیث

۱۵۱

یاسر بن نصر الباهلی

۱۴۵

یاسین بن القصر الباهلی

۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۵

یحیی بن یحیی

۱۵۰

یحیی بن معاذ رازی